



جمهوری اسلامی ایران  
وزارت نفت

امور زنان و خانواده وزارت نفت

# حقوق انسانی زن

جلد اول

---

# حق انسانی زنان در مورد برابری و عدم تبعیض

## مقدمه

این عقیده که حقوق زنان حقوق انسانی است در عین حال که ساده است بسیار پیچیده می باشد. ساده بدین معنا که زنان و دختران به عنوان انسان دارای حقوقی هستند و پیچیده از این جهت که بهره مندی آنان از حقوق برابر با مردان و پسران و عدم تبعیض بین آنها دستخوش استحاله و پایمال شدن در جوامع بشری امروز است.

اقدام کردن در راه حقوق انسانی زنان و دختران ایجاب می کند که هم در نحوه تفکر راجع به حقوق انسانی و هم در نحوه سخن گفتن درباره زندگی زنان تغییری روی دهد. لازمه این امر آن است که حقوق انسانی از دریچه چشمی آگاه به مسئله جنسیت بررسی شود و زندگی زنان در چارچوب حقوق انسانی توصیف گردد و هر یک از ابعاد حقوق انسانی به روشن ساختن رابطه پیچیده جنسیت با سایر جنبه ها از قبیل نژاد، طبقه، دین، سن، معلولیت، فرهنگ و موقعیت پناهندگی یا مهاجرت نیز کمک کند. نگرش به زندگی زنان و دختران از چارچوب حقوق انسانی روشی جدید و ابزاری نیرومند برای پرداختن به مسائل زنان به وجود آورده است. مفهوم حقوق انسانی زنان راه را برای طرح پرسشهای دشوار درباره بی توجهی دولتهای جهانی و بی اعتنائی عمومی به موضوع تبعیض و خشونت گسترده ای که زنان و دختران سراسر جهان متحمل می شوند، گشوده است.

## اهداف:

- دریابند که همه آدمیان، بدون تبعیض، سزاوار بهره مندی از حقوق بشرند.
- شیوه پیچیده همبستگی و ارتباط متقابل حقوق بشر را بررسی کنند.
- در این باره بحث کنند که زنان و دختران چگونه ممکن است بر پایه عواملی چون نژاد، طبقه، قومیت، فرهنگی، معلولیت‌های جسمی، جنسیت و سن به نحوه های مختلف دچار تبعیض شوند.
- ادعان کنند که این تفاوتها ممکن است به صورت شالوده تبعیض و تعصب درآیند.
- به درکی از حقوق انسانی نایل شوند که سعی کنند همه گروه‌های موجود در جامعه را به حساب آورند و بر هیچ یک از آنها ستم روا ندارند.

## اندیشیدن درباره برابری و عدم تبعیض

برابری و عدم تبعیض در حکم سنگ بنایی هستند که همه حقوق انسانی بر روی آنها پایه گذاری می شود. درک این مفهوم برای هرگونه بحث درباره حقوق انسانی زن و دختران اهمیت اساسی دارد.

حمایت از حقوق انسانی بر پایه اصول زیر استوار است:

جهان شمولی و جدایی ناپذیری، برابری، عدم تبعیض، بخش ناپذیری و همبستگی متقابل

## جهان شمولی و جدایی ناپذیری:

ما حقوق انسانی را « کلی » می نامیم زیرا هر یک از ما در هر مقامی که گمارده شده باشیم از حقوق انسانی که بر اساس نظامی اخلاقی قرار دارند برخورداریم. کلی بودن حقوق به معنای آن نیست که هرگز

آنها قابل تغییر نباشند یا اینکه همه مردم آنها را به یک نحو تجربه کنند . جهان شمولی به معنای یک فرهنگ واحد جهانی نیز نیست بلکه جهان شمولی بدین معنی است که دولتها و اجتماعات باید برخی از ارزشهای اخلاقی و معنوی ای را که در همه مناطق جهان حاکمند رعایت کنند. یک نمونه از اعتقاد اخلاقی که جنبه جهان شمولی دارد این است که بردگی و نژادکشی- یعنی کشتن تعدادی از مردم به سبب آن که به جامعه قومی یا دینی خاصی تعلق دارند در هر جا و در همه موارد کاری است نادرست. حقوق انسانی همچنین جدایی ناپذیرند. به این معنا که هیچ کسی را نمی توان در هیچ شرایطی از آنها محروم ساخت.

با اینکه بسیاری از ما به فقدان قدرت زنان نسبت به مردان واقفیم، غالباً از انواع مختلف قدرتی که ما به عنوان زن و به عنوان اعضای طبقه گروه قومی، دین، مکان جغرافیایی، یا نژاد خاص داریم بی خبریم این انواع تفاوتها غالباً ممکن است موجب شوند که ما به اجتماعاتی از زنان و مردان ستم کنیم و تبعیض روا داریم.

چنین نابرابری قدرتی تنهادر سطح فردی روی نمی دهد بلکه منظمأ مورد حمایت جامعه، دولت، و نیروهای دیگر قرار می گیرد و گروههای خاصی هدف آن واقع می شوند. دسترسی ما به منابع، کار ، مسکن، آموزش ، حمایت از دولت و بسیاری از مواهب دیگر را می توان ناشی از قدرتی دانست که ما در جامعه داریم. پس اذعان ما به این که حقوق بشر کلیت دارد باید همواره با شناخت این نکته همراه باشد که چگونه ممکن است اخلاف قدرت در بین گروههاو میان آنها، حتی در صورت بهره مند بودن از حقوق کلی انسانی، به تبعیض و نابرابری بی انجامد.

### **تبعیض مبتنی بر سن**

در همه بخشهای جهان زنان اکثریت وسیع از اشخاص مسن را تشکیل می دهند و با این حال زنان مسن تر فراموش شده ترین گروه در میان زنان به شمار می روند. اگرچه در برخی از جوامع افراد پیر و مسن

از پایگاهی والا و احترامی فراوان برخوردارند، در بسیاری از جوامع دیگر از زمره کسانی هستند که به احتمال قوی مستمندند و در تصمیم‌گیری‌ها جایی ندارند از خوراک و مراقبت‌های بهداشتی محرومند در حالی که زنان باید در سراسر چرخه زندگی خویش از حقوق انسانی بهره‌مند باشند.

قرآن کریم زن و مرد را در جایگاه انسانی مساوی می‌داند. در آیه اول سوره نساء آمده است:

«ای مردم از پروردگار بپرهیزید همان که همه را از یک انسان آفرید و همسر او را از جنس او خلق کرد و از آن دو مردان و زنان بی‌شماری به وجود آورد.»

از دیدگاه قرآنی، زن و مرد در هویت انسانی و جوهره آدمیت کمترین تفاوتی با یکدیگر ندارند و از سرشت و منشأیی مشترک آفریده شده‌اند: الذی خلقکم من نفس واحده و خلق منها زوجها ( او که انسان را از نفسی واحد آفرید و همسر او را هم از او پدید آورد). در مکتب نورانی اسلام هیچ اصل فکری وجود ندارد که در باب انسانیت، مرد را بر زن مقدم شمارد. با دقت در آیات قرآنی به راحتی می‌توان دریافت مسئله اساسی که کانون توجه قرآن است «انسان» است و از این حیث هیچ فرقی میان مرد و زن وجود ندارد.

در متون اصلی دین اسلام مانند قرآن و روایات معتبر، از زن به عنوان یک انسان کامل به لحاظ کرامت انسانی، رسیدن به مقامات عالی معنوی و کسب فضایل والای انسانی و تحمل تکلیف و مسئولیت همانند مرد سخن به میان آمده است و هیچ دوگانگی در کسب فضایل انسانی و مدارج علمی و معنوی میان زن و مرد به چشم نمی‌خورد و خطابات قرآنی هم به مرد و زن است:

«یا ایهاالناس» ، «یا ایهاالانسان» و «یا ایهاالذین آمنوا» ، تعبیراتی که در احادیث دینی پیرامون تحریض و تشویق مسلمانان به علم‌آموزی دانش‌طلبی وجود دارد نیز عام و فراگیر و متوجه همه

انسانهاست و در این زمینه هیچ حکم و توصیه ای را نمی توان یافت که تنها به مردان اختصاص داشته باشد. در فرهنگ قرآنی امکان لغزش و گناه برای مردان و زنان به یک اندازه وجود دارد. به طور کلی در تعالیم اسلامی از مقام زن تجلیل فراوان به عمل آمده است و در پیشگاه الهی و در منظومه اندیشه دینی زن و مرد فرقی ندارند و جز در عرصه سپردن مسئولیتها آنجا که ویژگیهای ذاتی هر کدام، تفاوتی را در مواضع اقتضا کرده است، تفاوتی میان آن دو نیست.

اما بین آنچه که در عمل مشاهده می شود ( وضعیت فعلی زن مسلمان ایرانی) با آنچه که باید باشد ( وضعیت مطلوب ) فاصله زیادی وجود دارد و زن مسلمان ایرانی چه در خانواده و چه در جامعه، هنوز جایگاه واقعی و شایسته خود را کسب نکرده است.

در مقدمه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز به زنان جایگاه ویژه ای داده شده است:

« در ایجاد بنیادهای اجتماعی اسلامی، نیروهای انسانی که تاکنون در خدمت استعمار همه جانبه خارجی بودند هویت اصلی و حقوقی انسانی خود را باز می یابند و در این بازیابی طبیعی است که زنان به دلیل ستم بیشتری که تاکنون از نظام طاغوتی متحمل شده اند استیفای حقوق آنان بیشتر خواهد بود».

تصریح به اصل مساوات و برابری زن و مرد در کلیه شئون زندگی و برخورداری آنان از حمایتهای یکسان قانونی از جمله وجوه امتیاز قانون اساسی ج . ۱.۱ به شمار می رود. در اصل ۲۱ قانون اساسی دولت موظف شده است حقوق زن را در تمامی جهات با رعایت موازین اسلامی تضمین نماید و امور زیر را انجام دهد:

۱. ایجاد زمینه های مساعد برای رشد شخصیت زن و احیای حقوق مادی و معنوی او

۲. حمایت از مادران، بالخصوص در دوران بارداری و حضانت فرزند و حمایت از کودکان بی

سرپرست

۳. ایجاد دادگاه صالح برای حفظ کیان و بقای خانواده

۴. ایجاد بیمه خاص بیوگان و زنان سالخورده و بی سرپرست

۵. اعطای قیمومت فرزندان به مادران شایسته در جهت غبطه آنها در صورت نبودن ولی شرعی.

توجه خاص به حقوق زنان و فراهم نمودن امکانات لازم برای مشارکت در فعالیتهای علمی،

فرهنگی واجتماعی و تساوی آنان با مردان در برابر قانون با رعایت موازین اسلامی در اصول

مختلف قانون اساسی به صراحت بیان شده است. لذا ضرورت تقنین قوانین و مقررات مورد نیاز

زنان بر کسی پوشیده نیست و باید در این زمینه تلاشهای فراوانی صورت گیرد.

**مقام معظم رهبری نیز در این خصوص چنین بیان داشته اند:**

« باید امروزه توجه کنیم و ببینیم زنان برای حرکت در آن مسیر مطلوب

اسلام به چه ابزار قانونی نیاز دارند، آن را برایشان فراهم کنیم.»

## حق انسانی زنان برای بهره مندی از آموزش

### اهداف:

- متوجه شوند که هر زن و دختری حق بهره مندی از آموزش را دارد و اهمیت آموزش در زندگی زنان را ارزیابی کنند.
- بی سواد و بی سواد کارکردی را تعریف نموده و تأثیر آنها را بر زندگی زنان و دختران تجزیه و تحلیل کنند.
- نقشی را که دولت‌ها، رهبران جامعه، رسانه های گروهی، خود زنان در تأمین دسترسی کامل زنان به آموزش می توانند ایفا کنند شرح دهند.
- نقش قالبی مبتنی بر جنسیت را تعریف کنند و راههایی برای مقابله با آن بیندیشند.
- پیوند میان آموزش و سایر حقوق بشر را تشخیص دهند.
- راههایی برای تأمین حق بهره مندی از آموزش در جامعه خود بیندیشند.

### شروع به حرکت: اندیشیدن درباره زنان و آموزش

- مردم را می توان برانگیخت که هم بنا بر دلایل عملی و هم برای عشق به یادگیری در پی تحصیل علم برآیند. زنان و دختران نیز غالباً تحصیل علم را به منزله راهی برای گریز از فقر، زمینه ای برای تحرک، فرصتی برای گسستن قیدهای آداب و رسوم غلط سنتی و رسیدن به خود کفایی و آزادی می انگارند. با بالارفتن تعداد زنانی که در سراسر جهان سرپرستی خانواده ها را برعهده دارند، موضوع خودکفایی زنان بیش از پیش اهمیت یافته است. زنانی که فرزند دارند نیز ممکن است به این منظور در پی تحصیل علم برآیند که نیازهای خانواده هایشان را



بهبتر برآورند و به صورت معلم و الگوهای شایسته تری برای دختران و پسران خویش در آیند. به علاوه ممکن است زنان آموزش را به عنوان راهی برای خدمت به جامعه خویش و مشارکت در حوزه عمومی و سیاسی تلقی کنند.

## زنان و آموزش

### خبرهای ناگوار از سراسر جهان

- میزان تحصیلات دختران در ۱۸ سالگی به طور متوسط ۴/۴ سال کمتر از میزان تحصیلات پسران است.
- از ۱۰۰ میلیون کودکی که پیش از سال چهارم دبستان ترک تحصیل می کنند، دو سوم را دختران تشکیل می دهند.
- از سال ۱۹۷۰ تا ۱۹۹۲ تعداد ثبت نام کنندگان دختر در دبستان و دبیرستان در سراسر جهان از ۳۸ درصد به ۶۸ درصد افزایش یافت، این امر توجه فزاینده به تعلیمات ابتدایی همگانی را نشان می دهد. با این حال ۱۳۰ میلیون کودک دسترسی به تعلیمات ابتدایی ندارند، دوسوم این کودکان دخترانند.
- تعداد زنانی که در کشورهای رو به رشد در تعلیمات متوسط ثبت نام کرده اند، نصف تعداد مردان است، در سراسر جهان، زنان همچنان بخش ناچیزی از دانش آموزان رشته های ریاضیات و علوم را تشکیل می دهند.
- در آسیای جنوبی ۵۲ درصد پسران و فقط ۳۳ درصد دختران در دبیرستانها ثبت نام می کنند.

- دختران سنین ۱۵ تا ۱۹ سالگی هر سال ۱۵ میلیون کودک به دنیا می آورند و دختران بیشتر در اثر عوارض مربوط به بارداری می میرند تادر اثر عوارض دیگر.

### خبرهای خوش

- دختران در بسیاری از نقاط جهان دسترسی برابر به تحصیلات ابتدایی یافته اند. به علاوه در تعلیمات متوسطه و عالی نیز پیشرفتهایی حاصل شده است، اگرچه دختران هنوز عقب تر از پسرانند.
- در برخی از کشورها تعداد زنانی که وارد کالج دانشگاه می شوند به نحو چشمگیری افزایش یافته است.
- احتمال می رود که تعداد زنان جوان ۱۵ تا ۱۹ ساله ای که دست کم هفت سال تحصیل کرده باشند نسبت به زنان ۴۰ تا ۴۴ ساله ، دو تا سه برابر بیشتر باشد.
- در ایران ۶۰ درصد از پذیرفته شدگان دانشگاههای کشور را در سال ۲۰۰۰ دختران تشکیل می دادند.

### بی سواد و بی سواد کارکردی

در ۱۹۹۰ ، ۹۴۸ میلیون در جهان بی سواد بودند، یعنی نه می توانستند بخوانند و نه می توانستند بنویسند. ۷۱ درصد کل بی سوادان جهان به آسیای شرقی و جنوبی، ۱۵ درصد به بخش جنوبی صحرای آفریقا، ۶ درصد به کشورهای عربی، و ۵ درصد به امریکای لاتین و ناحیه کارائیب تعلق داشتند. هم در آسیای جنوبی و هم در کشورهای عربی از هر دو بزرگسال یک تن بی سواد است.

میزان بی سوادی در مورد زنان به نحو بی تناسبی بالا است. تقریباً نیمی (۴۵ درصد) از جمعیت زنان کشورهای روبه توسعه بی سواد است. این رقم در کشورهایی که کمتر از همه توسعه یافته اند به ۷۹ درصد زنان بزرگسالان می رسد. در افریقا ۶۴ درصد زنان قادر به خواندن یا نوشتن نیستند. از لحاظ تعداد مطلق، اکثریت وسیع زنانی که نمی توانند بخوانند و بنویسند در آسیا متمرکزند، زنان بی سواد این منطقه بیش از ۷۷ درصد کل زنان بی سواد جهان را تشکیل می دهند این ارقام شامل درصد زنانی نمی شود که از لحاظ کارکردی بی سوادند، یعنی مهارتهای اساسی در خواندن و نوشتن را دارند اما آن مهارتها برای اجرای کارآمد در جامعه کافی نیستند. وزارت آموزش و پرورش کشور آمریکا اذعان کرده است که ۲۰ درصد آمریکاییان بالای ۱۷ سال (۲۷ میلیون نفر) از لحاظ کارکردی بی سوادند. محاسبه بی سوادان کارکردی کار دشواری است اما مریبان برآورد می کنند که زنان بیش از مردان از لحاظ کارکردی بی سوادند.

در تمامی فرآیند توانمند سازی زنان، ارتقای مهارتهای تحلیلی آنان، و گشودن مخزن اطلاعات و دانشی که مدتهای مدید از آن محروم بوده اند، سواد اهمیت عمده دارد. سواد به صورت وسیله ای برای بیان خلاقه حالات ذهنی نیز در می آید به طوری که زنان می توانند روایتگر قصه ها، آوازاها و شعرهایی باشند که هرگز در خارج از محفل خانواده شنیده نشده اند.

### **بی سوادی زنان : علتها و معلولها**

برخی از دلایل بی سوادی زنان بدین قرارند:

- پایین بودن مقام و پایگاه اجتماعی زنان و دختران

- دسترسی کمتر به آموزش و پرورش
- ساعات کار طولانی تر برای زنان و دختران، هم در داخل خانه و هم در خارج از آن
- درآمد پایین تر
- دارایی کمتر
- تأکید خانواده و اجتماع بر تحصیل پسران و تبعیض علیه دختران در خانواده
- قیود فرهنگی و سنتی ای که زنان جوان را به ماندن در خانه ملزم می کنند.
- برنامه درسی و روشهای تدریس نامناسب برای دختران و/ یا نامناسب برای فرهنگ

#### محلی

- مسافتهای فوق العاده زیاد بین خانه و مدرسه
  - فقدان امکانات مراقبت از کودک
- در اکثر جوامع، میزان بی سوادی کارکردی احتمالاً درمیان اقلیتهای قومی و نژادی و معلولان در بالاترین حر است. بنابراین، قصور ورزیدن درمقابله با این مسئله نیز تبعیضهای مبتنی بر نژاد، قومیت و معلولیت را تداوم می بخشد.

برخی از آثار و نتایج بی سوادی کارکردی در زنان و دختران بدین قرارند:

- بیکاری
- فقر
- تبهکاری و زندانی شدن
- ازدواجهای زود هنگام

- روسپیگری
- عدم برخورداری از سلامت و بهداشت
- تداوم تبعیضهای خانواده و جامعه علیه دختران در زمینه آموزش

همه این آثار و نتایج موجب استمرار بی سواد می شوند و به این ترتیب بی سواد می شود. چرخه ای برای تداوم خود در می آید. از آنجا که تعداد فزاینده ای از زنان حواجی زندگی خانواده هایشان را تأمین می کنند، درس نخواندگی آنان به فقر می انجامد و فرصتها را برای فرزندانشان محدود می سازد. مثلاً ۶۵ درصد زنان سرپرست خانواده هایی که در فقر بسر می برند تحصیلات دبیرستانی را به پایان نرسانده اند. در حالی که رقم مربوط به همین وضع مشابه در مورد مردان ۴۴ درصد است.

### فرا تر از سواد، آموزش با توجه به نیازهای دختران و زنان

در سراسر جهان تعداد دخترانی که وارد دبستان می شوند کمتر از تعداد پسران است. در هر سال تحصیلی تعداد دخترانی که باقی می ماند پیوسته کمتر و کمتر می شود. چرا دختران ترک تحصیل می کنند؟ در یکی از پژوهشهای سال ۱۹۹۴ در افریقا این عوامل مشخص شدند.

- نگرشهای منفی والدین که از رویه های فرهنگی و نظامهای ارزشی - از جمله ازدواج و زایمان زودهنگام - سرچشمه می گیرند.
- هزینه بالای آموزش و پرورش ، بخصوص در کشورهایی که به سبب برنامه های تعدیل ساختاری مجبورند از مخارج مدارس بکاهند.
- فقری که کار دخترا را به صورت امری مبرم برای بقای خانواده در می آورد.

- مزاحمت‌های جنسی هم در درون و هم در بیرون محیط مدرسه، و در نتیجه ترس والدین از امنیت دختر و آبروی خانواده شان.

- کمبود وسایل و امکانات تعلیم و تربیت برای دختران

- برنامه های درسی خشک و بی تناسب با تجربه های دختران.

اکثر نظام‌های آموزشی برای دانش آموزانی در نظر گرفته شده اند که بتوانند همه روزه در طی سال تحصیلی به مدت حداقل ۱۰ سال متوالی به مدرسه بروند. به علاوه ، خانواده ها غالباً ناگزیرند که بابت شهریه ، مخارج کتاب و روپوش پول بپردازند. کودکان فقیر بخصوص دختران که بسیاری اوقات مجبورند دوشادوش والدینشان برای حفظ خانواده کار کنند، به چنین نظام‌هایی راه ندارند. در فرهنگهایی که ازدواجهای زود هنگام در آنها معمول است، دختران معمولاً پیش از آنکه بتوانند سواد بیاموزند یا مهارت‌های دیگرشان را کاملاً بیروانند مدرسه را ترک می گویند. هزینه های ترک تحصیل دختران بسیار بالا است، آنان، با مهارت‌های اندک و امید ناچیزی که به تغییر دارند، اسیر سرپنجه فقر و ناتوانی می شوند.

آنچه جهان بدان نیاز دارند ساختارهای انعطاف پذیری در جهت گسترش فرصت‌های آموزشی برای زنان و دختران بیرون از مدرسه است، به ویژه کسانی از قبیل مادران نوجوان، دختران خانه نشین، معلولین و کسانی که در خیابانها بسر می برند، آوارگان و لطمه دیدگان از کشمکش‌های مسلحانه، که در برنامه های ملی اولویت ناچیزی به همه آنها داده شده است.

لیکن زنان برای ادامه تحصیل با موانع متعدد مواجهند. از آنجا که بیشتر زنان در حدی طاقت فرسا کار می کنند، عده ناچیزی فرصت دارند که به طرز گسترده وارد برنامه های آموزشی شوند. لازم است که فرصتهای آموزشی با خانه و خانواده ارتباط نزدیک داشته باشند و با فرزندان و یا کار خانواده ها و در ارتباط با برنامه های مراقبت از کودکان هماهنگ شوند. مانع دیگر همانا مخالفت شوهران است. مثلاً زنان روستایی افریقای جنوبی، در یکی از کارگاههای مربوط به اصلاحات ارضی و مسائل زنان، از بد رفتاری شوهرانشان بعنوان یکی از مایه های عمده نگرانی خود یاد می کردند.

مردان مخالف بودند « چون ما {زنان} به اینجا آمديم تا از حقوق خود سردر آوريم». و بسیاری از آنان گزارش دادند که یا از شرکت در آن جلسات ممنوع شده اند یا به سبب جرأتی که برای شرکت در جلسات به خرج داده اند کتک خورده اند. اما، برنامه های مبتنی بر جامعه که مراقبتهای بهداشتی و سایر خدمات اجتماعی را ارائه می کنند نیز می توانند برای زنان همه سنین برنامه های آموزشی در زمینه های سواد آموزی و مهارتهای حرفه ای غیر سنتی و نیز آگاهیهای مرتبط با جنسیت، اطلاعات حقوقی و معلومات دیگری فراهم آورند که زنان را قادر سازند که بر منابعی که پدید می آورند نظارت کنند و اذانتخابهای خود در زندگی خانوادگی، مشاغل و روابط اجتماعی سر در آورند. انعطاف پذیری و قابلیت دسترسی کلید چنین شکلهای آموزش همگانی است.

## نگرش قالبی مبتنی بر جنسیت در آموزش

دسترسی به آموزش به تنهایی برای تأمین حقوق انسانی دختران در زمینه آموزش و پرورش کافی نیست. دختران و زنان ممکن است با تبعیض در نظام آموزش نیز مواجه باشند، یعنی در مدرسه، در برنامه های خاص و برنامه های کارورزی که فقط بر روی پسران و مردان گشوده اند، در اعطای دستمزدهای بالا و موقعیتهای تدریس در سطوحی که فقط مرئیان مرد از آنها برخوردارند، و در روشهای آزمونی که به رعایت حال پسران گرایش دارند (مثلاً، پرسشهایی که علائق پسران را منعکس می کنند و واژه هایی که اکثر پسران به کار می برند). در اکثر نقاط جهان، تعداد معلمان زن و سطح تعلیمات ابتدایی بیشتر است. اما زنان در سطوح عالی، و در مقامهای تصمیم گیری برای آموزش و پرورش، به خصوص در دانشگاهها، نمایندگان چندان زیادی ندارند. نه تنها دختران دانش آموز به سرمشقه های مثبت نیاز دارند بلکه زنان معلم نیز ممکن است بهتر بتوانند به نیازهای دختران دانش آموز رسیدگی کنند.

برنامه های تحصیلی می توانند یکی از وسایل عمده برای تقویت نگرشهای قالبی مبتنی بر جنسیت باشند، یعنی نقشهای مورد انتظار برای مردان و زنان که جامعه از کودکی تحمیل می کند. در کتابهای درسی غالباً پسران به صورت اشخاص درشت اندام، شجاع، ماجراجو و باهوشی ترسیم می شوند که در مقام رهبران، مخترعان و مکتشفان اقدام می کنند، از سوی دیگر، دختران موجوداتی هستند ریز نقش، محبوب، حساس، محتاط و زیبا، که نقشهای سنتی مرتبط با تولید مثل و مراقبت از کودک را بازی می کنند. پندارهای قالبی در مورد دختران موجب می شود که آنان از رشته هایی چون ریاضیات و علوم، که آنها را برای خود



بسیار دشوار می‌انگارند وحشت کنند و به این ترتیب مفهوم ضعیف بودن در ذهن دختران تقویت می‌گردد.

برنامه‌های آموزشی که به نحوی مناسب و دقیق تنظیم شده باشند می‌توانند نگرشهای قالبی مبتنی بر جنسیت را دگرگون سازند و با تبعیض علیه دختران و زنان مقابله کنند.

اما بسیاری از خود معلمان به تبعیضی که زنان به عنوان یک گروه با آن مواجهند آگاهی ندارند و از آنجا که این نکته را درک نمی‌کنند نمی‌توانند با نگرشهای خشک و زیان بار در مواد و مطالب آموزشی، با شیوه‌های انتخاب راه زندگی و حرفه‌هایی که در دسترس دختران قرار دارند و با محیطهای مدرسه که ممکن است تبعیض قائل شوند به چالش و مقابله برخیزند.

#### پیامهای مبتنی بر جنسیت در کتابهای درسی کنیا

در ۱۹۹۱، گروهی از پژوهشگران نتایج تحقیقاتشان در مورد تصاویر دختران و زنان در ۲۴ عنوان از کتابهای درسی تعلیمات اجتماعی، ریاضیات، علوم، حرفه و فن، و زبان را انتشار دادند. گروه تحقیق خاطر نشان ساخت که زنان و دختران در بسیاری از کتابهای درسی اصولاً وجود ندارند. آنان نه هیچ سرمشق رهبری یا ریاستی برای زنان در آن کتابها یافتند و نه نشانی از زنانی دیدند که به فعالیتهایی غیر سنتی از قبیل رانندگی اتومبیل، بانکداری، یا حتی خرید مایحتاج خانواده مانند میخ مشغول باشند. پژوهشگران احساس کردند که این عدم توازن در نحوه نمایش مردان و زنان این تصور را در ذهن ایجاد می‌کند که گستره فعالیتهای مردانه بسیار وسیع تر از دامنه فعالیتهای زنانه است. نیروی اجرایی، در یادداشتی صریح و مثبتف برای تنظیم مجدد تصاویر و پیامهای مندرج در کتابهای درسی راهبردهایی را توصیه کرد. والدین در

برخورد با نمونه های مطالب و تصاویر کتابهای درسی، تازه برای اولین بار متوجه شده اند که در کل حال و هوای مدارس موجود، حتی بیرون از کتابها، دختران تا چه حد عقب نگه داشته شده اند.

### راهبردهایی برای اقدام در زمینه آموزش زنان

- دسترسی دختران و زنان به آموزش را تضمین کنید و در بهبود کیفیت و تناسب آن آموزش برای آنان بکوشید.
- قالبهای جنسیتی را از کتابهای درسی و برنامه های مدارس بزدایید.
- هدفها و ضرب الاجلهایی برای کاهش تدریجی اختلافهای مبتنی بر جنسیت برقرار سازید.
- در فاصله های نزدیک به خانه های دختران مدارس و مراکز یادگیری تأسیس کنید.
- معلمان زن بیشتری استخدام کنید.
- بکوشید که حمایت و مشارکت والدین در امر آموزش و پرورش را بر انگیزید.
- تلاش بیشتری بکار بندید تا همسران و مادران نوجوان در برنامه های تعلیمات ابتدایی نام نویسی کنند. تسهیلاتی برای مراقبت از فرزندانشان فراهم آورید.
- برنامه هایی ابتکاری در پیش گیرید و یادگیری را با درآمدزایی برای دختران و زنان بیرون از مدرسه در جوامع فقیر در هم آمیزید.

## برنامه عمل پکن و آموزش

در برنامه عمل پکن یعنی بیانیه مقاصد و هدفهای نمایندگان دولتها در « چهارمین کنفرانس جهانی زنان» در پکن، ۱۹۹۵، آموزش به منزله یکی از حقوق اساسی بشر و وسیله ای ضروری برای رسیدن به روابط مساوی تر میان زنان و مردان به رسمیت شناخته شده است. در این بیانیه، سرمایه گذاری در آموزش و کارورزیهای رسمی و غیر رسمی برای دختران و زنان به عنوان یکی از بهترین وسایل وصول به رشد و توسعه اقتصادی که هم پایدار و هم قابل استمرار باشد توصیه شده است.

در برنامه عمل این هدفهای راهبردی پیشنهاد شده است:

- تضمین دسترسی مساوی به آموزش
- تضمین تکمیل تعلیمات برای دست کم ۸۰ درصد کودکان با تأکید خاص بر دختران تا سال ۲۰۰۰.
- کاهش اختلافهای مبتنی بر جنسیت در حوزه آموزش تا سال ۲۰۰۵ و تأمین تعلیمات ابتدایی تا پیش از سال ۲۰۱۵ برای همگان
- کاهش میزان بی سوادی زنان، به ویژه در میان زنان روستایی، مهاجر، پناهنده، آواره و معلول به میزان نصف سال ۱۹۹۰.
- ریشه کن ساختن بی سوادی در میان زنان سراسر جهان
- بهبود دسترسی زنان به کارورزیهای حرفه ای، علوم و فنون و فراهم ساختن امکان ادامه تحصیلات برای آنان.

- ایجاد آموزش غیر تبعیض آمیز با تنظیم و کاربرد برنامه های تحصیلی، کتابهای درسی و وسایل کمک آموزشی عاری از قالبهای جنسیتی برای همه سطوح آموزش و پرورش
- اختصاص منابع کافی برای اصلاحات آموزشی و نظارت بر اجرای آنها
- حفظ یا افزایش سطح بودجه های مربوط به آموزش در برنامه های تعدیل ساختاری و بهبود اقتصادی
- ترویج آموزش یا دوره های کارورزی مادام العمر برای دختران و ابداع برنامه های آموزشی انعطاف پذیر برای برآوردن نیازهای آنان.

قوانین ایران به صراحت مدافع حق آموزش و تحصیل برای همگان است. اصل ۳۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ابراز می دارد که آموزش و پرورش رایگان و اجباری است. در ماده ۴ « قانون تأمین وسایل و امکانات تحصیل اطفال و جوانان ایرانی» که در سال ۱۳۵۳ تصویب شد آمده است که « هر یک از پدر یا مادر یا سرپرست قانونی کودک و نوجوان کمتر از هیجده سال که قانوناً مسئول پرداخت مخارج زندگی او می باشند و با داشتن امکانات مالی از تهیه وسایل و موجبات تحصیل کودک یا نوجوان واجد شرایط تحصیل مشمول این قانون در محلی که موجبات تحصیل دوره های مربوط از طرف وزارت آموزش و پرورش فراهم شده باشد امتناع کند یا به نحوی از انحاء از تحصیل او جلوگیری نماید به حکم مراجع قضایی که خارج از نوبت رسیدگی می کنند به جزای نقدی از ده هزار ریال تا دویست هزار ریال و به انجام تکالیف فوق نسبت به کودک یا نوجوان محکوم خواهد شد.....»

آیین نامه اجرایی « قانون تأمین زنان و کودکان بی سرپرست » در ماده ۲ مقرر می دارد که با کمکیروهای انتظامی ( پلیس و ژاندارمری) باید کودکان فاقد والدین یا بدون سرپرست را شناسایی و

تسهیلات آموزشی شامل آموزش حرفه ای و فنی در اختیار آنان قرار داد. قوانین مزبور، مقامات ذیربط را مسئول حمایت و رسیدگی به دختران بی سرپرست تا وقتی که ازدواج کنند می شناسد. در ایران مانند هر کشور در حال توسعه دیگری، میزان ترک تحصیل دختران بالاتر از پسران است. علاوه بر عواملی که پیش از این ذکر شد، ازدواج زود هنگام یکی دیگر از دلایل ترک تحصیل دختران است.

### **چرا دخترها در مدرسه نیستند؟**

#### **عوامل بازدارنده دسترسی دختران به آموزش ابتدایی**

##### **در کردستان، هرمزگان و کهگیلویه و بویر احمد:**

۷ درصد دختران به دلایل فرهنگی، اقتصادی و آموزشی در مدارس ثبت نام نمی کنند یا پیش از اتمام دوره ابتدایی ترک تحصیل می کنند.

۲۵ درصد خانواده هایی که دختران خود را به مدرسه نمی فرستند معتقدند که تحصیل با نقش این دختران به عنوان همسر و مادر بی ارتباط است. ۱۷ درصد این گونه والدین خودب ی سواد هستند و بیم دارند که دخترانشان باروی آوردن به تحصیل سنن مذهبی یا آنچه را که فراگرفته اند کنار بگذارند. ۱۲ درصد عقیده دارند بهتر است پسرها به جای دخترها تحصیل کنند زیرا پسر در کنار خانواده باقی می ماند و به تأمین معاش آن کمک می کند درحالی که دختر به خانه بخت خود می رود. ۱۸ درصد دخترها را در خانه نگاه می دارند زیرا هیچ گونه الگوی نقش تحصیل یا الگوهای دیگر که نیاز به تحصیل را روشن کند وجود ندارد. حدود ۸ درصد نیز ابراز می کنند فشار افکار عمومی باعث بازداشتن دختران از حضور در مدارس است، بخصوص اگر مدرسه در مسافت دوری قرار داشته باشد.

۳۴ درصد خانواده ها کمبود مالی را دلیل نفرستادن دخترانشان به مدرسه عنوان کردند، اگرچه برخی بضاعت آن را داشتند که پسرانشان را به مدرسه بفرستند. ۲۶ درصد اظهار داشتند وجود دختر در خانه برای کمک به مادر در کار خانه، مراقبت از خواهر یا برادر کوچکتر و آوردن آب و هیزم لازم است. ۲۵ درصد گفتند دخترها نباید به مدرسه بروند تا در کار مزرعه یا گله داری و مراقبت از حیوانات کمک کنند یا قالی ببافند و کاردستی درست کنند.

تقریباً ۱۵ درصد دخترانی که به مدرسه نمی روند به علت عدم توفیق در درس ها یا عملکرد ضعیف از مدارس بازمانده اند، ۱۳ درصد به علت آن که معلم زن وجود ندارد مدرسه را ترک کرده اند، ۱۳ درصد ترک تحصیل کرده اند اما می گویند اگر در مدرسه فردی بود که پیگیر کار آنان بود یا والدین شان را مجاب می کرد که آن ها را به مدرسه بازگردانند، به مدرسه باز می گشتند، ۱۲ درصد والدین اظهار داشتند وقتی مدارس متوسطه در روستا وجود ندارد دلیلی ندارد که دختران خود را به مدارس ابتدایی بفرستند، ۱۰ درصد انضباط شدید مانند تنبیه بدنی را که برخی معلمان جوان بی تجربه برشاگردشان اعمال می کنند و موجب ترس و تنفر دختران از مدرسه می شود، عنوان کردند و ۱۰ درصد نیز اعلام کردند دختران خود را از رفتن به مدرسه باز می دارند زیرا نمی خواهند هنگامی که دختران رشد کرده و به بلوغ نزدیک می شوند در کلاس های مختلط درس بخوانند.

تعداد دختران تقریباً دو برابر پسران است. تعداد کودکانی که به مدرسه ابتدایی نمی روند در روستاها چهار برابر شهر ها است.

کثرت دخترانی که به دلیلی مسافت طولانی از رفتن به مدرسه باز می مانند متناسب با سن آنان افزایش می یابد. هر چه سن بالاتر باشد، میزان ترک تحصیل نیز بالاتر است. خانواده هایی که به خصوص در شهرستان ها و روستاها زندگی می کنند، طی مسافت طولانی را برای دخترها مناسب نمی دانند. این امر بخاطر اضطراب خانواده ها از امنیت و جدایی دختر پس از سن بلوغ است.

در نظام آموزشی فعلی دختر و پسر در مدارس جداگانه درس می خوانند. معلمان نیز اغلب، اگرچه نه همواره از همان جنس هستند. در مدارس روستایی برخی ملاحظات اجتماعی، فرهنگی و بخصوص تدارکاتی - یعنی فقدان تسهیلات - موجب شده است مدارس مختلط راحت پذیرفته شوند. سیاست آموزش هر جنس به طور جداگانه منجر به ایجاد نسبت پایین « معلم در ازای شاگرد» و نسبت بالای « شاگرد در هر مدرسه » برای دختران در مدارس ابتدایی در مناطق روستایی شده است، عده زیادی معتقدند که این امر همچنین منجر به افزایش ثبت نام دختران در مدارس ابتدایی در مناطق روستایی شده است. بخصوص دخترانی ک خانواده سنتی دارند. وجود زنان معلم همچنین معلمانی از جامعه محلی از دیگر دلایل افزایش ثبت نام دختران در مدارس ابتدایی است.

## وضعیت آموزش و پرورش زنان درج .۱.ا:

### اول - دستاوردها

۱. پوشش تحصیلی دختران ۱۰-۶ ساله ۹۶/۳ درصد می باشد. این رقم نسبت به سال ۷۶، ۳/۰۴ درصد رشد نشان میدهد.
۲. پوشش تحصیلی دختران ۱۷-۱۴ ساله ۶۵/۲۷ درصد می باشد. این رقم نسبت به سال ۷۶، ۴/۷۲ درصد نشان می دهد.
۳. درصد باسوادی جمعیت ۶ ساله و بیشتر زنان ۷۹ درصد می باشد. این رقم به سال ۷۶، ۳/۷ درصد رشد نشان می دهد.
۴. درصد باسوادی زنان روستایی ۷۸/۵ درصد می باشد. این رقم نسبت به سال ۷۶، ۳/۵۰ درصد رشد نشان میدهد.
۵. افزایش ۲۱ درصدی نرخ باسوادی زنان در سالهای ۷۵-۱۳۶۵ را می توان ناشی از سیاستها و اقدامات برنامه های اول و دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی درخصوص گسترش نرخ باسوادی و تلاشهای نهضت سواد آموزی دانست.
۶. بهبودهای آموزشی زنان در دو دهه اخیر تنها منحصر به افزایش نرخ باسوادی نبوده است. از نظر آموزش متوسطه نیز زنان از دستاوردهای مهمی برخوردار شده اند. آموزشهای زنان در مقایسه با مردان طی سالهای ۱۳۵۵ تا ۱۳۷۵ در سطح متوسطه به ترتیب در آموزش ابتدایی از ۶۶ درصد به ۹۰ درصد در آموزش راهنمایی از ۵۷ به ۸۴ درصد و آموزش



- دبیرستانی از ۵۹ به ۹۹ درصد افزایش یافته است که این بهبود وضعیت به ویژه در دهه دوم انقلاب ناشی از اهداف و سیاستهای آموزشی برنامه های اول و دوم توسعه بود ه است.
۷. در زمینه «وزش عالی، فراهم کردن فرصتهای یکسان برای دسترسی داوطلبان مستعد به آموزش عالی از جمله سیاستهای مهم برنامه دوم توسعه بوده است. با توجه به کاهش محدودیتهای ورود دختران به مراکز آموزش عالی و نیز گرایش بیشتر خانواده ها به آموزش عالی دختران در سالهای ۷۷-۱۳۷۶ بیش از ۵۲ درصد ورودیهای دانشگاههای کشور را دختران تشکیل داده اند که این درصد در سالهای ۷۸ و ۷۹ به ترتیب به ۵۶ و ۶۰ درصد افزایش پیدا کرده است.
۸. ۶۰/۴ درصد از دانش آموزان در دوره پیش دانشگاهی را دختران تشکیل می دادند.
۹. در سال تحصیلی ۷۹-۱۳۷۸ ، ۴۷/۲ درصد از دانش آموزان را دختران تشکیل می دادند.
۱۰. در سال تحصیلی ۷۸-۱۳۷۷ ، ۴۲ درصد از دانشجویان دانشگاهها و موسسات آموزش عالی را زنان تشکیل می دادند.
۱۱. تا سال ۱۳۷۷ ، ۹ نفر از دختران در المپیادهای جهانی شرکت نموده اند.
۱۲. افزایش تعداد مدارس فنی و حرفه ای از ۲۹۰ مدرسه در سال ۱۹۷۶ به ۶۷۲ مدرسه در سال ۱۹۹۷ که تقریباً ۲/۵ برابر شده است.
۱۳. احداث مدارس مجهز دخترانه در مقطع راهنمایی ودبیرستان در بعضی مناطق محروم کشور توسط NGOS خیریه ای که تعدد این مدارس متجاوز از ۱۵۰۰ مدرسه است.

۱۴. ایجاد و توسعه مدارس شبانه روزی در روستاها (۳۱۰ مورد از کل ۹۱۶ مدرسه شبانه روزی در اختیار دختران قرار دارد).

۱۵. تصویب تبصره قانون بودجه سال ۱۳۷۷ جهت احداث و تجهیز مدارس شبانه روزی بالاخص برای دانش آموزان دختر در مناطق محروم و دوردست.

۱۶. مقایسه نرخ ترکیبی ثبت نام خالص زنان در مقاطع مختل تحصیلی حاکی از آن است که شاخص تعداد دانشجویان زن براساس سال پایه ۱۳۶۷ برابر با ۱۰۰ واحد به ۳۲۲/۹ واحد در سال ۱۳۷۵ افزایش یافته است. در حالی که شاخص نرخ ثبت نام خالص زنان در آموزش ابتدایی از ۱۰۰ واحد در سال پایه به ۱۲۵/۴ واحد در سال ۱۳۷۵ افزایش یافته اند. این روند ها گرایش بیشتر زنان به آموزشهای با سطوح بالاتر را نشان می دهد.

۱۷. مقایسه وضعیت آموزشی زنان و مردان در دوره سالهای ۶۷-۷۶ نشان می دهد که نرخ با سوادى زنان بزرگسال از ۴۶/۳ درصد به ۶۷ درصد افزایش یافته است در حالی که نرخ با سوادى مردان بزرگسال از ۶۷/۱ درصد به ۸۱/۹ درصد افزایش یافته است. در این خصوص اگرچه ترکیب سنی جمعیت در دوره مذکور گویای آن است که تعداد بیشتری از مردان فرصت با سواد شدن را در اختیار داشته اند اما زنان اقبال بیشتری به با سوادى نشان داده اند.

۱۸. دربند (ج) ماده ۱۴۳ قانون برنامه سوم توسعه اقتصادى، اجتماعى و فرهنگى اشاره شده است: «برای ایاب و ذهاب دانش آموزان دختر و پسر در روستاهای فاقد مدارس راهنمایی و متوسط به روستاهای دارای مدرسه، در صورت به صرفه بودن رفت و آمد نسبت به تحصیل

در مدارس شبانه روزی هزینه ایاب و ذهاب منظور خواهد شد. <sup>۱</sup> همچنین در ماده ۱۵۱ قانون برنامه سوم توسعه ، « به منظور هماهنگی امر سیاستگذاری آموزشهای فنی و حرفه ای اعم از رسمی و غیر رسمی .... ستاد هماهنگی آموزشهای فنی و حرفه ای به ریاست معاون اول رئیس جمهور و عضویت وزرای آموزش و پرورش، کار و امور اجتماعی، علوم و تحقیقات و فناوری، درمان و آموزش پزشکی، کشاورزی، جهاد سازندگی، رئیس سازمان مدیریت و برنامه ریزی و رئیس مرکز امور مشارکت زنان ریاست جمهوری تشکیل می گردد...»

۱۹. ارتقاء نرخ باسوادی زنان از ۵۲/۱ درصد به ۷۴/۲ درصد ( در طی دهسال ) که این موفقیت موجب گردید، تا از طرف یونسکو به ایران نشان افتخار اعطاء شود.

۲۰. تقویت و گسترش مرکز هماهنگ کننده فعالیت های زنان و سیاستگذاری و برنامه ریزی بر اساس جنسیت در آموزش و پرورش

۲۱. ایجاد رشته تحصیلی مطالعات خانواده در دوره متوسطه و ایجاد رشته کارشناسی ارشد تخصصی مطالعات زنان

۲۲. افزایش شاخص های رشد آموزشی در دختران ( کاهش نرخ تکرار پایه، زمان گذار دوره میانگین سن در پایه های مختلف تحصیلی و... )

۲۳. اجرای تبصره ۶۲ از برنامه دوم توسعه به منظور و شناسایی و ثبت نام کودکان در سنین مدرسه در مدارس ابتدایی با تأکید بر دختر بچه ها.

۲۴. تأسیس اداره کل تربیت بدنی دختران در آموزش و پرورش به منظور توجه ویژه به ورزش دختران.

۲۵. تدوین منشور تربیتی دختران

۲۶. افزایش تعداد کانونهای فرهنگی و ورزشی دختران

۲۷. برگزاری کارگاه آموزشی دختر بچه ها و پیش بینی همکاری وزارت آموزش و پرورش با سازمانهای غیر دولتی یونیسف در آینده در این زمینه

۲۸. تأسیس و گسترش مدارس شبانه برای مادران جوان و زنانی که از تحصیل روزانه بازمانده اند.

۲۹. رفع تبعیض جنسیتی در زمینه دسترسی دختران به آموزشهای مهندسی کشاورزی

۳۰. رفع شکاف جنسیتی در آموزش علوم، ریاضیات و علوم کاربردی

۳۱. تصویب کلیات مربوط به حذف شرط تأهل در خصوص اعزام دختران برای ادامه تحصیل به خارج از کشور

## دوم - چالشها ، محدودیتها و موانع

۱. تعداد محدود و مدارس فنی و حرفه ای دختران به خصوص در مناطق روستایی و

همچنین کمبود مدارس دخترانه راهنمایی و دبیرستان در آن مناطق.

۲. مشکلات اقتصادی موجود مانعی بر سر راه توسعه و ارتقای کمی و کیفی مطلوب

مدارس به ویژه در بخش دختران می باشد.

۳. مشکلات فرهنگی، پیشینه تاریخی و حضور کمتر زنان در گذشته موانعی جهت ایفای نقش وسیعتر زنان به ویژه در پستهای مدیریتی و برنامه ریزی و تصمیم گیری نظام آموزش و پرورش می باشد.
۴. پراکندگی جغرافیایی و وجود مناطق صعب العبور و عدم به کار گیری روشهای نوین در این خصوص ( از قبیل آموزش از راه دور، مکاتبه ای، واحدهای سیار و...)
۵. به دلیل عدم استقبال و علاقه خانواده ها برای تحصیل دختران در زمینه های فنی- حرفه ای ، دسترسی دختران نسبت پسران به آموزشهای غیر رسمی برابر نیست.
۶. هنوز چالشهای مهمی فرا روی باسوادی زنان به ویژه در روستاها وجود دارد. در برخی استانها از قبیل استانهای کردستان و سیستان و بلوچستان میزان بیسوادی زنان بزرگسال از متوسط بیسوادی زنان در کل کشور خیلی بیشتر است.
۷. کمبود کادر آموزشی زنان به ویژه در مناطق روستایی که منجر به عدم گرایش روستاییان به اعزام دختران به مدارس شده است و تفاوت فاحش بین دانش آموزان دختر و پسر از مناطق روستایی و محروم را نتیجه داده است.
۸. عدم تناسب کافی میان آموزشها و نیازهای بازار کار و بخشهای صنعتی، کشاورزی و خدماتی اقتصاد باعث شده است که آموزشها از بازده اقتصادی لازم برخوردار نباشد و ثمره آن گسترش بیکاری میان تحصیل کرده ها و هز روی هزینه های اجتماعی بر روی آموزشهای عالی است.

۹. چالش بزرگ دیگری که فراروی توسعه نظام آموزشی کشور قرار دارد، حداکثر سازی

پوشش تحصیلی افراد همراه با بهبود کیفی آموزشی است.

۱۰. ارائه نقشه‌های کلیشه ای و قالبی زنان در کتب درسی که متأثر از تعصب جنسیتی و

نبود دیدگاه حساس جنسیتی در محتوای کتب درسی است.

### سوم - اقدامات آتی

۱. تبیین نگرش جنسیتی در آموزش و پرورش و توجه به مسئله جنسیت در سیاستگذاری و

برنامه ریزی نظام آموزش و پرورش

۲. افزایش امکان ادامه تحصیل مادران و همسران جوان از طریق اتخاذ شیوه های مختلف از

قبیل کلاسهای روزانه، آموزش نیمه حضوری و غیر حضوری .

۳. افزایش بهره مندی دختران در مناطق روستایی و محروم از دوره های تحصیلی راهنمایی و

متوسطه

۴. تقویت فعالیتهای اجتماعی و زمینه های مشارکتی دختران

۵. برگزاری دوره های سلامت جسم و روان برای دانش آموزان سنین راهنمایی بخصوص

دختران

۶. اقدامات ویژه برای سواد آموزی زنان در استانهای محروم و به ویژه استانهای کردستان و

سیستان و بلوچستان امکان افزایش شاخص توسعه انسانی تعدیل یافته براساس جنسیت را

فراهم می آورد.

۷. افزایش مشارکت زنان در برنامه ریزی و سیاستگذاری نظام آموزش و پرورش استفاده

بیشتر از آنان در سطوح مدیریتی

۸. افزایش سهم زنان در هیأت‌های علمی دانشگاهها و موسسات آموزش عالی کشور

۹. ایجاد هماهنگی میان دانشجویان زن در رشته هاو مقاطع مختلف آموزش عالی با فرصتهای

شغلی

۱۰. باز آراییی آموزش نیروی انسانی در سطوح مختلف عمومی، فنی و حرفه ای و عالی در جهت

تأمین نیازهای اقتصادی، اجتماعی کشور با تأکید بر نیاز اشتغال زنان و جوانان و با

مشارکت بخش خصوصی

۱۱. هدایت آموزش و تشویق جوانان و به ویژه دختران برای روی آوردن به آموزشهای فنی و

حرفه ای و ایجاد تسهیلات مالی و اداری برای گسترش واحدهای آموزش فنی و حرفه ای

با هدف ایجاد فرصتهای مساوی دختران و پسران در این زمینه .

۱۲. فراهم ساختن امکانات برخورداری همه افراد لازم التعلیم از آموزش ابتدایی و راهنمایی از

طریق گسترش مدارس شبانه روزی برای دوره راهنمایی در مناطق محروم، گسترش

مدارس روستاهای مرکزی، اجرای آموزشهای از راه دور، نیمه حضوری، آموزشهای

رسانه ای و مدارس اقماری .

۱۳. پوشش تحصیلی کامل دختران واجب التعلیم و مسدود نمودن مبادی بیسوادی دختران در

۵ استان کشور و نیز افزایش مهارتهای حرفه ای دانش آموزان مدارس راهنمایی تحصیلی

شبانه روزی دختران مناطق توسعه نیافته و توسعه و تجهیز آموزشکده های فنی و

حرفه ای دختران و تربیت مربی زن در مناطق محروم و توسعه نیافته از جمله طرحهای در دست اقدام مرکز امور مشارکت زنان ریاست جمهوری با همکاری وزارت آموزش و پرورش می باشد.

### تمرین : نگرش قالبی درباره نقشهای جنسیتی

هدف: بررسی نگرشهای قالبی درباره نقشهای مبتنی بر جنسیت در آموزش و پرورش و جامعه

مدت: ۴۵ دقیقه

مواد : چند نمونه کتاب درسی

#### ۱. ایفای نقش :

سناریوی زیر را با صدای بلند بخوانید:

دختر کوچکی دارید که اکنون دارد در مدرسه خواندن را فرا می گیرد. وقتی که او را در اجرای تکالیف مدرسه اش کمک می کنید، متوجه می شوید که کتابش درباره یک پسر و یک خواهر اوست. در یکی از قصه ها گفته می شود که آن پسر کوهها را می پیماید و گنج اسرارآمیزی کشف می کند. مطلب بعدی درباره سفر دختر به خانه مادربزرگش در دهکده ای است که در آنجا طرز آشپزی را فرا می گیرد.

از شرکت کنندگان بخواهید که کارهای زیر را انجام دهند:

- بحث کنند که این داستان چه نکته ای درباره رفتار مردانه و زنانه به ما می گوید
- با ایفای نقش نشان می دهند که چگونه درباره این داستانها با دخترانشان به بحث می پردازند.



## ۲. بحث :

از شرکت کنندگان بخواهید که برخی از معلمان دوره ابتدایی، کتابهای درسی، و فعالیتهای خود را به یاد آورند. اینها چه افکاری را درباره نقشهای جنسیتی منعکس می کردند؟

## ۳. تجزیه و تحلیل:

از قبل چند نمونه کتاب درسی که در مدارس محلی از آنها استفاده می شود تهیه کنید یا از زنان بخواهید که همراه آورند. از شرکت کنندگان بخواهید که کتابها را بررسی کنند و به این پرسشها پاسخ دهند:

- نقشهای مردانه و زنانه ای را که در کتابهای درسی ترسیم شده اند مشخص نمایید. آیا می شد آنها را طوری تغییر داد که معرف شقوق بیشتری برای رفتار مردانه و زنانه باشند؟ اگر آری، چگونه؟
- تعداد تصویرهای مردان و زنان در هر بخش را بشمارید. نحوه های ترسیم شدن مردان و زنان را با یکدیگر مقایسه کنید.
- اگر یکی از کتابها گزیده ای از داستانها و اشعار است. تعداد مولفان مرد و زن تعداد قهرمانان مرد و زن را با هم مقایسه کنید.
- به کتابهای درسی ریاضیات و علوم توجه خاصی کنید. اصولاً عکسی از دختران ترسیم شده است؟ آیا به فعالیتی مشغولند یا در حال تماشا کردن پسرانی هستند که آزمایشهایی اجرا می کنند یا به ابزار و وسایل دست می زنند؟ به مسائل کلامی توجه

کنید: آیا مضمون هر درس شامل موضوعی است که هم برای دختران و هم پسران

است؟

#### ۴. بحث

درباره نگرشهای متحجرانه مرتبط با جنسیت پرسشهای زیر را مطرح کنید:

- آیا موقعی که در مدرسه بودید متوجه این نگرش قالبی در کتابهای درسی شدید؟
- برای مقابله با نگرشهای قالبی در زمینه نقشهای جنسیتی چگونه می توان از آموزش و پرورش استفاده کرد؟

- برای ایجاد این تغییرات هم در سطح محلی و هم در سطح ملی، زنان چه می توانند

بکنند؟

جدول ۱: توزیع نسبی دانش آموزان دختر در دوره های مختلف تحصیلی وزارت آموزش و پرورش

(درصد)

توزیع نسبی دانشجویان دانشگاهها و موسسات آموزش عالی

و دانشگاه آزاد اسلامی ( درصد )

دانشگاهها و موسسات آموزش عالی      دانشگاه آزاد اسلامی

سال تحصیلی	مرد	زن	مرد	زن
۱۳۷۳-۷۴	۷۰	۳۰	-	-
۱۳۷۴-۷۵	۶۷	۳۳	۵۹	۴۱
۱۳۷۵-۷۶	۶۴	۳۶	۵۹	۴۱
۱۳۷۶-۷۷	۶۲	۳۸	۶۰	۴۰
۱۳۷۷-۷۸	۵۸	۴۲	۵۵	۴۵

مأخذ: سالنامه آماری کشور ۱۳۷۷

آمار آموزش عالی ایران ۱۳۷۷-۷۸، موسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی، وزارت فرهنگ و

آموزش عالی، آذر ۱۳۷۸. مرکز اطلاعات آمار و کامپیوتر - معاونت پژوهش دانشگاه آزاد اسلامی

## وضعیت کودکان و نوجوانان جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۶

- دختران نسبت به پسران هم سن خود از تسهیلات ورزشی و هنری و آموزشی کمتری برخوردارند. (همان)
- تعداد دخترانی که در خانه یا برای کسب درآمد مشغول به کار هستند دوبرابر پسران است. (همان)

### بخشی از قوانین داخلی ایران درباب حقوق زنان جوان و دختران:

- ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی : ازدواج قبل از بلوغ ممنوع است در ادامه اضافه می شود که ازدواج شخص صغیر با اجازه قیم وی در صورتی که مصالح کودک در نظر گرفته شده باشد بلامانع است.
- لازم به یادآوری است که این ماده در مجلس شورای اسلامی در دست بررسی است.
- ماده ۲۵۴ قانون مدنی، نفعه کودک شامل مسکن، لباس ، غذا و اثاث خانه را به عهده فردی که حضانت کودک برعهده اوست می داند.
- ماده ۱۱۶۸ قانون مدنی : از فرزند حق و مسئولیت والدین است.
- طبق ماده ۴۹ قانون مجازات اسلامی، مسئولیت جزایی دختران، شش سال زودتر از پسران شروع می شود. چرا که حد بلوغ شرعی ملاک مکلف بودن است.
- طبق ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی سن بلوغ برای پسران ۱۵ سال تمام قمری و برای دختران نه سال تمام قمری است.

امروزه در مورد سن تکلیف و بلوغ شرعی دختران نظرات متفاوتی از سوی علمای دینی مطرح

شده است و احتمال انطباق آن با شرایط کنونی و همچنین جغرافیایی می رود.

- تبصره ماده ۱۸ قانون مبارزه با مواد مخدر به مقامات قضایی اجازه می دهد تا سوء استفاده

کنندگان از کودکان در این زمینه را به شدید ترین وجه مجازات کنند. در مورد ممنوعیت

تجارت کودکان یا بهره کشی غیر قانونی از آنان صراحت دارد و مجازاتهای شدیدی برای

متخلفین در نظر گرفته شده است.

- اصل ۳۰ قانون اساسی تصریح دارد که ، دولت موظف است وسایل آموزش و پرورش رایگان را

برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد و وسایل تحصیلات عالی را تا سر حد

خودکفایی کشور به طور رایگان گسترش دهد.

• باوجود رشد آمار داخلی در خصوص آموزش دختران و پیشرفت قابل توجه آنان در

زمینه های تحصیلی همچنان شاهد محرومیت دختران در مناطق روستایی و محروم

کشورمان می باشیم. براساس تحقیقی در استان سیستان و بلوچستان فقط ۴/۸۱ زنان

در سطح استان با سواد هستند و بر طبق سرشماری سال ۷۵ تنها ۴/۱۵ دختران به

سطح راهنمایی و ۱/۶ به دبیرستان راه می یابند. (دکتر رحمت اله صدیق سروستانی

۱۳۷۵ دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران)

• با وجود بالارفتن سطح تغذیه عمومی همچنان ۳/۱۶٪ از دختران و ۱۵٪ از پسران

دچار سوء تغذیه هستند.

## حق انسانی زنان برای بهره مندی از بهداشت

### اهداف

- حق بهره مندی از بهداشت را تعریف کنید.
- اهمیت تندرستی زنان برای مساوات زنان را توضیح دهند.
- رابطه متقابل میان حق بهره مندی از بهداشت و سایر حقوق انسانی را درک کنند.
- راه هایی را تشخیص دهند که حق زنان در بهره مندی از بهداشت از طریق آنها تعالی یافته، یا زیرپا گذاشته شده است.
- بارمضاعف کار زنان را که از نقشهای چندگانه آنان سرچشمه می گیرد و تأثیرش را بر سلامت آنان توضیح دهند.
- راه های متعادل ساختن احترام به فرهنگ و سنت با احترام به سلامت زنان را تشخیص دهند.

### شروع به حرکت: اندیشیدن درباره تندرستی زنان

وضعیت شهروند درجه دوم که زنان بالفعل در جامعه دارند خطراتی هم مستقیم و هم غیر مستقیم برای تندرستی زنان به وجود می آورد. زنان، چون احتمال بیشتری می رود که فقیر تر از مردان باشند، غالباً غذای کمتری مصرف می کنند و در برابر بیماری آسیب پذیرند. بسیاری از زنانی که گرفتار ضعف تندرستی هستند از اطلاعات، مهارتها، قدرت خرید، و دسترسی به خدمات بهداشتی بی بهره اند. نقشهایی که جامعه براساس جنسیت ساخته و پرداخته کرده است و روابط ناشی از این نقشها غالباً به فشارهای اجتماعی و خانوادگی ای می انجامند که ممکن است زنان را به ترجیح مراقبت کردن از

دیگران و نادیده گرفتن خویش سوق دهند. به علاوه، خشونت علیه زنان، شرایط نامطلوب کار، و محیط فقیرانه زیست نیز تندرستی زنان را می فرسایند.

زنان ممکن است دچار برخی از این مسائل مرتبط با بهداشت یا گرفتار همه آنها باشند:

- فقدان آب آشامیدنی پاک
- برنامه های مایه کوبی ناکافی و نامناسب برای دختران
- سهل انگاری در درمان کم خونی زنان و دختران
- فقدان مراقبتهای عمومی مربوط به پزشکی زنان
- فقدان برنامه تنظیم خانواده و آموزشهای جنسی
- فقدان مراقبتهای پیش از زایمان و پس از زایمان
- امکانات ناکافی و غیر بهداشتی وضع حمل
- خوراندن داروهای نامطمئن
- توجه نا کافی دولت به بیماریهایی که عمدتاً زنان به آنان دچار می شوند، از قبیل سرطان پستان
- تحقیقهای زیر نظارت دولت در زمینه بهداشت که براساس نمونه گیری از مردان قرار دارند، و مانع از آن می شوند که زنان از درمان مناسب بهره مند شوند.
- فقدان روشهای درمانی برای زنان قربانی خشونت و تجاوز
- کمبود زن به عنوان مشاور، پزشک، و پژوهشگر کار آزموده در زمینه مراقبتهای بهداشتی

- فقدان آموزش برای زنان درباره مراقبت از کودک، بهداشت، تغذیه و دیگر امور مربوط به بهداشت خانواده

- فقدان مراقبتهای بهداشتی مناسب برای زنانی که در نواحی روستایی بسر می برند، زنان مهاجر، پناهنده، و آواره، زنان سالمند، زنان معلول، زنان اقلیتهای قومی و نژادی، و زنان زندانی و.....

ضعف مزاج ممکن است زن را از سایر حقوق انسانی وی باز دارد. زنان و دخترانی که بیمارند غالباً نمی توانند در جامعه مشارکت داشته باشند، مثلاً شاید نتوانند به مدرسه بروند، بیرون از خانه به کار بپردازند یا گروه تشکیل دهند و در گروه ها شرکت کنند.

### تعریف حق بهره مند بودن از بهداشت

براساس برنامه عمل « کنفرانس بین المللی جمعیت و توسعه » که در سال ۱۹۹۴ در قاهره برگزار شد، برنامه عمل پکن مجدداً تأکید می کند که « بهداشت » عبارت است از : « حالت سلامت کامل جسمی، ذهنی و اجتماعی و نه صرفاً فقدان بیماری یا ضعف سلامتی زنان متضمن رفاه عاطفی، اجتماعی، و جسمی آنان است و به وسیله زمینه اجتماعی، سیاسی، و اقتصادی و نیز براساس وضع زیستی آنان تعیین می شود. اما تندرستی و رفاه از زندگی اکثر زنان گریخته اند »

همان طور که یک گروه از فعالان توضیح داده اند، حق بهره مندی از بهداشت را باید در چارچوب رشد و پیشرفت جامع زنان مد نظر قرار داد. برای آن که زنان سلامت باشند، باید نیازهای اساسی آنان را برآورد. این نیازها مشتملند بر درآمد تضمین شده، شرایط سالم کار و زیست، خوراک و آب کافی و



پاک، تعلیم و تربیت، و مراقبت‌های بهداشتی، به علاوه، نیازهای زنان عبارتند از داشتن مقام و پایگاه برابر در جامعه، تقسیم عادلانه کار (از جمله تولید، مراقبت از فرزند، و کارهای خانه)، و رهایی از خشونت.

غالباً منشاء عدم تندرستی را می‌توان در ظلم و پایمال شدن حقوق انسانی پیدا کرد. چنان که در برنامه عمل پکن اشاره شده است، شیوع فقر و وابستگی اقتصادی در بین زنان، چشیدن طعم خشونت، نگرش‌های منفی نسبت به زنان و دختران، تبعیض نژادی و انواع دیگر تبعیضات، قدرت و اختیار محدودی که بسیاری از زنان در مورد زندگی جنسی و تولید مثل خود دارند، و نداشتن تأثیر و نفوذ در تصمیم‌گیری، واقعیت‌هایی اجتماعی هستند که اثر نامطلوب بر سلامت زنان دارد. (بند ۹۲)

یک جنبه مهم سلامت همانا بهداشت جنسی و باروری است، که برنامه عمل پکن آن را «حالت سلامت کامل جسمی، ذهنی، و اجتماعی- در همه امور مربوط به نظام باروری» تعریف می‌کند (بند ۹۴). اما دامنه نیازهای زنان به مراقبت‌های بهداشتی بسیار گسترده است.

## بهداشت برای همگان

بسیاری از زنان با عدم سلامت زندگی می‌کنند. عده بی‌شماری از زنان و دختران خردسال از کمبود تغذیه رنج می‌برند و به کم‌خونی دچارند، همین امر آنان را مستعد ابتلا به بیماری‌هایی عفونی از قبیل سل، مالاریا، اسهال، و ذات‌الریه می‌کند. بسیاری از آنان فشارهای مداوم و آسیب‌های ناشی از بدرفتاری و خشونت، ناشی از مسئولیت‌های کار، و ناشی از تنگناهای اجتماعی را تحمل می‌کنند. در کشورهای صنعتی، زنان رنگین پوست و زنان متعلق به گروه‌های اقلیت یا نژادی غالباً مشکلات بیشتری در زمینه بهداشتی دارند.

وجود ناهمخوانیهای بزرگ در موارد نیازهای بهداشتی را میان مناطق و گروه های مختلف اجتماعی - اقتصادی، قومی، و سنی جامعه می توان یافت. بسیاری از کشورها در زمینه مراقبتهای عمده بهداشتی پیشرفتهای مهمی کرده اند، در حالی که مراقبتهای مربوط به بهداشت عمومی و بهداشت مادران و درمان عوارض ناشی از بارداری و زایمان هنوز در کشورهای رو به رشد غالباً ناکافی و نامناسبند. در کشورهای صنعتی، میانگین خطر مرگ زنان در اثر عوارض مربوط به بارداری بین ۱ در -/۴/۰۰۰ نفر و ۱ در -/۱۰/۰۰۰ نفر است. برعکس، برای زنان کشورهای در حال توسعه میانگین احتمال خطر بین ۱ در ۱۵ نفر و ۱ در ۵۰ نفر است، و میزان مرگ و میر در هنگام زایمان ۲۰۰ برابر بالاتر از میزان این نوع مرگ و میر در اروپا و امریکای شمالی است. در هر کشوری، زنان نواحی روستایی، زنان پناهنده، آواره، مهاجر، زنان فقیر، و زنان سرپرست خانوار ( که احتمالاً وضع اقتصادی ضعیف تری دارند) معمولاً در بهره مندی از حقوق انسانی خود در مورد بهداشت با موانعی بزرگ مواجهند.

مسئولیتهای زنان در کارهای چندگانه ای که بر عهده دارند غالباً سلامتشان را به خطر می اندازد. در بسیاری از جوامع، زنان بارمضاعفی را تحمل می کنند، از آنان انتظار می رود که هم در بیرون از خانه برای کسب درآمد کار کنند و هم مسئول کارهای داخل خانه باشند، و به نیازهای شوهر و فرزندان و گاه نیازهای خویشاوندان دیگر نیز رسیدگی کنند. حتی هنگامی که زنان به کار کردن در بیرون از خانه هم نپردازند، باز کارهای داخل خانه ممکن است دشوار و تمامی ناپذیر باشند. در بسیاری از خانه های سراسر جهان، زنان نخستین کسانی هستند که صبح از خواب بر می خیزند و آخرین کسانی هستند که شب به بستر می روند. چنین زنانی، که خسته و کوفته از کارند، در وهله آخر، آن هم با شرایط خاصی، می توانند به نیازهای بهداشتی خود بیندیشند. در برخی از جوامع، زنان فقط موقعی می توانند به

پزشک مراجعه کنند که شوهر یا پدر همراهشان باشد. در نتیجه ، ممکن است معالجه زنان به تأخیر افتد یا اصلاً در معالجه شان اقدام نشود، به علاوه، در بعضی از خانواده ها پسران احتمالاً از مراقبتهای پزشکی مناسب تری نسبت به دختران برخوردارند. موقعی که منابع مالی خانواده محدود باشد، پول برای تغذیه مناسب و دارو ممکن است در وهله اول صرف پسران شود و دختران سهم اندکی ببرند یا اصلاً نبرند.

### حقایق درباره بهداشت زنان

- در کشورهای رو به توسعه، تقریباً ۴۵۰ میلیون زن بزرگسالی که در سن باروری قرار دارند در نتیجه ضعف تغذیه دوره کودکی معلولند.
- حدود ۶۰ درصد زنان آسیای جنوبی به کم خونی دچارند ، در بخش جنوبی صحرای افریقا این میزان ۴۴ درصد است.
- در افریقا ، ۵۵ درصد همه موارد جدید ابتلا به بیماری ایدز را زنان تشکیل می دهند، در امریکا موارد ابتلای زنان به بیماری ایدز سالانه ۱۵ درصد افزایش یافته است. « سازمان جهانی بهداشت» (WHO) تخمین می زند که تا سال ۲۰۰۰، بیش از ۱۳ میلیون زن در سراسر جهان مبتلا به ایدز خواهند بود، و ۴ میلیون نفر در اثر این بیماری خواهند مرد.
- خشونت علیه زنان علت عمده آسیب دیدگی زنان در سن باروری است، و برطبق گزارشهای داده شده میزان این گونه آسیب ها از جمع آسیبهای ناشی از تصادف اتومبیل، کیف زنی، و تجاوز جنسی بالاتر است.

- کشورهای که در آنها بر میانگین طول عمر زنان افزوده نشده است بدین قرارند:  
روسیه، تایلند، اوگاندا، مجارستان، ساحل عاج، کنیا، و ایالات متحده امریکا.
- در کشورهای پیشرفته، سرطان قاتل اصلی زنانی است که کمتر از ۶۵ سال دارند، اما زنان بالاتر از ۶۵ سال در برابر بیماری قلبی «آسیب پذیرتر» می شوند و احتمال مرگ آنان در اثر حمله قلبی نسبت به مردان دو برابر است. به رغم این حقایق، پژوهش درباره پیشگیری از بیماری قلبی، به ویژه در کشورهای پیشرفته، عمدتاً معطوف بر مردان بوده و بیماری قلبی در زنان اکثراً نادیده گرفته شده است.
- اگرچه زنان و مردان به یک اندازه به بیماریهای گرمسیری (Tropical) مبتلا می شوند، فقط اخیراً راجع به تفاوت‌های جنسی در درمان بالینی بیماریها پژوهش صورت گرفته است. مثلاً مالاریا هر دو جنس را به یکسان مبتلا می کند، اما در یک ناحیه فقط ۱۶ درصد بیماران که به درمانگاه های مخصوص مالاریا مراجعه کردند زنان بودند. به راه انداختن یک درمانگاه سیار مالاریا مشارکت زنان را به ۳۳ درصد افزایش داد.
- زنان، نسبت به مردان، دوره طولانی تری از عمر خود را در پیری در معلولیت و از کار افتادگی می گذرانند زیرا بیشتر از مردان عمر می کنند. معمولاً زنان سالخورده از شوهران معلولشان به مراقبت می پردازند. شوهرانی که قبل از آنان می میرند- و سپس در باقی مانده عمر مجبورند به تنهایی با معلولیت و از کار افتادگی خود دست و پنجه نرم کنند.

## محترم شمردن فرهنگ و سنت

بسیاری از جوامع به اجرای رسومی می پردازند که سلامت زنان را به مخاطره می اندازند، و غالباً هم اجرای چنین رسومی به نام فرهنگ موجه جلوه داده می شود. مثلاً رسم ممکن است مانع از آن شود که زن به پزشک مراجعه کند یا به مردان خانواده اجازه دهد که زنان را با خشونت تنبیه کنند. در برخی از جوامع، ازدواج و بارداری زود هنگام اثر ناگواری در سلامت زنان و دختران دارند. زنان و دختران، به سبب مقام و پایگاه نازلشان، معمولاً موقعی غذا می خورند که همه اعضای مذکر خانواده تا جایی که خواسته اند غذا خورده باشند و در نتیجه زنان و دختران به میزان بالاتری گرفتار سوء تغذیه اند. به علاوه، زنانی که چندین بچه می زایند اما اجازه رفتن به بیمارستان را ندارند، غالباً ر حین وضع حمل می میرند. رسوم دیگری که زنان و دختران را وا میدارد که خود را با الگوی زیباییهای مرد پسند جامعه وفق دهند گاهی به اختلالهای شدید تغذیه، از قبیل صرف غذاهای ناسالم، بی اشتها، یا لاغری مفرط، منجر می شوند. در بخری از کشورها زنان و دختران را ختنه می کنند تا عفت، باروری، و «ظاهر مناسب زنانه» محفوظ بماند.

## زنان و تشکیلات پزشکی

بهداشت رنگ و روی پزشکی به خود گرفته است. جهان امروزی برای راه های طبیعی درمان و سایر شیوه های حفظ تندرستی که زنان ابداع می کردند و به کار می بردند، به خصوص برای شیوه های زنان بومی و زنان متعلق به فرهنگها و سنتهای «اقلیت» جای چندان زیادی ندارند. در برنامه های بهداشتی زیر نظارت دولت، هر جا که وجود دارند، غالباً از دادن دستمزد به ماماها و دیگر درمانگران سنتی خودداری می کنند. در عین حال، در نوسازی اقتصادی، سهم خدمات اجتماعی در بسیاری از کشورها

کاهش یافته است. علاوه بر اینها، واگذار کردن خدمات بهداشتی به بخش خصوصی هزینه مراقبتهای بهداشتی را به قدری بالا برده است که مستمندان را دیگر به آنها دسترسی نیست. این هزینه های فزاینده ناگوارترین تأثیرات را بر زنان و دختران می گذارند.

نظام پزشکی دولت و محققان پزشکی عموماً نیازهای زنان به مراقبتهای بهداشتی را نادیده می گیرند. در پژوهشهای بخش خصوصی، و نیز بخش دولتی، در زمینه مراقبتهای بهداشتی معمولاً موضوعات و نمونه های جمعیت از میان افراد مذکر انتخاب می شوند. در بسیاری از موارد، که گزارشهایی در باره بهداشت زنان موجود است، بندرت گزارشهایی راجع به نیازهای خاص بهداشتی زنان پیر، زنان معلول و زنان گروه های اقلیت قومی یا نژادی در بین آنها می توان یافت. مثلاً، اگرچه زنان تقریباً نیمی از مبتلایان به ایدز در سراسر جهان را تشکیل می دهند، تحقیقات زیادی درباره نحوه انتقال ویروس ایدز به زنان صورت نگرفته است. اکثر پژوهشهایی که زنان در آنها به حساب آمده اند مربوط به نحوه انتقال ویروس ایدز از زنان مبتلا به مردا و جنینها بوده است.

## نقش اولیای امور در سلامت زنان

درمدارک و اسناد مربوط به حقوق بشر، بهداشت همواره به عنوان یکی از حقوق انسانی در سطوح ملی، منطقه ای، و بین المللی به رسمیت شناخته شده است:

- درنخستین سند مربوط به زمان تأسیس سازمان ملل، یعنی در منشور ملل متحد، از

جامعه ملل خواسته شده است که راههایی برای حل مسائل بین المللی بهداشت

بیندیشند (ماده ۵۵ ب).

- در اعلامیه جهانی حقوق بشر (UDHR) ذکر شده است که « هرکس حق برخورداری از سطح زندگی ای را دارد که برای تندرستی و رفاه خود او و خانواده اش، از جمله از حیث خوراک، پوشاک، مسکن، و مراقبت‌های بهداشتی، و سایر خدمات اجتماعی، کافی مناسب باشد.» ( ماده ۲۵ "۱" ) UDHR، اگرچه قرار نبود که معاهده ای الزام آور باشد، در طول زمان به مقام قانونی رسمی ارتقا یافته است. این امر به معنی آن است که همه دولت‌های عضو سازمان ملل متحد خود را متعهد می دانند که شرایطی برای تندرستی و رفاه همگان به وجود آورند.

- در میثاق بین المللی حقوق اقتصادی ، اجتماعی، و فرهنگی (ICESCR) ، مصوب سال ۱۹۷۶، درباره حقوق برخورداری از بهداشت صریح تر سخن گفته شده است: « دولت‌های طرف عهد نامه حاضر حق بهره مندی از بالاترین معیارهای قابل حصول در مورد بهداشت جسمی و روانی را برای همگان به رسمیت می شناسند.» (ماده ۱۲ “۱” ) .

دولتها موظفند که هم از ایجاد اختلال در امر تندرستی و بهداشت خودداری کنند و هم به ارتقای بهداشت یاری رسانند.

### تعهدات مثبت دولتها برای ارتقای سطح بهداشت

برطبق ICESCR ، دولتها مشخصاً موظفند که اقدامهای لازم را در زمینه های زیر به عمل آورند:

- کاهش میزان مرده زایی (Still birth) و مرگ و میر کودکان برای رشد سالم کودک

- پیشگیری، درمان، و مهار بیماریهای بومی، بیماریهای همه گیر، شغلی، و بیماریهای

دیگر

- ایجاد شرایطی که خدمات و مراقبت های پزشکی را در صورت وقوع بیماری برای

همگان تأمین و تضمین کنند. ماده (ICESCR) (۱۰۱۲ - ب).

- در پیمان نامه حقوق کودک از دولتها خواسته شده است که در موارد زیر اقدامهای

مناسب به عمل آورند:

- کاهش مرگ و میر نوزادان و کودکان

- تضمین فراهم ساختن کمکهای پزشکی و مراقبتهای بهداشتی لازم برای همه کودکان،

با تأکید بر توسعه مراقبتهای بهداشتی اولیه

- مبارزه علیه بیماری و سوء تغذیه در چارچوب مراقبتهای بهداشتی لازم باری همه

کودکان، با تأکید بر توسعه مراقبتهای بهداشتی اولیه

- مبارزه علیه بیماری و سوء تغذیه در چارچوب مراقبتهای بهداشتی اولیه، از جمله از

طریق کاربست فناوریهای موجود و فراهمساختن غذاهای مقوی و کافی و آب

آشامیدنی تمیز، با توجه به خطرات و مخاطرات آلودگی محیط زیست.

- تضمین مراقبتهای مقتضی پیش از زایمانو پس از زایمان مادران

- تضمین این که همه اقشار جامعه، به ویژه والدین و کودکان، از آموزشهای مربوطه

آگاهی و به آنها دسترسی داشته باشند، و در استفاده از دانش پایه بهداشت و تغذیه



کودک و مزایای تغذیه با شیر مادر، بهداشت محیط و جلوگیری از سوانح، مورد حمایت قرار گیرند.

- توسعه مراقبتهای بهداشتی پیشگیرانه، راهنمایی والدین، و خدمات و آموزش تنظیم خانواده ( پیمان نامه حقوق کودک، ماده ۲۴، ۱-ج)
- دربرنامه عمل پکن از دولتها خواسته شده است که، با همکاری تشکیلات سازمان ملل، جامعه پزشکی، موسسه های پژوهشی، سازمانهای غیر دولتی، رسانه های گروهی، و دیگران ، به اقدامهای زیر همت گمارند:
- برنامه هایی طرح و اجرا کنند که در آنها به موضوع جنسیت با حساسیت توجه شده باشد.
- مراقبتهای بهداشتی اولیه امکان پذیری فراهم آورند که در آنها بر ارتقای سطح بهداشت و پیشگیری از بیماری تأکید شده باشد.
- به نیازهای دختران توجه خاصی کنند.
- مشارکت زنان در تصمیم گیری راجع به بیماری ایدز و سایر بیماریهای مقاربتی را تضمین کنند و خدمات امکان پذیری برای پیشگیری از بیماریهای مقاربتی تدارک ببینند.
- پژوهش درباره شیوه های پیشگیری ، درمان، و مراقبتهای بهداشتی را که تأثیرات خاصی بر زنان دارند تشویق و از آنها حمایت کنند ( برنامه عمل پکن )

## مراقبت بهداشتی و برابری میان مردان و زنان

فراهم آوردن مراقبتهای بهداشتی براساس مساوات میان مردان و زنان به چه معنی است؟ معنی آن چیزی است فراتر از فراهم آوردن وسایل و تسهیلات یکسان، معنی آن عبارت است از شناختن و عنوان کردن نیازهای گوناگون بهداشتی مردان و زنان. عرضه خدمات بهداشتی پیش از زایمان موجب تبعیض بر ضد مردان نیست زیرا مردان به این گونه خدمات نیازی ندارند. همین طور، اجرای معاینات پزشکی برای تشخیص سرطان پروستات موجب نمی شود درمورد زنان تبعیضی صورت پذیرد زیرا برنامه های دیگری وجود دارند که در آنها باید به سرطانهای مرتبط با زنان از قبیل سرطان پستان پرداخته شود. مثلاً ممکن است زنان به انواعی از سرطان و بیماریهای دیگری دچار شوند که درمورد مردان بسیار نادر یا ناشناخته اند. زنان همچنین ممکن است در برابر آثار و عوارض خستگی مزمن، سوء تغذیه، و کم خونی، و نیز عواقب ناشناخته اند. زنان همچنین ممکن است در برابر آثار و عوارض خستگی مزمن، سوء تغذیه، و کم خونی، و نیز عواقب بهداشتی مرتبط با این شرایط فوق العاده آسیب پذیرباشند. روشهای درمان مورد نیاز زنان و اوضاع و احوالی که زنان برای سالم ماندن به آنها نیاز دارند شاید منحصر به فرد باشند. صرفاً افتتاح یک بیمارستان یا درمانگاه ممکن است برای تأمین نیازهای زنان به مراقبتهای بهداشتی کافی نباشد. شاید لازم باشد که دولتها اقدامهایی به عمل آورند تا مراقبتهای بهداشتی بیش از پیش برای زنان قابل دسترسی شوند. از جمله تضمین کنند که درمانگاه ها:

- در ساعت هایی به کار پردازند که با اوقات آزاد و فراغت زنان مطابقت داشته باشند.
- در جاهایی مناسب استقرار یابند، زیرا احتمال می رود که زنان کمتر از مردان بتوانند با وسایل

حمل و نقل موجود فاصله های طولانی را به پیمایند.

- حق الزحمه های ناچیز دریافت کنند و در صورت امکان، خدمات رایگان به اشخاص نیازمند عرضه نمایند.
- کارکنان فهمیده و با فرهنگ را به خدمت گیرند ( و در صورت امکان، از متخصصان بهداشتی محلی، که با همان زبان های محلی سخن می گویند ، و در مواردی - به خصوص در معاینات زنانه - از کارکنان زن استفاده کنند.
- خدمات را با مشاوره با زنان طراحی و تنظیم کنند تا با نیازهای آنان- از جمله با نیازهای خاص زنان روستایی، پناهنده، مهاجر، آواره و معلول - منطبق باشند.
- فضایی گرم و خوشایند به وجود آورند نه فضایی سرد و وحشت انگیز.

## حق انسانی زنان و محیط زیست

اهداف :

- ابعاد حقوق انسانی مرتبط با مسائل محیط زیست را بشناسند.
- نحوه های تأثیر پذیری زنان و دختران از تباهی محیط زیست جهان و تداخل انحطاط محیط در حقوق انسانی زنان و دختران را تجزیه و تحلیل کنند.
- به ارتباط میان توسعه و محیط زیست پی ببرند.
- تأثیر مخاطرات محیطی و مصرف گرایی را تشخیص دهند.
- امکانات بالقوه دولت، موسسه های عمرانی، رسانه های گروهی و زنان را در اصلاح محیط زیست تجزیه و تحلیل کنند و اقدامهایی را که می توان در این راه به عمل آورد طرح ریزی نمایند.

### شروع به حرکت: اندیشیدن درباره زنان و محیط زیست

مردم هر قدر بیشتر به این نکته پی ببرند که تباهی محیط زیست تندرستی و وسایل معیشت همه موجودات سیاره زمین را تهدید می کند، بیشتر متوجه می شوند که محیط سالم چه قدر برای بقای آن موجودات ضرورت حیاتی دارد و یکی از حقوق اساسی بشر به شمار می آید. مصرف بی وقفه منابع طبیعی، تباه شدن نظامهای طبیعی و آلودگی خطرناک در طول قرن گذشته بر زندگی زنان، که اکثر خانواده های جهان را تغذیه می کنند و بیشترین مقدار خوراک جهان را پرورش می دهند، تأثیر فوق العاده گذاشته اند. برای این زوال مداوم محیط جهان علل پیچیده ای وجود دارند، که مهمترین آنها بدین قرار است:

- نظامهای اقتصادی و خط مشی های دولتی، که در جست و جوی سودهای کوتاه مدت از منابع طبیعی و انسانی سوء استفاده می کنند.
  - مهاجرت سریع جمعیت از نواحی روستایی به مناطق شهری، که به فقر و توسعه کنترل نشده و فشار بر زیرساختهای اقتصادی می انجامد.
  - آوارگی کشاورزان کوچک و اقوام بومی و ظهور صنایع بزرگ کشت و زرع، شرکتهای چوب بری، معدن کاری و تولید نیرو، که غالباً در اثر تشویق و کمک دولتها و موسسه های مالی بین المللی صورت می پذیرد.
  - تولید اسلحه که منابع را از مسیر نیازهای انسانین منحرف می گرداند، محیط را آلوده می سازد، و فرهنگ جنگ را تداوم می بخشد.
- زنان با جدیت بیشتری مشغول کارند تا مایحتاج زندگی را در جهانی تأمین کنند که در آن میزان خاک خوب و مناسب مواد سوختی و آب پاکیزه پیوسته رو به کاهش دارد.

### خطرات زیست محیطی برای زنان شهری

از آنجا که مردم سراسر جهان بیش از پیش برای یافتن کار از اطراف و اکناف به شهر ها مهاجرت می کنند، بر تعداد زنان در مناطق شهری افزوده می شود و آلودگیهای صنعتی، شرایط ضعیف کار و زیست ، آلودگیهای ناشی از رفت و آمد وسایط نقلیه ، ذخایر محدود و آلوده آب ، و ضعفهای موجود در مدیریت ضایعات و فاضلاب موجب می گردند که مسائل محیط زیست در شهرهایی که به سرعت رشد می کنند پدید آیند. نزدیک به ۹۲ میلیون زن در نواحی شهری از دسترسی به آب آشامیدنی سالم محرومند و ۱۳۳ میلیون زن به بهداشت محیط مناسبی دسترسی ندارند.

زنان مناطق شهری بیش از پیش نیازمند کارهای درآمدزایی هستند که بتوانند آب و غذایی را که دیگر نمی توان از زمین به دست آورد تهیه کنند. زنان فقیر برای دسترسی یافتن به زمین و مصالح ساختمانی به منظور ایجاد سرپناه با دشواریهایی مواجهند، آنان غالباً مجبور می شوند که سرانجام در زمینهای متروکه از مراکز شهری چادر بزنند یا زندگی زاغه نشینی پیش گیرند. گاهی اوقات این حلبی آبادیها و زاغه ها در نزدیکی محلهایی مستقرند که مواد سمی و زباله ها را در آن جا تخلیه می شوند. و همه ساکنان در معرض موادی شیمیایی از قبیل جیوه، سرب باتریها و کادمیوم وسایل الکترونیک قرار می گیرند.

فقیرترین و حاشیه نشین ترین اشخاص نیز به احتمال قوی در نزدیکی گورستان زباله ها، دستگاههای زباله سوز، فضولات خطر آفرین و سایر صنایع آلوده کننده کار یا زندگی می کنند.

درمورد سایر مسائل زیست محیطی هم دولتها می توانند هم با عمل خود و هم با خودداری از انجام عمل ( ترک فعل ) موجب پیدایش آلودگی شوند. گاهی اوقات خود دولت محیط را تباه می سازد، مثلاً یک کارخانه دولتی یا یک خط مشی ممکن است نظارت دراز مدت بر منابع را قربانی کسب منافع سریع اقتصادی کنند.

گاهی اوقات دولتها برنامه هایی طرح می کنند که فضولات را به مناطقی می فرستند که مردم فقیر یا اقلیتها در آنها بسر می برند و سپس از رسیدگی به شکایات مردم محل در مورد آب آلوده سرباز می زنند. در چنین مواردی ، می توان گفت که دولت ها مستقیماً مسئولند.

لیکن، در موارد دیگر، مسئولیت دولت کمتر مستقیم است غالباً معلوم میشود که مقصر یک موسسه خصوصی یا یک فرد خاص است. اما باز هم می توان دولت را از این نظر مسئول دانست که در تدوین یا اجرای مقررات در زمینه آلودگی کوتاهی کرده است.

## تباهی محیط زیست و زنان شهری

- بیش از ۱۳۳ میلیون زن در نواحی شهری به بهداشت محیط مناسب دسترسی ندارند
- تخمین زده می شود که در صد زنان شهرنشینی که به خدمات بهداشت محیط دسترسی ندارند در افریقا و آسیا ۲۰ درصد و در امریکای لاتین ۱۴ درصد است.
- معلوم شد که میزان سقط جنین در دو شهر صنعتی واقع در اوکراین، که درجه آلودگی هوا در آنجا بسیار بالا است و برابر میزان سقط جنین در شهری است که هوایی پاک و تحت کنترل دارد. میزان ناهنجاریهای مادرزادی نیز سه برابر بود.
- تا سال ۱۹۸۰ سالانه بیش از ۳۰۰۰ ترکیب شیمیایی جدید تهیه می شد. بین ۷۰۰ تا ۱۰۰۰ ماده از این مواد هر سال در مصارف تجاری به کار برده می شدند. از ۴۵۰۰۰ ماده شیمیایی سمی ای که فهرستشان در «موسسه ملی امنیت و بهداشت شغلی سازمان ملل» ذکر شده است، ۲۵۰۰ ماده سرطان زا تشخیص داده شدند و کمتر از ۷۰۰۰ ماده چنان که باید و شاید تحت آزمایش قرار نگرفته بودند.

## خطرات زیست محیطی برای زنان در سر کار

زنان، که کم درآمدترین مشاغل را در هر جامعه ای برعهده دارند، هنگامی که در خارج از خانه کار می کنند هم با تبعیض و هم با خطرات محیطی مواجهند. زنان بخش اعظم نیروی کار را در «منطقه

های پردازش صادرات» (EPZs) تشکیل می دهند، اینها مناطقی هستند که در بسیاری از کشورهای جنوبی تأسیس شدند تا سرمایه گذاری خارجی را جلب کنند و به دولت در ایفای تعهداتش برای بازپرداخت بدهی هایش یاری رسانند. دولت‌ها، برای جلب شرکتهای فراملیتی، معمولاً مقررات سلامت محیط زیست را در مناطق نام برده نادیده می گیرند. در اینجا زنان که، بیشترشان مهاجران نواحی روستایی هستند و کمتر از ۲۵ سال دارند، در صنایع نیمه پردازشی از قبیل نساجی، پوشاک، تهیه مواد غذایی، و سوار کردن قطعات و دستگاههای الکترونیک کار می کنند. دستمزدهایشان به اندازه بخش ناچیزی از دستمزد های کارگران شمال است و از هیچ یک از حمایت‌های مربوط به بهداشت و ایمنی برخوردار نیستند. مثلاً در آسیا ۹۰ درصد کارگران سوار کننده قطعات (مونتاژکار) در صنعت الکترونیک زنانند، و بسیار از آنها هر روزه با مواد شیمیایی فوق العاده سمی سروکار دارند.

از «آسیب پذیری خاص» زنان در برابر آلودگی هوا در کشورهای پیشرفته غالباً به عنوان دلیلی برای کنار گذاشتن آنان از برخی مشاغل، و معمولاً پر درآمد، استفاده می شود. در بعضی از موارد، شرکتهایی که از عواقب قانونی این امر بیم دارند عقیم شدن زنان را شرط صلاحیت برای اجرای بعضی از مشاغل خطرناک اعلام می کنند. اگرچه بیشتر خطرهای ناشی از آلودگی هوا مردان را نیز به همان اندازه تهدید می کنند. اما شرکتها برای راحت تر کردن کار تولید خود کنار گذاشتن زنان را راه ساده تری می دانند. زنانی که با آتش - به خصوص در فضاهای بسته - پخت و پز می کنند، خواه شهری باشند و خواه روستایی، به عفونتهای حاد تنفسی و التهاب نایژه ها (برونشیت) مبتلا می شوند. مواد سوختی زیستی (چوب، زغال چوب، تاپاله) به بیماریهای ریوی و سرطانهای بینی و حلق می انجامند.



بنابر تحقیقات « سازمان جهانی بهداشت » (WHO) زنانی که روی آتش و در اتاقهای بسته پخت و پز می کنند مقدار زیادی بنزو آپیرن ( ماده ای سرطان زا ) استنشاق می کنند و به کسی می مانند که روزانه ۲۰ بسته سیگار بکشد. زنان نیالی به طور متوسط روزانه پنج ساعت در شرایطی به پخت و پز مشغولند که آلودگی داخلی ناشی از دود به -/۰۰۰۰۰/۲۰ میکروگرم در هر متر مکعب می رسد. درحالی که سازمان جهانی بهداشت معیار مجاز را بین ۱۵۰ تا ۲۳۰ میکروگرم در هر متر مکعب تعیین کرده است.

### توسعه و محیط زیست

بانک جهانی و دیگر موسسه های مالی به کشورهای بدهکار فشار آورده اند که برای بازپرداخت بدهی هایشان تغییراتی بنیادی در اقتصاد های خود به وجود آورند. این تغییرات، موسوم به برنامه های تعدیل ساختاری (SAPs) که از طرف قدرتهایی تجویز می شوند که از جامعه محلی به دورند، تأثیر شگرفی در زندگی زنان و محیط زیست داشته اند، تأثیری که اکثراً زیان آور بوده است.

### اصلاحات ارضی

اصلاح ارضی، که یکی از شرایط برنامه های تعدیل ساختاری است، تأثیر نامطلوبی بر محیط و بر زندگی زنان داشته است. اصلاح ارضی معمولاً تغییراتی را در زمینه های استفاده، مالکیت، واگذاری، و توزیع زمین ایجاد می کند. در نتیجه، شیوه های سنتی بهره گیری از زمین که در آن افراد در یک محل در زمینهای مشاع شریکند جای خود را به مالکیت ثبت شده ای داده اند که تقریباً همیشه مرد مالک زمین است. مثلاً در هوندوراس فقط ۴۰ درصد زمینهای تقسیم شده به زنان رسید، در پرو ۵۰ درصد، و در کولومبیا ۱۱درصد. در نتیجه، اکثر زنان به صورت کشاورزان بی زمینی در می آیند که در زمین

شخص دیگری به کار می پردازند. و به این ترتیب معمولاً بیوه ها و زنان مجرد تقریباً یکسره از کشاورزی کنار گذاشته می شوند.

آن گاه بهترین زمینها به کشت محصولاتی چون پنبه و توتون اختصاص می یابند که بتوان آنها را به صورت نقدی به بازارهای خارجی فروخت. در نتیجه، فقط قطعه های کوچکی که خاک نامرغوب دارند و غالباً از خانه های کشاورزان بسیار دورند برای تولید مواد غذایی باقی می ماند. حتی در جاهایی هم که زنان دسترسی به زمین دارند، در اکثر برنامه های عمرانی از ورود زنان به تعاونی ها، برنامه های آموزش کشاورزی، و اعتبارات بانکی برای سرمایه گذاری مجدد در تهیه ابزارهای کار و اصلاح خاک جلوگیری می شود، اگرچه به احتمال قوی زنان نشان داده اند که بیشتر از مردان در این زمینه فعالیت می کنند. در بسیاری از کشورهای افریقایی، زنان بیشتر از ۶۰ درصد نیروی کار کشاورزی را تشکیل می دهند و در تولید ۸۰ درصد مواد خوراکی سهم موثر دارند، با این حال زنان کمتر از ۱۰ درصد اعتبارات بانکی مربوط به کشاورزان خرده پا و یک درصد کل اعتبارات را در زمینه کشاورزی دریافت می کند.

حرکت به سمت افزایش محصولات فروشی (نقدی) تأثیرات متعدد دیگری نیز دارند. در بسیاری از نواحی جهان، مواد خوراکی برای مصارف خانواده ها را زنان در باغچه های خانه ها تولید می کنند. آنان غالباً می توانند محصولات مازاد بر مصرف را به فروش برسانند و مقداری پول نقد برای تهیه اقلام مصرف اساسی به دست آورند. با معمول شدن تولید محصولات برای فروش لازم می آید که همه اعضای خانوار به تولید این محصولاتی که معمولاً غیر خوراکی هستند نمی توانند در تأمین غذای سفره نقشی داشته باشند یاری رسانند. از آن جا که زنان هم محصولات خوراکی مصرفی را کشت می کنند و هم محصولاتی را برای فروش نقدی که بابتشان هیچ مزد و پاداشی نمی گیرند، سنگینی بارکارشان فوق

العاده افزایش می یابد. مردان و / یا کودکانی که ممکن بود آنان را در قطعه زمینشان برای تولید محصولات خوراکی کمک کنند اینک ظاهراً در گیر تولید محصولاتی هستند که نقداً به فروش می روند. هرگونه سود حاصل از محصولات فروشی مستقیماً به جیب شوهر می رود، و او به این ترتیب قدرت نظارت کامل بر تهیه مایحتاج خانواده را کسب می کند. محصولاتی خوراکی اضافی ای را که ممکن است مقدار اندکی پول نقد اضافی برای زن ببار آورد دیگر نمی توان تولید کرد.

## زنان روستایی و محیط زیست

- در حدود نیمی از مواد غذایی جهان را زنان کشت می کنند.
- در « محصول ناخالص داخلی » (GDP)، یعنی رقمی که کل بازده ملی کالاها و خدمات با آن سنجیده می شود، محصول کار زنان به حساب در نمی آید، مثلاً، در بخش جنوبی صحرای افریقا، زنان بیش از ۹۰ درصد مواد غذایی را برای مصرف خانگی کشت می کنند و بیش از نصف تولید کشاورزی- از جمله محصولات مربوط به فروش نقدی - را انجام می دهند. اما ارقام رسمی GDP عموماً منعکس کننده محصولاتی است که عملاً به بازار آورده و صادر می شوند- محصولات فروختنی را عمدتاً مردان کشت می کنند.
- در یکی از روستاهای روئاندا، زنان سه برابر مردان کار می کنند زیرا آنان در حقیقت همه کارهای خانه، ۷۵ درصد کار مزارع، و نیمی از کارهای مربوط به حیوانات را انجام می دهند، ضمناً، مردان از درختان موز مراقبت می کنند و بیشتر کارهای درآمد زای بیرون از خانه را انجام می دهند.

- در کنیا مزد زنانی که به کار کشاورزی مشغولند ۱۴ درصد مزدی است که مردان دریافت می کنند. در اتیوپی ، پاکستان، سومالی و جیبوتی مزد زنان شاغل در بخش کشاورزی ۳۰ درصد مزد مردان است.

- ذخیره آب سرانه یک سوم کمتر از میزان آن در سال ۱۹۷۰ است، زیرا ۱/۸ میلیارد نفر بر جمعیت افزوده شده است. در ۲۶ کشور، جمعیتی مرکب از ۲۳۰ میلیون نفر با کمبود آب مواجهند.

## سوخت و جنگل زدایی

یکی از دیگر از آثار نیرومند تباهی محیط زیست جنگل زدایی یا تخریب جنگلها است . جنگل زدایی در مقیاس وسیع نظام زیستبوم (اکوسیستم) را مختل می سازد، و بر تندرستی مردم سراسر جهان تأثیر می گذارد. به علاوه، جنگل زدایی از لحاظ محلی تأثیر شدیدی در زندگی زنانی دارد که ناگزیرند برای خانواده هایشان هیزم گردآورند. زنان برای تکمیل برنامه غذای روزانه خانواده خود با میوه، عسل و سبزی، و همچنین تأمین علوفه برای چرای دامها در فصل خشک، به جنگلهای درحال عقب نشینی نیز وابسته اند.

بانک جهانی تخمین زده است که تا سال ۲۰۰۰ ، ۱۹ میلیون هکتار درختان مخصوص چوبهای سوختی- یعنی ۱۰۰ برابر بیشتر از مقداری که اکنون در افریقا وجود دارد- برای تأمین خواستههای جمعیت مورد نیاز خواهد بود. نیمی از جمعیت افریقا اینک با کمبود چوبهای سوختی مواجه است، و تا سال ۲۰۲۰ میزان نیاز سه برابر خواهد شد. در کشور های رو به توسعه ، از آن جا که مردم بیش از پیش برسر منابعی که در حال کاهش یافتند با یکدیگر رقابت می کنند، زنان برای یافتن چوبهای

سوختی و آبی که برای بقای خود بدانها نیاز دارند ناگزیرند راههای طولانی دور از خانه های خود را بپیمایند.

ابعاد تأثیرات بسیار گسترده اند. هنگامی که هیزم کمیاب شود، مردم کمتر پخت و پز می کنند کمتر غذاهای پخته شده می خورند، و به این ترتیب معیارهای تغذیه به تدریج ضعیف می شوند. زنان ناگزیر می شوند که بیش از پیش راهها را پیاده بپیمایند، و چون معمولاً کودکان را با خود حمل می کنند گرفتار کم آبی بدن می شوند، و چون وقت فراغت از کار ندارند به عوارض ناخوشیها گرفتار می آیند. ممکن است در معرض خطرات جسمی نیز قرار گیرند. وقتی که چوب نباشد، پسماندهای رستنیها و تاپاله ای که زمانی برای غنی کردن خاک به کار می رفتند به عنوان مواد سوختی به مصرف پخت و پز ایجاد حرارت می رسند.

## آب

هم در نواحی روستایی و هم در مناطق شهری، زنان معمولاً مسئول بهداشت و رفاه خانواده های خویشند. از این رو، زنانند که باید به مسائل و مشکلات ناشی از مصرف آب آلوده، از قبیل کودکانی که در اثر آب بیمار می شوند، رسیدگی کنند. زنان نوعاً مسئولیت این کار اضافی را نیز برعهده دارند که آب را بجوشانند یا ماده ای به آن بزنند تا تصفیه شود، و همین امر ممکن است به نوبه خود استفاده از سوخت اضافی را ایجاب کند.

در نواحی روستایی، مسئولیت زنان در مورد آب از این هم بیشتر است. زنان روستایی به عنوان گردآورندگان و مصرف کنندگان اصلی آب، معمولاً اداره امور مربوط به آنها را در جوامع خود برعهده دارند، یعنی تصمیم می گیرند که آب را از کجا و چگونه گردآورند، چگونه آن را حمل و انبار کنند و از

کدام منابع آب برای چه منظورهایی (مثلاً آشامیدن، شست و شو، پخت و پز، آبیاری) استفاده نمایند. دانش کارشناسانه زنان در مورد وضع آبهای محلی تخصص فوق العاده مهمی است که از نسلی به نسل دیگر انتقال یافته است.

با تبار شدن محیط زیست، یافتن آب پاکیزه بیش از پیش دشوار می شود. آب سنگین است، برخی از زنان ناچارند ۲۰ کیلوگرم آب را در ظرفهایی که روی سر خود قرار می دهند یا به پشت خود می بندند چندین کیلومتر حمل کنند. وظایف زنان غالباً موجب می شود که آنان بیشتر در معرض آبهای آلوده قرار گیرند، به این ترتیب احتمال قرار گرفتن زنان در معرض مواد شیمیایی زیان آور و بیماریهایی که از راه آب منتقل می شوند افزایش می یابد.

### عدالت در بهره مندی از بهداشت محیط زیست

«عدالت زیست محیطی» اصطلاحی است که برای بیان بستگی متقابل حقوق طبیعی و اجتماعی به کار برده می شود. این اصطلاح متضمن وجود عده زیادی از اجتماعاتی است که در آنها بهداشت محیط زیست موهبتی برای ثروتمندان یا گروههایی که به نحو دیگری بر جامعه مسلطند نیست، بلکه حقی است که همه مردم به اعتبار انسان بودن از آن برخوردارند، حقی انسانی. لیکن، در حال حاضر عده اندکی از مردم جهان از بهداشت محیطی بهره مندند.

اصطلاح دیگر، یعنی «تبعیض نژادی زیست محیطی» برای بیان وضع بی تناسب شرایط و بهداشت دلخراش محیط زیست به کار برده می شود که مردم رنگین پوست به عنوان یک جنبه از تبعیض نژادی در جامعه از آن در رنجند. مثلاً، در ایالات متحده آمریکا، محله های فقیر نشین رنگین پوستان به طرز

نامتناسبی در معرض خطراتی چون تخلیه زباله های سمی ، احداث بزرگراهها و فرودگاهها و خانه سازیهای پایین تر از معیار مطلوب قرار دارند.

کارگران کشاورزی مهاجر در امریکا، که اشخاص فاقد مدارک از اهالی مکزیک و امریکای مرکزی را شامل می شوند، یکی از گروههایی هستند که با بی عدالتی زیست محیطی مواجهند. این بی عدالتی با مسائلی چون تبعیض نژادی و ملی، فقر و نیز با وارد نقض حقوق بشر در زمینه بهداشت، آزادی نقل مکان، و استقلال فردی مرتبط است، مثلاً در یکی از گزارشهای دولت امریکا ذکر شده است که کارگران کشاورزی مهاجر در امریکا حدود یک سوم پایین تر از حدی که دولت برای خط « فقر» تعیین کرده است زندگی می کنند « ابتلا به بیماریهای سل، ذات الریه، [ و ] انگلهای روده ای ... در میان آنان به میزانی در حدود ۲۵۰ تا ۵۰۰ درصد بیشتر است... تا در جمعیت عمومی ... »

## آفت کשהا

به علاوه، کارگران مهاجر بیش از کسان دیگر در معرض آفت کשהایی هستند که مستقیماً بر محصولات کشاورزی افشانده می شوند: کارگرانی که در مزارع آن محصولات کار می کنند نیز در معرض همین آفت کשהا قرار دارند. ارتباط چنین آفت کשהا با چندین بیماری مزمن و کشنده به اثبات رسیده است، از جمله سرطانهای استخوان، غدد لنفاوی، مغز، و خون، عوارض باروری از قبیل سقط جنین خود به خودی، اختلالاتی مربوط به قاعدگی و نقصهای مادرزادی، افسردگی، و نابهنجاریهای سیستم ایمنی. حقوق کارگران کشاورزی همچنان پایمال می شوندف از آن جمله اند حق پی بردن به جدول های زمانی برای پاشیدن آفت کשהا و آثار عوارض آنها، حق بهره مندی از تندرستی و محیط سالم و حق

پرداختن به اقدام در راه دفاع از حقوق انسانی خود. کوششهای «موسسه حفاظت از محیط زیست» (EPA) برای تنظیم انواع آفت کشها و دفعات مورد استفاده آنها چندان موثر نیفتاده اند.

## اعلامیه سردانگ

در ۱۹۹۱، تناگانیتو «گروه اقدام زنان کارگر» و شبکه عمل آفت کشها» مشترکاً اعلامیه سردانگ را در مورد آثار و عوارض استفاده از آفت کشها و سوء استفاده از زنان در مالزی، اندونزی، و تایلند صادر کردند، این اعلامیه شرحی است. درباره نشانه های بروز مسمومیتهای ناشی از مصرف آفت کشها (مثلاً آسیبهای پوستی، خون ریزی بینی، ترک خوردن ناخنها و مسائل باروری) و شرایطی که این عوامل را به بار می آورند، مثلاً هنگامی که آفت کشها بدون وسایل ایمنی کافی، بدون اطلاع یا بدون حمایت پزشکی از کارگران کشاورزی – که بیشترشان از زنان می باشند- مصرف یا انبار می شوند.

در اعلامیه رعایت این نکات خواسته شده است:

- اصلاح اطلاعات درباره خطرات آفت کشها
- استفاده از مواد دیگر به جای آفت کشها.
- حفاظت قانونی از کارگران در برابر مواد شیمیایی خطرناک
- اعمال نظارت از جانب وزارت بهداشت در مورد استفاده از آفت کشها
- اقدام اتحادیه ها و گروههای زنان در این زمینه ها



## حقوق بشر و محیط زیست

در سال های اخیر طرفداران حفظ محیط زیست و مدافعان حقوق بشر بیش از پیش تلاشهای خود را در زمینه مبارزات توده ای بر سر حقوق مربوط به زمین و آب، تخلیه زباله های سمی و طرحهای عمرانی ویرانگر با یکدیگر متحد ساخته اند. تعداد انگشت شماری از مسائل « صرفاً زیست محیطی» هستند اکثر آن ها نیز متضمن موارد نقض حقوق اساسی مردمنند. یکی از راههای تأمین حقوق زیست محیطی همانا دفاع از حقوق فردی انسان از قبیل آزادی بیان، استقلال فردی، یا دسترسی به اطلاعات است. راه دیگر عبارت از پیشبرد حقوق زیست محیطی است.

در بیش از ۶۰ قانون اساسی ملی دست کم مسئولیتی برای حمایت از محیط زیست به رسمیت شناخته شده است. مثلاً در قانون اساسی جدید افریقای جنوبی قید شده است که « هرکسی حق بهره مندی از محیط زیستی را دارد که به تندرستی و رفاه او آسیب نرساند.» در سطح بین المللی، اکنون طرفداران حفظ محیط زیست و هواداران حقوق بشر در تلاش مشترکی سعی دارند پیمان نامه ای در سازمان ملل تنظیم کنند که در آن از حقوق انسانی مربوط به محیط زیست حمایت شود. این مدرک قانونی موجب خواهد شد که عدالت زیست محیطی در قوانین بین المللی تثبیت گردد و حق مساوی هر کس در بهره مندی از محیط زیستی سالم تضمین شود. به علاوه به قربانیان سوء استفاده از محیط زیست کمک خواهد کرد که غرامت دریافت کنند و جلوی بی عدالتیهای دیگر را نیز خواهد گرفت.

اعلامیه استکهلم، در سال ۱۹۷۲، یکی از نخستین اسنادی بود که بین زبان حقوق زیست محیطی و زبان حقوق بشر پیوندی برقرار ساخت. در این اعلامیه تأیید گردید که مردم باید از حق اساسی آزادی،

مساوات و شرایط مناسب زندگی برخوردار باشند و باید محیط زیستی بر مبنای مساوات داشته باشند که زندگی آبرومندانه و رفاه را امکان پذیر سازد.

بسیاری از مدافعان حقوق بشر حق بهداشت محیطی را در مقوله « حق همبستگی » طبقه بندی می کنند: حقی که هم بُعد فردی و هم بُعد جمعی دارد. چنان که استیون پ. مارکس، یکی از دانشمندان و مدافعان حقوق بشر، توضیح می دهد:

حق فردی، حق هر قربانی یا هر قربانی بالقوه فعالیت است که بر محیط زیست آسیبی وارد آورد و آن فرد قادر به متوقف کردن آن فعالیت یا جبران آسیب وارده نباشد. بُعد جمعی این حق دلالت بر آن دارد که دولت موظف است از طریق همکاری بین المللی برای حل مسائل در سطح جهانی تشریک مساعی کند. در مورد همه حقوق همبستگی. بُعد جمعی به معنی است..... که دولت و همه نقش آفرینان دیگر اجتماعی موظفند که نفع انسانی را بر نفع فردی مقدم دارند .

به عبارت دیگر ، فردی که از یک مشکل زیست محیطی آسیب دیده باشد باید بتواند ادعای خسارت کند. دولت باید یا مستقیماً به جبران خسارت قربانی بپردازد یا راهکارهایی ترتیب دهد که قربانی از طریق آنها بتواند خسارت را از بخش خصوصی وصول کند . در عین حالف دولت باید در حل مشکلات زیست محیطی بکوشد و علاقه فرد به زندگی آمیخته به شرف و آزادی را بر علاقه دولت به ثروت و قدرت مقدم بدارد.

در حال حاضر، اسناد بین المللی، که با چندین توافق نامه بین المللی در مورد پیشرفت و توسعه مستمر تکمیل شده اند، به عنوان ابزارهای بسیار مهمی در خدمت این کوشش قرار دارند. در ۱۹۹۴، در گزارش ویژه ای به « کمیسیون فرعی سازمان ملل در زمینه جلوگیری از تبعیض و حمایت از اقلیتها»

بی عدالتیهای زیست محیطی در سراسر جهان با مدارک مستند عرضه شدند و توصیه گردید که حقوق بشر و سیاست بوم شناختی ( اکولوژیک) در دستور جلسه های مشترک قرار گیرند. در همان سال، در پیشنهاد نویس اعلامیه اصول حقوق بشر و محیط زیست حقوق عام انسانی در زمینه بهره مندی از « محیط زیست امن، سالم، و از لحاظ بوم شناختی ( اکولوژیک) مطمئن » اعلام شد. به علاوه، حقوق زیست محیطی را در اسناد « کنفرانس جهانی محیط زیست و توسعه » که در ۱۹۹۲ در ریودژانیرو برگزار شد. و کنفرانس جهانی حقوق بشر» که در ۱۹۹۳ در وین برگزار گردید، می توان مطالعه کرد.

### زنانی که محیط زیست بهتری می سازند.

در اعلامیه ریو، که ثمره گردهمایی سران جهان در سال ۱۹۹۲ بود، از زنان خواسته شده است که « در جریان اداره نظام زیست بوم و جلوگیری از تباهی محیط زیست، مشارکت فعال و برابر » داشته باشند. نکته هایی که در این اعلامیه برای به وجود آوردن یک سبک زندگی قابل دوام توصیه شده اند بدین قرارند:

- حرمت نهادن بر محیط زیست طبیعی، حفاظت از آن و بازسازی آن
- مصرف به مقداری نه بیشتر از آنچه بدان نیاز داریم
- مشارکت منصفانه با کسان دیگری که درسیاره ما به سر می برند.
- باقی گذاشتن امکانات ، فرصتها و کیفیت زندگی برای فرزندانمان، دست کم به اندازه ای که خودمان از آن بهره مند بوده ایم.

در برنامه عمل پکن این گفته ها تأکید گردیده و نقش اساسی زنان در ایجاد یک محیط زیست سالم و پایدار به رسمیت شناخته شده است:

... زنان، به عنوان مصرف کننده، تولید کننده، مراقب خانواده، و مربی ، به سبب علاقه ای که به کیفیت و استمرار زندگی برای نسلهای کنونی و آینده دارند، نقش مهمی در تأمین توسعه پایدار ایفا می کنند ( بند ۲۴۸ )

در برنامه عمل از دولتها خواسته شده است که زنان را فعالانه در تصمیم گیریهای مربوط به محیط زیست در همه سطوح دخالت دهند، مسائل و چشم اندازهای مرتبط با جنسیت را در خط مشی ها و برنامه های مربوط به توسعه بگنجانند، و برای ارزیابی تأثیر توسعه و سیاستهای زیست محیطی بر زنان سازوکارهایی در سطوح ملی ، منطقه ای و بین المللی به وجود آورند.

## حق انسانی زنان و اقتصاد

### اهداف:

- اقتصاد را تعریف کنند و درباره رابطه زنان با اقتصادهای محلی و جهانی بیندیشند.
- نقش فقر را در محدود ساختن زندگی زنان و رابطه آن با حقوق بشر بررسی کنند.
- به رابطه میان پیشرفت و حقوق انسانی پی ببرند.
- تأثیر جهانی شدن و روندهای اقتصادی جهانی بر زنان را بکاوند.
- تعدیل ساختاری را تعریف کنند و همبستگی‌هایی میان بدهی خارجی، موسسات بین‌المللی و مسائل موجود در اقتصادهای محلی برقرار سازند.

### شروع به حرکت: اندیشیدن درباره زنان و اقتصاد

تجارت کمک اقتصادی، بازارها، شرکتها، موسسه‌های بارگانی و مالی، همگی بر زندگی زنان اثر می‌گذارند. اینها، که به ساختارهای اقتصادی شهرت دارند، جزء نظامها و فرآیندهایی هستند که کالاها و خدمات به وسیله آنها مبادله می‌شوند، در وضع دلخواه به نحوی عمل می‌کنند که به همه کس در راه تأمین نیازهای مادیشان یاری می‌رسانند. در واقع، ساختارهای اقتصادی غالباً تأثیر متضاد دارند: دسترسی به حقوق اساسی انسانی مانند خوراک، پناهگاه، و وسایل معاش را ضعیف می‌سازند و می‌توانند بر زنان فقیر سراسر جهان تأثیری فوق‌العاده منفی بگذارند.

## در برنامه عمل پکن این گونه اظهار شده است:

اگرچه بسیاری از زنان در ساختارهای اقتصادی پیشرفت کرده اند، در مورد اکثریت زنان، بخصوص آنهایی که با قیود اضافی مواجهند، باید گفت که موانع مستمر بر توانایی آنان در راه نیل به استقلال اقتصادی و تأمین وسایل معاش کافی برای خود و افراد تحت تکفل خویش لطمه وارد می آورند. زنان در عرصه های گوناگون اقتصادی فعالیت می کنند، و گاهی در این عرصه ها- از کارمزدوری و کشاورزی و ماهیگیری گرفته تا کار در بخش خصوصی - چندین حوزه را با هم در می آمیزند. اما موانع قانونی و مرسوم در زمینه مالکیت بر زمین، منابع طبیعی، سرمایه، اعتبارات، فنون و سایر ابزارهای تولید و دسترسی به آنها، و نیز اختلاف دستمزد، موجب می شود که پیشرفت اقتصادی زنان به موانعی برخورد کند. (بند ۱۵۶).

حقوق انسانی زنان در زمینه اقتصادی وابسته اند به حقوق انسانی در پهنه مشارکت سیاسی، رهایی از بند خشونت، بهره مندی از آموزش و پرورش، بهداشت، اشتغال، شرایط آبرومندانه کار، گستره ای از حقوق انسانی دیگر.

## زنان و اقتصاد: چند واقعیت

- زنان به طور متوسط ۷۴/۹ درصد مردان را دریافت می کنند.
- زنان ۳۹/۵ درصد نیروی کار دارای مزد را در سطح جهان تشکیل می دهند، اما فقط ۲۶ درصد درآمد و یک درصد مستغلات را مالکند.
- اگرچه تعداد زنان در آموزش عالی سراسر جهان افزایش یافته است. فقط ۱۴ درصد مقامهای اداری و اجرایی در اشتغال زنان است.

- در آفریقا، زنان ۸۰ درصد تولید کنندگان مواد غذایی را تشکیل می دهند، اما در زمینه کشاورزی فقط ۷ درصد عامل موثرند.
- در بخش غیر رسمی و در ک ارهای اتفاقی و پاره وقت و نیز در کارهای خانگی اکثریت با زنان است، اما مزدهای ناچیز، فقدان مزایا، امنیت کمتر شغلی، و شرایط حقیرانه و توان فرسای کار از مشخصات همه آن بخشها است.
- زنان یک اقلیت ناچیز و ام گیرندگان از موسسه های اعتباری رسمی را تشکیل می دهند. فقط ۵ درصد از اعتبارات چند جانبه روستایی بانکها به زنان می رسد.
- از تقریباً ۱/۳ میلیارد مردم فقیر جهان، ۷۰ درصد را زنان تشکیل می دهند.
- زنان ساعات طولانی تری کار می کنند و کارهای همزمان بیشتری را انجام می دهند. به طور متوسط ، زنان در کشور های صنعتی ۵۱ درصد و در کشورهای رو به توسعه ۵۳ درصد سنگینی بارکار را تحمل می کنند.
- اگر به فعالیتهای بدون مزد یا با مزد کم زنان ارزشی تعلق گیرد، سهم زنان از ۱۶ تریلیون دلار بازده جهانی به حدود ۱۱ تریلیون می رسد.

## زنان و فقر

یکی از نتایج بدیهی نقص کار اقتصادهای جهانی و محلی پدید آمدن فقر است که در اثر تبعیض و نابرابری به صورت شدیدتری درمی آید. فقر در میان زنان و دختران با محرومیتشان از حقوق ، عدم دسترسی به منابع اقتصادی، « از جمله اعتبارات، مالک بودن زمین و ارث بری، عدم دسترسی به آموزش و پرورش و خدمات حمایتی، مشارکت ناچیزشان در فرایند تصمیم گیری نیز ارتباط مستقیم

دارد.» ( برنامه عمل پکن، بند ۵۱). فقر با آوارگیهای ناشی از کشمکشهای مسلحانه یا مهاجرت‌های ناشی از دلایل اقتصادی نیز ارتباط دارد. زنان به ندرت می‌توانند بر فقر فایق آیند مگر آن که تبعیضهای اساسی و محرومیتشان از حقوق بشر مورد بحث و رسیدگی قرار گیرد.

فقر جلوه‌های گوناگون دارد، که از آن جمله اند نداشتن درآمد و منابع مولد کافی برای تأمین معاش مستمر، گرسنگی و سوء تغذیه، ناخوشی، دسترسی محدود یا عدم دسترسی به آموزش و پرورش و سایر خدمات اساسی، مرگ و میر فزاینده در اثر بیماری، بی‌خانمانی و مسکن نامناسب، محیط‌های ناسالم، و تبعیض و محرومیت اجتماعی. عدم مشارکت در تصمیم‌گیری و در زندگی مدنی، اجتماعی و فرهنگی نیز از مشخصات فقر به شمار می‌روند. جلوه‌های فقر در همه کشورها مشاهده می‌شوند. در بسیاری از کشورهای رو به توسعه، به صورت فقر انبوه، و در کشورهای توسعه یافته به صورت نقطه‌های فقر در درون ثروت. فقر ممکن است یا معلول رکود اقتصادی باشد، که به از دست رفتن وسایل امرار معاش می‌انجامد، یا در اثر وقوع بلایی آسمانی یا کشمکش و درگیری پدید آید. فقر کارگران کم دستمزد و تهیدستی کامل کسانی که خارج از نظام‌های حمایتی خانواده، نهادهای اجتماعی، و شبکه‌های ایمنی قرار می‌گیرند، نیز وجود دارد ( برنامه عمل پکن ، بند ۴۷).

فقر حقوق انسانی زنان و دختران را پایمال می‌کند و آنان را از مواهب زیر محروم می‌سازد:

- مشارکت در زندگی سیاسی و عمومی
- آموزش و پرورش
- غذا و رهایی از گرسنگی
- بهداشت



- رهایی از خشونت
- مسکن
- خود زندگی

این حقوق در بسیاری از قوانین ملی، منطقه ای، و بین المللی - از جمله در (اعلامیه جهانی حقوق بشر) UDHR و میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (ICESCR) - به رسمیت شناخته شده اند.

دهه گذشته شاهد افزایش فوق العاده زیاد تعداد زنان فقیر بوده است. برطبق تحقیقی، احتمال بیشتری می رود که خانواده های زن سرپرست - خواه در کشورهای پیشرفته و خواه در حال پیشرفت - نسبت به خانواده هایی که سرپرست مرد دارند جزء فقیر ترین گروهها باشند.

اشخاص فقیر، علاوه بر روبرو بودن با تبعیض، ستم و خشونت غالباً برای مسایل مربوط به جامعه، از قبیل تخریب محیط، جرم و خشونت ملامت می شوند.

زنانی که در فقر به سر می برند با گستره موضوعاتی دست به گریبانند که موقعیت حاشیه نشینی آنان را تشدید می کند. مثلاً زنان فقیر غالباً در برابر شکل‌های گوناگون خشونت، از جمله تند خویی پلیس، آسیب پذیرترند. و بسیاری از زنان زندانی از اعضای اجتماعات فقیرند. زنان فقیر در برابر خشونت و جرم در محله های خود نیز آسیب پذیرند. همچنین، در بسیاری از نقاط جهان، زنان جزو گروههای نژادی، قومی، یا مذهبی خاصی هستند که مورد تبعیض پروه‌های مسلط قرار می گیرند. به علاوه، زنان فقیر سنگینی بارهای اضافی دیگری را تحمل

می کند که دولت‌ها با حذف یارانه برای خوراک، آموزش و پرورش، برنامه های رفاهی و مراقبت‌های بهداشتی، از دوش خود بر می دارند.

## حقایق چند درباره فقر زنان

- در کشورهای « پیشرفته » جهان، نسبت زنان فقیر به مردان فقیر در استرالیا و امریکا در بالاترین حد، یعنی ۱۳۰ به ۱۰۰ نفر است.
- تعداد زنانی که در سراسر جهان در فقر به سر می برند در مقایسه با تعداد مردان تهیدست به نحو نامتناسبی افزایش یافته است.
- فقر در میان زنان اقلیتها، معلول، و سالمند در بالاترین حد است.
- شواهد نشان می دهند که زنان، هرگاه استطاعت اقتصادی و محیط مناسبی بیابند، کاری خواهند کرد که خود را ورطه فقر برهانند.
- برنامه های ضد فقر برای زنان در صورتی بیشترین نتیجه موثر را به بار می آورند که به وسیله زنان، برای زنان، و با استفاده از مهارتها و نیرو و دانش زنان از میان جمعیتی که برنامه ها در خدمت آنان است به اجرا در آیند. در تعیین راهبردهای موثر باید به نقشها و مسئولیتهای چندگانه زنان و در نتیجه به نیازهایی چون نگهداری از کودکان، مراقبت‌های بهداشتی یا بیمه پزشکی، مراقبت از سالمندان، دسترسی به وسیله حمل و نقل، و آموزش مستمر توجه کافی معطوف کرد.

## تغییر مفهوم توسعه

درباره این که چگونه می توان مساوات، توسعه و صلح را به بهترین نحو تأمین کرد عقاید متفاوتند. برخی از مردم استدلال می کنند که طرحهای صرفاً زنانه برای تأمین نیازهای زنان موثرترند در حالی که عده ای دیگر معتقدند که هدف اصلی باید وارد کردن زنان به جریان کلی برنامه های عمرانی باشد. برخی از سازمانها در زمینه پیشرفت زنان پیش گرفتن شیوه ای رفاهی، مثلاً از طریق برنامه های خوراک رایگان، را توصیه می کنند. اما موسسه های عمرانی بیش از پیش اذعان می کنند که زنان در ارتباط با کار و خانواده مسئولیتهای متعدد دارند، آنها در طرح و اجرای برنامه ها در سطح جامعه با زنان به مشورت می پردازند و زمینه ای به وجود می آورند که به زنان در اعلام نیازها و حقوق اساسیشان کمک می کنند.

این تغییر رویکردها تغییر مفهومی را به همراه آوردند. در مفهوم جدید این عقیده نهفته است که نقشهای جنسیتی مردان و زنان ( آن صفات و کیفیاتی که بیشتر جامعه تعیین کننده آنها است تا زیست شناسی) به اختلاف نیازها، مهارتها و دسترسی به منابع می انجامند. در طرحها یا برنامه موثر و عادلانه عمرانی باید نقشهای مبتنی بر جنسیت به حساب آورده شوند. برای آن که زنان بتوانند ازادانه دست به انتخاب زنند و از منافع پیشرفت بهره مند شوند، مساوات زن و مرد باید هدف اصلی و غیر قابل بحث باشد.

به علاوه، برنامه های مربوط به توسعه را باید بر طبق چشم اندازی جنسیتی ارزیابی کرد. مفهوم « چشم اندازی جنسیتی بر پایه این درک قرار دارد که در همه موقعیتهای چشم اندازی برای تعبیر و تفسیر واقعیت موجود است. از نظر تاریخی ، آن چشم انداز غالب اوقات به دیدگاههای مردانه متمایل است . در

نتیجه، اکثر چشم اندازها در زمینه واقعیت هرگز عقاید و تجربه های زنان را به حساب نیاورده اند، و موارد نقض هر روزه حقوق انسانی زنان را به صورت نامرئی در می آورند.

## « جهانی شدن » اقتصاد و زندگی زنان

امروزه نیروهای بین المللی نقشی بیش از پیش مهمدر اقتصادهای ملی و محلی ایفا می کنند و در نهایت تأثیر شگرفی بر زندگی زنان دارند. در چند دهه اخیر تغییرات در فناوری، الگوهای سرمایه گذاری، فرایند های تولید، و ترویج انگاره ها و پخش فرهنگ نیز در زنان موثر بوده اند. این تغییرات همگی نتیجه جهانی شدن است که روابط میان دولت، جامعه مدنی، کسب و کارها، و موسسات بین المللی را از نوع شکل می دهد.

جهانی شدن متضمن دو پدیده متضاد است. یکپارچگی و چند پارچگی، از یک سو، بسیاری از کشورها به واحد های کوچک تجزیه شده اند، و گروههای کوچکی که دارای مشابهت و هویت یکسانند بیش از پیش خواستار آنند که در امور ملی، منطقه ای، و بین المللی رأی و نظری ابراز کنند. از سوی دیگر، به دلیل تغییر های حاصل در فناوری، حرکت سرمایه، ارتباطات سریع، و جریان اطلاع رسانی، بیشتر با یکدیگر همبسته و به یکدیگر وابسته شده ایم.

این همبستگی جدید موجب شده است که دولتها در این که چگونه خط مشیهای مالی و اقتصادی را تنظیم کنند تغییراتی به وجود آورند. اقتصادها بیشتر به سرمایه و سایر منابع متعلق به نقاط دیگر جهان وابسته شده اند. شرکتهای اکنون می توانند در جستجوی یافتن کار ارزان، مواد خام و مالیاتهای پایین محل استقرارشان را به سرعت تغییر دهند. در نتیجه، حکومتها غالباً بر خط مشیهای اقتصادی در درون مرزهای خود نظارت کمتری دارند. « اگرچه فرصتهای شغلی تازه ای در نتیجه جهانی شدن اقتصاد

برای زنان پدید آمده است، اما جریانهایی نیز وجود دارند که به نابرابریهای میان زنان و مردان دامن زده اند» (برنامه عمل پکن ، بند ۱۵۷).

صحنه گردانان و خط مشیهای بین المللی دست به دست تغییرات فناوری و حرکتیهای سیل آسای سرمایه داده اند و اقتصادهای ملی را به صورت بخشی از اقتصاد جهانی در آورده اند. مثلاً از « موافقت نامه عمومی درباره تعرفه های گمرکی و تجارت» (GATT) طوری استفاده شده است که تعداد موانع تجارت بین المللی به زیان بسیاری از صنایع ملی و محلی کاهش یابد. همچنین از طریق GATT کشورهایمانند امریکا قوانین مربوط به حق انحصاری تولید و بهره برداری را به نفع شرکتهای چند ملیتی تحکیم و تقویت کرده اند. شرکتهای انحصاراتی را برای خود به ثبت رسانده اند و ادعای مالکیت بر گیاهان دارویی بومی، نباتات، و راههای درمانی را کرده اند که نسلهای متوالی در حیطه اختیار جوامع محلی بوده اند.

چنین خط مشی هایی ادامه خواهند یافت زیرا GATT شکل تازه ای به نام « سازمان تجارت جهانی» (WTO) به خود گرفته است. در WTO راههایی برای مشارکت سازمانهای غیر دولتی پیش بینی گردیده ، اما این جریان هنوز کاملاً پخته و پرورده نشده است.

### نقش شرکتهای چند ملیتی

شرکتهای چند ملیتی غالباً تأثیر و نفوذ زیادی در اقتصادهای محلی دارند و گاهی اوقات قدرتی بیشتر از حکومتهای ملی اعمال می کنند، اعمال و منافعشان غالباً با قوانین محلی محدود نمی شود و از این رو می توانند کاری کنند که منافعشان را به حداکثر برسانند بی آنکه نگران تأثیر این امر به جوامع محلی و محیط زیست باشند مثلاً چنین شرکتهایی ممکن است آب و هوای محل را آلوده سازند و

داروهای ناسالم را به بازارها سرازیر کنند. هرگاه هم که مورد اعتراض قرار گیرند، می توانند آن محل را ترک کرده و به جاهای دیگر بروند و در نتیجه بیکاری پدید آید. به رغم این معایب شرکتهای چند ملیتی ضمناً می توانند تأثیر مثبتی در زندگی برخی از زنان داشته باشند زیرا می توانند شغل‌های درآمدزای جدیدی را برای زنانی فراهم آورند که دسترسی به چنین کارهایی در اوضاع و احوال دیگری را ندارند. شغل‌های جدید کارخانه‌ای معمولاً مطلوبتر از خدمات خانگی یا کار در بخش غیر رسمی است.

### **شرکتهای چند ملیتی کار شدیدی از زنان کارگر می کشند:**

روی هم رفته شاید حدود ۱/۵ میلیون زن وجود داشته باشد که مستقیماً در استخدام کارخانه‌های تولید کننده کالاهای صادراتی در کشورهای رو به توسعه اند، یک سوم تا نیمی از این واحدهای تولیدی کلاً یا جزئاً در مالکیت موسسه‌های خارجی است و نه تنها شرکتهای چند ملیتی کشورهای صنعتی را شامل میشوند بلکه شرکتهای متعلق به کشورهای جهان سوم را نیز در بر می گیرند. در هر کشوری، تعداد زنانی که در کارخانه‌های کالای صادراتی کاری می کنند به نسبت کل نیروی کار زنان تقریباً اندک است، جز در کشورهای کوچک و صنعتی شده‌ای که عمدتاً در جهت صدور کالا فعالیت می کنند مثل هنگ کنگ و سنگاپور.

زنان در مطرح ساختن رابطه شرکتهای چند ملیتی و حقوق انسانی زنان باید به عوامل متعددی توجه کنند از جمله قابل دسترس بودن مشاغل، شرایط کار، دستمزدها و مزایا، خطرات تندرستی و مسایل محیطی، زنان در سراسر مرزهای کشورها تشکیلاتی را پی نهاده اند و از چنین شرکتهایی خواستار مزدهای بیشتر و شرایط کار مناسب تر شده اند. اینان با دادن دست همکاری به یکدیگر، مانع از آن می

شوند که شرکتها به سادگی بتوانند برای یافتن کارگر یا مزد کمتر مرزها را در نروند. گروههای دیگر در تلاشند که یک آیین نامه رفتاری برای شرکتهای چندملیتی تهیه کنند.

## برنامه های تعدیل ساختاری

برنامه های تعدیل ساختاری معمولاً به شرایطی اشاره می کنند که به کشورهای بی که از بانک جهانی یا صندوق بین المللی پول وام گرفته اند تحمیل می شود.

موسسه های مالی بین المللی معتقدند که کشورها از طریق سلسله اقداماتی که سرمایه گذاری بیشتر و افزایش صادرات را تسهیل می کنند می توانند به رشد اقتصادی فزاینده ای نایل شوند. منظور از این رشد آن است که کشورها بتوانند وامهایشان را باز گردانند اما در عین حال چنین برنامه هایی بر اشخاص فقیر تأثیرات نامطلوب دارند.

نمونه هایی از برنامه های تعدیل ساختاری که بر دولتها تحمیل شده اند شامل این شرایطند:

- تضعیف ارزش پول
- تولید کالاهای بیشتر برای فروش در بازارهای خارجی
- خصوصی سازی
- کاهش مخارج دولت از طریق حذف خدمات حمایتی از قبیل فراهم ساختن مسکن، آموزش و پرورش و مراقبتهای بهداشتی.

پدید آمدن چنین شرایطی معمولاً شدیدترین اثر را بر زنان می گذارند.

مفهوم تعدیل ساختاری مبتنی است بر توانایی زنان در تحمل سختیها، ادامه دادن به اجرای مسئولیتهای اقتصادی و اجتماعی خود در شرایط بیش از پیش نامساعد و دست شستن از نیازها

و منافع خود به خاطر بقای خانواده ها و اجتماعات خویش، به سخن کوتاه، تعدیل ساختاری متکی است بر این واقعیت که زنان همان خدماتی را فراهم می سازند که قبلاً دولت فراهم می ساخت.

## جهانی شدن، تعدیل ساختاری و حقوق انسانی زنان

جهانی شدن و تعدیل ساختاری خطراتی هستند که قابلیت زنان را برای بهره مند شدن از حقوق زیر تهدید می کنند:

- حق بهره مندی از خوراک
- حق بهره مندی از بهداشت و آموزش و پرورش
- حق بهره مندی از وسایل معیشت کافی
- حق بهره مندی از مسکن
- حق رفت و آمد و رهایی از خشونت
- حق بهره مند بودن از وسایل کافی معیشت و تمامیت جسمانی
- حق بهره مندی از شرایط سالم کار و دستمزد کافی
- حقوق مدنی و سیاسی
- حق بهره مند بودن از محیط پاکیزه
- حق برخورداری از زمین



## وضعیت اقتصادی زنان در ج.ا.ا.

### اول - دستاوردها

۱. طبق بند ۲ اصل ۴۳ قانون اساسی، تأمین شرایط و امکانات کار برای همه به منظور رسیدن به اشتغال کامل و قراردادن وسایل کار در اختیار همه کسانی که قادر به کارند ولی وسایل کار را ندارند می باید جزء اهداف برنامه های ملی توسعه قرار گیرد.
۲. برای حمایت مالی به ویژه از طریق اعطای تسهیلات مالی با توجه به اینکه خانواده های تحت سرپرستی زنان از طبقات آسیب پذیر به ویژه در روستاها هستند، بانک کشاورزی در حرکت جدیدی که از سال ۱۳۷۳ آغاز شده است (طرح زینب «س») در جهت حمایت از زنان روستایی سرپرست خانوار از طریق تأمین تسهیلات اعتباری با شرایط آسان برای امور تولیدی و اشتغال آنان آغاز کرده است.
۳. در بودجه سال ۱۱۳۷۳ برای نخستین بار تسهیلات بانکی برای تقویت خود اشتغالی زنان پیش بینی گردید.
۴. در سال ۱۳۷۷ صندوق حمایت از فرصتهای شغلی با تصویب مجلس شورای اسلامی در کشور تشکیل گردید. هم اکنون ۳ واحد تحت عنوان: بخش خود اشتغالی زنان، واحد کاریابی زنان و اعطای وام خود اشتغالی و سازمان آموزشهای فنی و حرفه ای در وزارت کار و امور اجتماعی، زمینه های حمایت از خود اشتغالی زنان را فراهم می سازند. هم چنین وزارتخانه های کشاورزی، جهاد سازندگی، تعاون و بازرگانی نیز از طرحهای خود اشتغالی زنان حمایت می کنند.

۵. تشکیل تعاونیها و سازمانهای غیر دولتی زنان به گسترش مشارکت اقتصادی زنان، بالابردن قدرت تصمیم گیری زنان، ایجاد فرصتهای شغلی و مدیریت برای زنان، درگیر نمودن بیشتر زنان در عرصه های اجتماعی، دادن نقشی غیر از نقش زن خانه دار به زنان، بالابردن روحیه اعتماد به نفس در آنان ، ایجاد و تقویت روحیه مشارکت و فعالیتهای جمعی زنان و بهبود وضعیت اقتصادی زنان و خانواده آنها، کمک موثری می نمایند.

۶. توجه به حمایت از خود اشتغالی زنان در برنامه های اول و دوم توسعه

۷. به موجب بند ب تبصره ۱۱ قانون بودجه ۱۳۷۹ ، اعتبارهای ردیف ۱۱۲۵۰۳ و ۱۱۲۵۱۱ به عنوان سرمایه ای است که دولت در اختیار صندوق حمایت از فرصتهای شغلی قرار داده است که به موجب آن برای طرحهای زود بازده تا میزان ۱۵ میلیون ریال در اختیار واجدین شرایط قرار می گیرد.

۸. تأسیس اتحادیه مرکزی زنان تولید کننده خانگی روستایی، در این اتحادیه ۱۲۰ شرکت ویژه زنان روستایی و تولید کنندگان کوچک در زمینه تولید محصولات دامی و صنایع دستی فعالیت می کنند.

۹. تصویب تبصره ۱۱ قانون بودجه سال ۱۳۷۷ جهت تأمین و حمایت از کودکان و زنان سرپرست خانوار و تصویب آیین نامه اجرایی این قانون.

۱۰. طبق قانون بودجه سال ۱۳۷۹ ( بند ه - تبصره ۳ ) ، تعاونیهایی که هفتاد درصد اعضای آنان را زنان تشکیل می دهند از سهم آورده معاف هستند که این امر منجر به ارتقای سهم زنان در فعالیتهای اقتصادی کل جامعه نسبت به سالهای گذشته خواهد شد.

۱۱. همکاری با سازمانهای تخصصی بین المللی در اجرای پروژه های خود اشتغالی برای زنان و به

ویژه زنان روستایی

۱۲. ایجاد تشکلهای دختران روستایی با هدف ایجاد اشتغال برای دختران روستایی

۱۳. توسعه همکاریهای بین بخشی از طریق برگزاری دوره های آموزشی بلند مدت برای عوامل

ارگانها و سازمانهایی که در روستاها فعالیت دارند و با زنان روستایی در تماس مستقیم هستند

که از آنها به عنوان مدد کار ترویجی استفاده می شود.

۱۴. اختصاص بیش از ۳ میلیارد ریال از سوی وزارت جهاد سازندگی به طرح آموزش و اشتغال

خانگی زنان روستایی از طریق آموزشهای فنی و حرفه ای و ترویج خانه داری، مدیریت خانواده

و توسعه اشتغالات خانگی با تأکید بر تشکلهای اقتصادی زنان روستایی

۱۵. تبادل هیأت های زنان روستایی در قالب برنامه همکاریهای جنوب - جنوب به منظور ارتقاء

سطح آگاهی و آموزش آنان در خصوص فعالیتهای اقتصادی و اجتماعی . در خلال اجرای این

برنامه هیأت هایی از زنان روستایی ایران به پاکستان، مالزی ، چین و ترکیه اعزام شده اند.

## دوم - چالشها، محدودیت ها و موانع

۱. دسترسی محدود به منابع تولیدی و محرومیتهای عرفی از زمینه برخورداری از حق مالکیت

زمین، دارائیهای نقدی، سرمایه و آگاهیهای محدود در به کار گیری بهینه نهاده ها

۲. به کارگیری ابزار سنتی و اولیه در مراحل مختلف تولید و کمبود فن آوریهای تسهیل کننده در

امر تولید

۳. کم سوادی در بین زنان و دختران روستایی فعال در بخش کشاورزی

۴. حضور اندک زنان در تعاونیها و به ویژه تعاونیهای روستایی و مشارکت مردمی و عدم آگاهی آنان نسبت به کارکردهای آن.
۵. حجم بالای مسئولیتهای متعدد تولیدی- بازتولیدی و آمیختگی فعالیتهای خانه داری و جنبی کشاورزی همراه با کار تولیدی.
۶. کمبود برنامه های حمایتی ویژه برای زنان و به ویژه زنان روستایی
۷. وجود فاصله بین دستمزد زنان و مردان در بخش اقتصادی و وجود نابرابریهای جنسیتی در ابعاد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی
۸. به دلیل تعصبات سنتی وقومی، اشتغال زنان در بخشهای مختلف اقتصادی از قبیل فعالیتهای تولیدی کشاورزی در شمال کشور و تولیدات صنایع دستی در استانهای مرکزی و غربی ... بیشتر در قالب غیر رسمی قرار گرفته است.
۹. عدم برخورداری از روحیه اعتماد به نفس لازم زنان برای ایفای نقش مدیریتی
۱۰. محدودیت دسترسی زنان به خدمات و تسهیلات رفاهی، بهداشتی ، آموزشی

### سوم - اقدامات آتی

۱. افزایش اعتبارات خردبرای زنان و به ویژه زنان سرپرست خانوار.
۲. گسترش و حمایت از تشکلهای مردمی، تعاونیهای تولیدی و خدماتی و گروههای یاری گر به منظور ارائه خدمات بیشتر به زنان
۳. تلاش در جهت دسترسی به منابع تولیدی و رفع محرومیتهاى اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

۴. زدودن نابرابریهای جنسیتی در ابعاد مختلف و تلاش در جهت پرکردن فاصله دستمزد زنان و

مردان از بخش اقتصادی

۵. افزایش توان درآمد زایی زنان و ایجاد فرصتهای شغلی جدید از طریق طرحهای درآمد زا.

۶. تسهیل دسترسی پایا، برابر و کنترل بیشتر زنان نسبت به منابع تولید

۷. آموزش در راستای تغییر نگرش مردان نسبت به پایگاه اجتماعی زنان، هویت بخشیدن به نقش

زنان در کارهای تولیدی و تغییر درجهت نگرشها و رویه های تبعیض گرایانه

۸. ایجاد بازارچه های خود اشتغالی به منظور بهبود وضعیت اقتصادی زنان و کاهش فاصله بین

تولید کننده و مصرف کننده

۹. احداث و راه اندازی مجتمعهای آموزش و اشتغال به منظور فراهم سازی زمینه های آموزشی به

افراد با هدف ایجاد زمینه های خود اشتغالی

۱۰. در اختیار گذاردن ابزار و امکانات تولید برای بهبود وضعیت اقتصادی زنان

۱۱. گسترش دامنه فعالیتهای مربوط به تأمین اجتماعی به منظور تحت پوشش قرار دادن کامل

زنان ( اعم از شهی، روستایی و عشایری کشور).

۱۲. بازنگری در سنتهای فرهنگی و اجتماعی که به نام دین و یا تعصبات قومی مانع از گسترش

اشتغال زنان می گردند

۱۳. بازنگری در قوانین و مقررات موجود و اصلاح آنها برای جذب هر چه بیشتر نیروی کار فعال در

جامعه زنان

۱۴. استفاده بیشتر از زنان در سطوح بالای تصمیم گیری در خصوص اشتغال

۱۵. ایجاد هماهنگی میان عرضه و تقاضای نیروی کار زنان با تأکید بر اصل شایسته سالاری در

جذب نیروی کار.

۱۶. طرح حمایت از تأسیس تعاونیهای روستایی زنان شاغلان ۱۰ ساله و بیشتر برحسب وضع شغلی

و جنس در نقاط شهری و روستایی :

آبان ۱۳۷۵ هزار نفر

نقاط روستایی		نقاط شهری		کل کشور (۱)			وضع شغل
زن	مرد	زن	مرد	زن	مرد	مردوزن	
۷۶۶	۴۹۴۵	۹۹۱	۷۸۰۸	۱۷۶۵	۱۲۸۰۶	۱۴۵۷۲	جمع
۶۶۲	۳۹۶۱	۳۰۹	۴۸۰۲	۹۸۰	۸۸۱۴	۹۷۹۴	بخش خصوصی
۷	۱۳۵	۹	۳۷۶	۱۶	۵۱۱	۵۲۸	کارفرمایان
۲۱۹	۲۴۰۸	۱۲۶	۲۴۰۹	۳۴۷	۴۸۵۲	۵۱۹۹	کارکنان مستقل
۱۱۹	۱۰۶۸	۱۳۰	۱۹۴۹	۳۵۰	۳۰۲۱	۳۲۷۰	مزدو حقوق بگیران
۳۱۷	۳۵۰	۴۴	۶۹	۳۶۷	۴۳۱	۷۹۷	کارکنان فامیلی بدون مزد
۷۱	۸۳۴	۶۲۷	۲۷۲۵	۶۹۸	۳۵۶۰	۴۲۵۸	مزدو حقوق بگیران بخش عمومی
۵	۱۵	۴	۳۳	۹	۴۸	۵۷	مزد و حقوق بگیران بخش تعاونی
۲۷	۱۳۵	۵۲	۲۴۸	۷۹	۳۸۴	۴۶۳	اظهار نشده

مأخذ: مرکز آمار ایران

(۱): ارقام مزبور به جمعیت غیر ساکن، فقط در ستونهای مربوط به کل کشور منظور شده است.

## توزیع نسبی جمعیت زنان فعال و غیر فعال از نظر اقتصادی

جمعیت غیر فعال از نظر اقتصادی			جمعیت فعال از نظر اقتصادی			شرح
خانه دار	محصل	جمع	بیکار (۱)	شاغل	جمع	
۷۱	۲۴	۹۰	۲۴	۷۵	۹	مهر ۱۳۷۰
۶۵	۳۰	۹۰	۱۳	۸۷	۹	آبان ۱۳۷۵
۶۳	۳۱	۹۰	۱۵	۸۵	۱۰	۱۳۷۶

مأخذ: مرکز آمار ایران. سالنامه آماری کشور- ۱۳۷۶

(۱): جویای کار

چنانچه نسبت جمعیت زنان فعال و غیر فعال از نظر اقتصادی به کل جمعیت زنان ۱۰ ساله و بیشتر محاسبه شود، در هر یک از سالهای ۱۳۷۰ و ۱۳۷۵ و ۱۳۷۶ بیش از ۹۰ درصد از جمعیت در گروه فعال از نظر اقتصادی و ۹۰ درصد از جمعیت در گروه غیر فعال جای می گیرند. توزیع نسبی جمعیت شاغل و بیکار در گروه جمعیت فعال از نظر اقتصادی نیز بدین ترتیب می باشد.

### جمعیت فعال

درسال ۱۳۷۰ = ۲۴ درصد

درسال ۱۳۷۰ = ۷۵ درصد

درسال ۱۳۷۵ = ۱۳ درصد

**بیکاران**

درسال ۱۳۷۵ = ۸۷ درصد

**شاغلان**

درسال ۱۳۷۶ = ۱۵ درصد

درسال ۱۳۷۶ = ۸۵ درصد

توزیع نسبی جمعیت محصل و خانه دار در گروه جمعیت غیر فعال از نظر اقتصادی نیز بدین ترتیب می باشد.

## جمعیت غیر فعال

درسال ۱۳۷۰ = ۷۱ درصد

درسال ۱۳۷۰ = ۲۴ درصد

درسال ۱۳۷۵ = ۶۵ درصد

### بیکاران

درسال ۱۳۷۵ = ۳۰ درصد

### شاغلان

درسال ۱۳۷۶ = ۶۳ درصد

درسال ۱۳۷۶ = ۳۱ درصد

**نتیجه:** بدین ترتیب ملاحظه می شد که در سال ۱۳۷۶ زنان ۱۴ درصد از کل جمعیت فعال و ۶۹ درصد از کل جمعیت غیر فعال را تشکیل داده اند. به همین ترتیب ۱۴ درصد از کل جمعیت شاغل و ۱۶ درصد از کل جمعیت بیکار و ۴۷ درصد از کل جمعیت محصلان و ۹۹ درصد از کل جمعیت خانه دار را تشکیل داده اند.

همچنین درسال ۱۳۷۶ زنان فعال از نظر اقتصادی ۱۰ درصد و زنان غیر فعال از نظر اقتصادی ۹۰ درصد جمعیت زنان ۱۰ ساله و بیشتر را تشکیل می دهند توزیع جمعیت زنان فعال و غیر فعال از نظر اقتصادی بیانگر ۸۵ درصد شاغل و ۱۵ درصد بیکار در جمعیت فعال و ۳۱ درصد محصل و ۶۳ درصد خانه دار در جمعیت زنان غیر فعال از نظر اقتصادی



## حق انسانی زنان پناهنده ، آواره و مهاجر

### اهداف:

- به تمایز میان پناهندگان آوارگان و مهاجران پی ببرند.
- توضیح دهند که چرا احتمال بیشتری می رود که زنان و کودکان آواره شوند و چرا زنان پناهنده ، آواره و مهاجر ممکن است در برابر حقوق انسانی فوق العاده آسیب پذیر باشند.
- حقوق زنان پناهنده، آواره و مهاجر را تشخیص دهند و به اهمیت حمایت بین المللی از این حقوق و مقررات یا تعهدات کشورهای دریافت کننده و نیز کشورهای مبدأ پی ببرند.
- راههایی ابداع کنند که به وسیله آنها سازمانهای غیر دولتی و سایر نهادهای اجتماعی بهتر بتوانند به کمک زنان پناهنده، مهاجر و زنان ریشه کن شده دیگر بشتابند.
- به اهمیت گنجاندن زنان پناهنده و آواره در طرح و برنامه های کمکهای انسان دوستانه واقف شوند.
- همبستگی میان نیروهای اقتصادی و استثمار زنان مهاجر را شرح دهند.

### شروع به حرکت: اندیشیدن درباره زنان ریشه کن شده

هرکسی ممکن است از ریشه های خود برکنده شود اما زنان فوق العاده آسیب پذیرند، مردم به دلایل متعددی خانه و کاشانه خود را ترک می کنند:-

- جنگ و انواع دیگر خشونت، نا آرامی و بی ثباتی اقتصادی. مثلاً از سال ۱۹۹۱ که جنگ داخلی در سومالی آغاز شد تقریباً یک چهارم جمعیت گریخته اند، -/۳۰۰/۰۰۰ تن از اینان به کنیا

پناه برده اند و صدها تن از زنان در اردوگاههای استانهای شمال شرقی آن کشور مورد تجاوز به عنف قرار گرفته اند.

- موارد نقض حقوق بشر، زنان ممکن است برای در امان ماندن از شر رسوم و سنتهای اجتماعی که برای زندگی و تندرستی آنان خطرناکند از قبیل ختنه دختران، عروس کردن کودکان، شوک درمانی و ... از کشور خود بگریزند. همچنین زنانی که در زمینه تأمین حقوق بشر فعالیت می کنند بعضاً با مخاطرات و خشونتهایی مواجه هستند که آنان را به گریختن و نجات دادن زندگی خویش و اعضای خانواده شان وا می دارد.

- شرایط اقتصادی فیرانه و یا نداشتن شغل مناسب در سطح جهان، اکنون زنان اکثریت کارگران مهاجری را تشکیل می دهند که ناگزیرند در خارج از کشور خویش در پی یافتن کار برآیند.

- ناتوانی بازار برای فراهم آوردن امکانات رشد پایدار، هنگامی که اروپای مرکزی و شرقی و کشورهای تازه مستقل منطقه به شدت از یک نظام کمونیستی کنترل شده- که اشتغال در آن تضمین شده بود- به اقتصاد آزاد و رها از نظرات دولت تغییر جهت دادند، بسیاری از زنان کارگر ماهر و تحصیل کرده - نتوانستند شغلی برای خود بیابند که دستمزد بخور و نمیری برایشان تأمین کند و نیز با تبعیضهایی علیه زنان در محل کار مواجه بودند که دولت در موردشان اغماض می کرد.

- زجر دیدن به سبب دین، نژاد، گروه قومی یا عقاید سیاسی، نمونه ها مشتملند بر خشونت با یهودیان و یهود ستیزی در اتحاد شوروی سابق، خشونت با روماها یا کولیان در اروپای مرکزی و شرقی، خشونت با مسلمانان در برمه و خشونت با مسیحیان در سودان

- بلایای طبیعی مثلاً سیل، زلزله و مصایب دیگری که میلیونها تن را ناگزیر می سازند که برای یافتن پناهگاه، ایمنی و کار از جایی به جایی دیگر بروند.

## تعریف اصطلاحات

**پناهندگان:** کسانی هستند که از ترس آزارها و اذیتهای مبتنی بر برخی از موجبات یا دلایل محدود ناگزیر می شوند که کشور زادگاه خویش را ترک گویند.

**آوارگان:** کسانی هستند که برای گریختن از آزار و اذیت خانه هایشان را ترک می گویند اما در وطن خویش می مانند.

**مهاجران:** کسانی هستند که بنابر دلایل اقتصادی یا به دلایلی که در تعریف محدود پناهنده نمی گنجد کشورشان را ترک می گویند.

زنان در همه این دسته های سه گانه با مسایل مشترکی مواجهند، از قبیل تبعیض و نداشتن استقلال قانونی . با این حال موقعیت آنان از چندین جهت بسیار مهم با یکدیگر تفاوت دارد:

۱. زنان مهاجر ممکن است در کشور زادگاه خویش از حمایت قانونی برخوردار باشند، در حالی که زنان پناهنده و آواره برخوردار نیستند.

۲. به علاوه معاهدات بین المللی- هرچند ناقص - برای حمایت از پناهندگان وجود دارند اما معاهده بین المللی در مورد مهاجران فقط بین چند کشور به امضاء رسیده است و هیچ معاهده ای برای حمایت از آوارگان وجود ندارد.

۳. وانگهی در مورد اشخاصی که در داخل کشور آواره شده اند خود حکومتی که موجب آوارگیشان بوده است غالباً مسئولیت عمده را برای حمایت از آنها برعهده دارد.

## تعریف پناهنده

تعهدات هر دولت در برابر پناهندگان را در معاهده عمده ای در زمینه پناهندگان با عنوان کنوانسیون ۱۹۵۱ راجع به وضعیت پناهندگان و پروتکل الحاقی ۱۹۶۷ آن می توان یافت. در این کنوانسیون پناهنده<sup>۱</sup> به کسی گفته می شود که :

- از خارج کشور اصلی باشد.
- ترس بجایی از آزار و تعقیب خود داشته باشد.
- از تعقیب و آزار خود به دلیل نژاد، ملیت، عضویت در یک گروه اجتماعی یا عقاید سیاسی خاصی بیم داشته باشد .

پناهندگانی که بتوانند ثابت کنند که مشمولین سه ضابطه اند و معمولاً پناهندگان پیمان نامه ای<sup>۲</sup> نامیده می شوند. غالباً از مزایای بیشتر و حمایت جدی تر قوانین بین المللی برخوردار می شوند این کنوانسیون صراحتاً از جنسیت در فهرست دلایل خود نامی نبرده است. کمیساریای عالی سازمان ملل در امور پناهندگان (UNHCR) مقام درجه اول سازمان ملل است که از حقوق پناهندگان حمایت و آنها را تأمین می کند. اگرچه حوزه اصلی اختیارات (UNHCR) در برابر پناهندگان پیمان نامه ای محدود است اما عملاً بیش از پیش به همه کسانی یاری رسانده است که از جنگ آسیب دیده اند، خواه واجد شرایط پناهندگی بر طبق کنوانسیون پناهندگان بوده باشند یا نباشند.

## تعریف پناهنده، گام به گام

-گام اول:

### خارج از کشور اصلی

شخصی که تقاضای پناهندگی می کند باید ثابت کند که از مرزهای کشور گریخته است. اگر خانه اش را ترک کند اما در کشورش باقی مانده باشد، پناهنده به شمار نمی رود بلکه آواره است.

-گام دوم:

### ترس بجا از تعقیب و آزار

#### ۱. اثبات آزار

فردی که تقاضای پناهندگی می کند باید به اثبات برساند که خود او تحت تعقیب است و یا از تجربه اشخاص دیگری که در موقعیتهای مشابهی دارند عقلاً بیم آن می رود که در تحت تعقیب یا در معرض آزار قرار گیرد. تعریف آزار کار ساده ای نیست. شکنجه، تجاوز به عنف در موقعیتهای جنگ و درگیر، آبستنی اجباری و تبعیض شدید جنسی (در صورتی که به پیامدهای فوق العاده زیان آوری برای شخص بیانجامد) را مسلماً می توان نوعی آزار به حساب آورد

#### ۲. اثبات رابطه با دولت

آزار باید عملی باشد که دولت یا کسی که به عنوان عامل دولت عمل می کند مرتکب شده باشد. هرگاه یک شخص حقیقی عمل زیان بخشی مرتکب شود، عمل او برطبق معاهده پناهندگان فقط در صورتی آزار به شمار خواهد آمد که بتوانید وجود ارتباطی قوی میان آن شخص حقیقی و دولت را به اثبات

رسانید. برطبق اظهار نظر (UNHCR)، حضور عمل دولت را در جایی می توان مجسم کرد که یک بخش از جمعیت بر بخش دیگری از جمعیت صدمه ای شدید وارد آورد و اولیای امور نخواهند یا نتوانند از آن امر جلوگیری کنند.

-گام سوم:

## موجبات آزار

نشان دادن ترس از آزار کافی نیست. ترس باید بر دلایل یا موجبات آزار مشخصی مبتنی باشد و تعقیب یا آزار باید با دلایل مطرح شده در کنوانسیون فوق الذکر وابستگی داشته باشد. برخی از فعالان درصددند که جنسیت را صریحاً به عنوان یکی از موجبات آزار بر مقررات بیفزایند. عده ای دیگر اقدام را لازم نمی دانند زیرا زنان معمولاً می توانند بر اساس موجبات دیگری که ذکر شده اند تقاضای پناهندگی نمایند.

دلیل دیگر آن است که جنسیت را می توان در تعریفی که از پناهنده در کنوانسیون ذکر شده است استنباط کرد و مثلاً زنان را در مقوله گروه اجتماعی جای دارد.

## تجربه

- افسردگی، ناامیدی و احساس بدبختی
- شکاف در ارتباطات انسانی
- خصومت، خشونت و تبعیض در کشور میزبان یا منطقه میزبان
- فقدان مصونیت از خشونت و انواع دیگر بدرفتاری و استثمار
- ناتوانی در پیدا کردن کار

- تغییر در روابط خانوادگی در اثر بی ریشگی
- عدم دسترسی به اساسی ترین چیزهایی که برای زندگی روزمره مورد نیازند
- عدم دسترسی به مراقبت بهداشتی و خدمات دیگر
- ناتوانی برای اثبات وضعیت پناهندگی و رسیدگیهای غیر دلسوزانه برای روشن کردن وضع پناهندگان سیاسی

- شناخته نشدن به عنوان موجوداتی مستقل و دارای قابلیت کامل قانونی

## بازگرداندن اجباری

دهه بازگرداندن در سال ۱۹۹۹ به وسیله UNHCR آغاز شد. در این مدت قرار شد که ۱۰ میلیون پناهنده، اکثراً زنان و کودکان، به کشور اصلی خود باز گردند. این زنان پناهنده آماده نیستند که نه تنها وظایف طاقت فرسای بازسازی زندگی از هم پاشیده خود را برعهده گیرند بلکه در بازسازی جامعه های پریشان از جنگ نیز نقشی نخواهند داشت.

حکومتها در صورتی می توانند حقوق انسانی زنان پناهنده را ارتقاء بخشند که :

(سناریوهای امید بخش )

- دخالت دادن زنان پناهنده در طراحی و اجرای همه برنامه هایی که به آنان مربوط می شود.
- استخدام کارکنان زن در زمینه خدمات پشتیبانی و مددکاری اجتماعی
- ترتیب مشاوره های دلسوزانه مرتبط با جنسیت
- حمایت از عملیات تلفنهای قرمز SOS و خانه های امن برای زنان پناهنده

- فراهم آوردن امکاناتی در جهت اسکان مجدد اضطراری برای زنان پناهنده ای که ممکن است فوق العاده در معرض بدرفتاری قرار داشته باشند.
- برقرار ساختن سازوکارهای موثر برای اجرای قانون
- تضمین اینکه زنان پناهنده مجبور نباشند دوره های طولانی در اردوگاههای بسته یا در مرکز بازداشتگاهی که در آن جا احتمال بیشتری می رود که قربانی خشونت شوند، باقی بمانند.
- گنجاندن اطلاعاتی درباره زنان پناهنده در تمامی فعالیتهای آموزشی که در برنامه های پناهندگان به اجرا در می آید.
- تدارک دوره های کار آموزی در زمینه رعایت نکته های مرتبط با جنسیت برای نگهبانان مرزی کشور میزبان، پلیس، واحد های نظامی، مأموران اداره مهاجرت و پناهندگی ، کارکنان امدادسانی و...
- اصلاح طرح اردوگاههای پناهندگی تا بر طبق نیازهایی که از طرف زنان پناهنده اعلام می شود امنیت بیشتری تأمین گردد ( تأمین روشنایی بیشتر، گشت زنیهای امنیتی، انطباق سازیهای خاص در مورد زنان مجرد و زنان سرپرست خانوار و ... )
- به کار گماردن کارکنان بین المللی که دوره های کارآموزی در زمینه رعایت نکته های مرتبط با جنسیت را گذرانیده باشند در نواحی مرزی و نیز در مرکز پذیرش ، اردوگاههای پناهندگی و محل سکونت،



## حقوق انسانی زنان مهاجر

- علل ترک موطن اصلی به منظور جست و جوی کار: مهاجرت با هدف جستجوی مشاغل بهتر و درآمدهای بالاتر بیش از پیش توجه را به این نکته جلب کرده است که اقتصاد در عصر حاضر که به صورت جهانی درآمده است موجب سهولت حرکت سرمایه ها، کالاها و افراد آدمی میشود. نیروهای قدرتمند اقتصادی مهاجران را به سکونت یا رفتن برای کار در کشورهای خاص می کشانند. بسیاری از کشورها فعالانه نیروی کار ارزان قیمت و غیر ماهری را به استخدام می گیرند تا مشاغلی را انجام دهند که شهروندان خود آن کشورها را کثیف ، خطرناک و تحقیر آمیز می انگارند.

- تأثیرات مهاجرت مهاجران کارگران داخلی بر کشور گیرند و فرستنده: دولتهای فرستنده و گیرنده نقشی در تشویق مهاجرت ایفا می کنند. برخی از دولتهای فرستنده از حق الزحمه ها و مالیاتهای گردآوری شده و نیز حواله هایی که به کشورشان ارسال می شود بهره مند می شوند. دولتهای گیرنده نیز از سرازیر شدن نیروی کار ارزان نفعی می برند و درموردی چند زنان تحصیلکرده خود را از پیوستن به نیروی کار (در کشورهایی که این کار مجاز است) معاف می سازند.

## کارگران خانگی

کارگران خانگی به ندرت تحت پوشش قوانینی هستند که از شهروندان حمایت می کند و با این حال از آنان انتظار می رود که با فرهنگ کشور میزبان خود هم‌رنگ شوند و یا پیامدهایش را تحمل کنند. موارد متعددی وجود دارد که این کارگران به دست کارفرمایان خویش به قتل می رسند یا از فرط درماندگی اقدام به خودکشی می کنند و یا در معرض انواع خشونت‌های جسمی ، جنسی و روانی قرار می گیرند و...

### عوامل موثر در نقص حقوق انسانی زنان مهاجر

- افزایش بیگانه هراسی و نژادپرستی
- خشونت درخانه یا در محل کار یا در خیابانها
- ناتوانی از دسترسی به قوانین محلی یا اجرای قانون برای محفوظ ماندن از خشونت‌های خانگی
- قوانینی در مورد مهاجرت که به کتک زندگان یا کارفرمایان بدرفتار امکان می دهد که زنان را به اخراج از کشور تهدید کنند.
- عدم کنترل بر شرایط زیست و کار
- قوانین تبعیض آمیز
- مزد اندک ، ساعات طولانی و نامنظم کار ، غذای ناکافی
- مصادره غیر قانونی گذرنامه و ناتوانی در ترک کشور با روایت خروج یا اجازه کارفرما
- اسارت بدهکاری به کارفرما، کارگزار یا رباخوار محلی در وطن برای پرداختی مخارج سفر
- بی اطلاعی از زبان و رسوم و قوانین کشور
- مجال ناچیز برای اصلاح فرصت‌های شغلی

- دسترسی محدود یا عدم دسترسی به مستمربهای دولتی موجود
- عدم همبستگی یا سایر گروههای زنان یا گروههای تغییر اجتماعی
- سیاستهای استثمار گرانه اقتصاد کشورهای گیرنده و فرستنده

## وضعیت زنان پناهنده و مهاجر در آیین آمار و اطلاعات

- بیش از ۸۰ درصد پناهندگان جهان را زنان و کودکان تشکیل می دهند.
- ۲۰ میلیون تن در کشورهای خود از خانه های خویش آواره شده اند.
- در ۱۹۹۵ در سرشماری کشوری که اشخاصی به آنجا مهاجرت کرده اند. نام بیش از ۱۰۶ میلیون مهاجرت ثبت شده اند.
- زنان نیمی از مهاجران به کشورهای توسعه یافته و ۴۳ درصد مهاجران به کشورهای روبه توسعه را تشکیل می دهند.
- پناهندگان برمه ای در تایلند اجازه ندارند که فرزندانشان را به مدرسه بفرستند و صاحبخانه های تایلندی مایل نیستند که اتاقها یا خانه هایشان را به آنان اجاره دهند.
- گروههای حقوق بشر موارد مستندی را درباره زنان پناهنده یا مهاجر در دست دارند که مورد تهاجم یا هجوم جنسی نگهبانان مرزی یا نیروهای امنیتی قرار گرفته اند.
- زنان پناهنده و مهاجر در همه مراحل آسیب پذیرند: در هنگام فرار، در کشور پناه دهنده و در بازگشت به میهن به ویژه زنان و دختران بدون همراه و آن هم غالباً از طرف نیروهایی که گمان می رود باید مدافع و حامی آنان باشند.

- در کرواسی که ۸۰٪ از ۳۸۰/۰۰۰/- نفر پناهنده را زنان تشکیل می دهند، زنان اجازه کار کردن را ندارند و در وابستگی مطلق به کمکهای ناچیز انسان دوستانه روزگار می گذرانند.
- در اروپای شرقی اکثر زنانی که جزء اولین اخراج شدگان از موسسات به تازگی خصوصی شده در کشورهای کمونیستی سابق بوده اند، هیچ راه چاره ای ندارند جز آن که به عنوان بازرگان، کارگر مهاجر و یا روسپی به خارج از کشور بروند.
- اکنون تعداد زنان کارگر مهاجر از تعداد مردان بیشتر است و اکثر آنان یا به کارهای زنانه سنتی از قبیل خانه داری و بچه داری اشغال می ورزند و یا در نهایت به کسب و کار سودآور و خفت بار مخصوص زنان و دختران در صنعت سکس و هرزه نگاری روی می آورند.

### حقوق انسانی زنان پناهنده و مهاجر در اسناد بین المللی

- کارپایه عمل پکن ( مصوب چهارمین کنفرانس جهانی زن ۱۹۹۵):

در این سند در بخش مربوط به زنان و مناقشات مسلحانه - که یکی از ۱۲ حوزه نگران کننده برای زنان معرفی شده است و در یکی از اهداف استراتژیک آن به تأمین حمایت، مساعدت و پرورش برای زنان پناهنده ، دیگر زنان آواره نیازمند حمایت بین المللی و زنان آواره داخلی اشاره شده است و در بند ۱۳۳ آن آمده است :

✓ زنان پناهنده ناگهان با سنگینی فزاینده فشار کار در خانواده که در نتیجه کشمکش به نحو غیر منتظره ای بر دوش زنان به عنوان یگانه مدیر خانواده، یگانه والد و مراقب خویشاوندان سالمند گذاشته شده است مواجه می شوند.

در بند ۱۳۶ سند پکن اشاره شده است:

✓ آنگاه که تقاضای پناهندگی برپایه آزارهایی استوار باشد که به جنسیت مربوط می شوند، زنان غالباً از نظر این که پناهنده شناخته شوند در کشور پناهگاه با دشواریهایی دست به گریبانند.

بند ۱۳۷:

✓ قدر روحیه انعطاف پذیر و قدرتی که زنان پناهنده را در برابر آوارگی و تغییر مکان از خود به ظهور می رسانند هرگز شناخته نشده است. لازم است عقاید زنان در تصمیم گیریهایی که بر آنها موثرند از جانب نمایندگان به گوشها برسند از جمله پیش از آنکه درگیریها نیاز به گریختن را در جوامع پدید آورد. زنان باید در جریانهای مربوط به پیشگیری از درگیریها دخالت داده شوند.

بند ۱۱۶:

✓ زنان مهاجر در برابر خشونت فوق العاده آسیب پذیرند و باید از حقوق انسانی خویش و سازوکارهایی که در دسترس آنان است آگاهی یابند.

در بند K ۵۸ این سند آمده است که دولتها باید تحقق کامل حقوق انسانی زنان مهاجر از جمله کارگران و حمایت از آنان در برابر خشونت استثمار را تضمین کنند. اما در این توصیه فقط از اقداماتی برای توانمند ساختن زنان مهاجری که مدارک قانونی دارند نام برده شده است و نه کارگران فاقد مدارک و اوراق.

#### • کنوانسیون سازمان ملل در مورد حمایت از حقوق کارگران مهاجر (مصوب ۱۹۷۵):

این کنوانسیون حمایتهای جامعی را شامل می شود اگرچه بر الگویی در مورد کارگران مهاجر مرد مبتنی است لیکن دولتهای انگشت شماری آن را تصویب و امضاء کرده اند.

- در سال ۱۹۹۳ در « در دادگاهی بین المللی برای رسیدگی به موارد نقض حقوق انسانی زنان » که در حاشیه دومین کنفرانس جهانی حقوق بشر در وین برگزار شده بود، مطرح شد که خشونت خانگی جزء دلایل پناهندگی پذیرفته شود.
- **گروه کاروین** ( متشکل از ۷۰ سازمان غیر دولتی اروپا) در اکتبر ۱۹۹۳ در وین تشکیل جلسه داد و حقوق زیر را برای زنان پناهنده و مهاجر و آواره در نظر گرفت:
  - حق بازپیستن به خانواده که زنان در آن استقلالشان را حفظ کنند.
  - حق بازگشت بی دردسر به وطنشان
  - حق رهایی از خشونت در فرار و در کشورهایی که امکانات حمایتی را فراهم می آورند و ضمن بازگشت به وطن، اگر بازگشت امکان پذیر باشد.
  - حق بهره مندی از دادرسیهای منصفانه، مناسب و آمیخته با دلسوزیهای مرتبط با جنسیت
  - حق در امان بودن از نژاد پرستی، تبعیض و مزاحمت
  - حق کارکردن در محیط سالم و برکنار از استثمار اقتصادی و جنسی
- کنوانسیون ۱۹۵۱ راجع به وضعیت پناهندگان و پروتکل الحاقی ۱۹۶۷ آن
- توصیه ها و اقدامات کمیسیاری عالی سازمان ملل در امور پناهندگان (UNHCR)

## در سطح ملی

در حال حاضر طبق آمارهای رسمی وزارت کشور قریب به ۲ میلیون پناهنده در ایران حضور دارند که عمدتاً از کشورهای افغانستان و عراق می باشند. کمتر از ۵ درصد از پناهندگان در اردوگاهها هستند و بیش از ۹۵ درصد آنان در خارج از اردوگاهها زندگی می کنند. طبق گزارشهای کمیسیاریای عالی پناهندگان سازمان ملل ۸۰ درصد پناهندگان را زنان و کودکان تشکیل می دهند.

باتوجه به آنکه یکی از مشکلات زنان پناهنده در سطح جهان مشکلاتی است که به جنسیت آنها مربوط می شود، می توان اذعان نمود که به دلیل اعتقادات و باورهای اسلامی، فرهنگی و سیاسی در ایران، زنان پناهنده از این حیث از امنیت برخوردار هستند و به عبارتی مشکل زن پناهنده همان مشکل مرد پناهنده است.

اخذ شناسنامه و تابعیت از جمله مشکلات کودکانی است که مادران ایرانی آنان بدون اجازه رسمی دولت ایران با اتباع خارجی ( به ویژه پناهندگان ) ازدواج کرده اند. بسیاری از کودکانی که پدر آنها افغانی و مادرشان ایرانی است فاقد شناسنامه اند و پناهنده تلقی می شوند و در صورتی که ازدواج والدین آنها رسماً ثبت و شناسایی نشود این کودکان بدون هویت و تابعیت باقی خواهند ماند.

در مورد آوارگان، طی مطالعه ای که پیرامون وضعیت بچه های خیابان در تهران به دست آمده است حاکی از آن است که ۶۰٪ بچه های خیابان که در بین آنها دختران نیز دیده می شوند از مهاجرین هستند که از شهرهای دیگر وارد تهران شده اند.

ایران با اینکه از کمکهای خارجی قابل توجهی برخوردار نیست اما در زمینه برخورد با بار سنگین پناهندگان اقدامات شایان توجهی را انجام داده است. از کل بودجه کمیسیاریای عالی سازمان ملل و

امور پناهندگان برای سال ۱۳۷۶، حدود ۲۶٪ از کل اعتبارات اختصاص یافته به ایران توسط کمیسیاریای عالی در سال ۱۳۷۶ برای پناهندگان خارج از اردوگاهها هزینه شد. اجرای برنامه های اشتغال زایی، آموزش بهداشت باروری با تأکید بر تنظیم خانواده، طراحی و اجرای برنامه های آموزشی شامل حمایت از مدارس غیر رسمی، تجهیز کتابخانه و ... و حمایت از تأسیس سازمانهای غیر دولتی پناهندگان و آوارگان زن از جمله اقداماتی می باشد که در جهت احقاق حقوق انسانی زنان پناهنده صورت گرفته است. اما ارائه یک برنامه تأمین حداقل نیاز خانواده های پناهنده تا زمانی که بتوانند به وطن خود بازگردند، هنوز یکی از چالشهای مهم است.

در نتیجه نگرش مسئولان ایران نسبت به مسئله پناهندگان، فقط حدود ۴٪ آنان ساکن اردوگاهها هستند و اکثر پناهندگان در شهرها و روستاهای سرتاسر کشور زندگی می کنند و به کارهای موقتی اشتغال دارند، با این وجود بالا رفتن نرخ بیکاری و افزایش جمعیت جوان به بروز مشکلاتی در بازار کار منجر شده است، لذا نگرش فوق گاه تحت تأثیر فشار بر پناهندگان برای بازگشت به کشور خود قرار گرفته است. به نظر می رسد همکاری تنگاتنگ با برنامه های کمیسیاریای عالی پناهندگان و برنامه جهانی غذا ( که از جمله کمکهای آن جیره ماهیانه ای است که در ۲۹ اردوگاه مورد شناسایی کمیسیاریای عالی پناهندگان و اداره امور اتباع و مهاجرین خارجی به حدود -/۸۸/۰۰۰ پناهنده تعلق می گیرد و به پناهندگانی که به افغانستان باز می گردند نیز ۵۰ کیلوگرم گندم جایزه می دهد که تاکنون -/۶۶۰/۰۰۰ نفر از آن بهره مند شده اند و برنامه دیگری که در آن به دختران پناهنده ای که در مدارس ابتدایی شرکت می کنند روغن می دهد، در دست اقدام دارد) و تقویت فعالیتهای سازمانهای



غیر دولتی که در حال حاضر در زمینه بهداشت و درمان آموزش کودکان افغانی ساکن ایران و خانواده های آنان کار می کنند، همچنان ضرورت دارد.

## حق انسانی زنان در خانواده

کلیات : تعریف واژه های مورد نظر

**الف : حقوق انسانی:** همه افراد بشر به دلیل انسان بودن دارای حقوق و آزادیهایی هستند . برخورداری از این حقوق و آزادیها به حیثیت ، عقیده، نژاد، رنگ و جنس و ... آنان ارتباطی ندارد زیرا همه انسانها در انسانیت مشترک و مساوی بوده و تفاوتی با یکدیگر ندارند.

**حقوق و آزادیهای انسان شامل موارد زیر است:**

حق حیات، آزادی و امنیت فردی، آزادی از بردگی، آزادی فکر، مذهب، عقیده و بیان، حق کار، حق برخورداری از سطوح زندگی مناسب، حق مالکیت، حق ازدواج و تشکیل خانواده و... این موارد را حقوق بشر یا حقوق انسانی نام نهاده اند.<sup>۱</sup>

**ب : خانواده:** خانواده از دیدگاههای مختلف جامعه شناسی، حقوقی و... تعریف شده است. از نظر جامعه شناسی ، خانواده گروهی است اجتماعی و متشکل از افرادی که دارای روابط سببی ( زن و شوهر)، احیاناً نسبی و گاه فرزند پذیری با یکدیگرند.<sup>۲</sup> ویژگی اساسی خانواده تداوم زمانی و مشروعیت اجتماعی آن است. در همه زمانها خانواده واحد مشروع تولید مثل به حساب می آید.

از نظر حقوقی ، خانواده به معنای عام و گسترده اش عبارت است از گروهی از افراد که از یکدیگر ارث می برند و مرکب از شخص و خویشان نسبی و همسر او است. در معنای خاص یا خانواده هسته ای، عبارت از زن و شوهر و فرزندان تحت سرپرستی آنها که معمولاً با هم زندگی می کنند تحت ریاست

<sup>۱</sup> کتب حقوق اساسی و فقه سیاسی از جمله حقوق اساسی دکتر سید محمد هاشمی

<sup>۲</sup> مقدمه ای بر جامعه شناسی خانواده- ساروخانی، باقر، ص ۱۴۳

شوهر و پدر هستند.<sup>۳</sup> در اسناد بین المللی هم خانواده رکنی طبیعی و اساسی اجتماعی است که باید مورد حمایت جامعه و دولت قرار گیرد.<sup>۴</sup>

## گفتار اول: بررسی روند تشکیل خانواده ( از نامزدی تا انعقاد عقد)

به منظور تشکیل خانواده ازدواج صورت می گیرد که هرچند از نظر ماهونی تقریباً اهدافی مشابه دارد (تشکیل خانواده، ارضا غرایز مادی و معنوی انسانی و تداوم نسل) اما از نظر شکلی تنوع دارد. تفاوت فرهنگی و آداب و رسوم ملل و اقوام مختلف از مهمترین دلایل این تنوع است. در زمینه ازدواج باید توجه نمود که فرهنگ و سنن جامعه نقشی به مراتب مهمتر از قانوندارد. در انتخاب همسر، چگونگی اجرای مراسم، شرایط عقد و... ( خواه فرهنگ ملی و قومی و خواه فرهنگ مذهبی ) دخالت قانونگذار در امر ازدواج تنها درمورد حفظ حقوق افراد، نظم عمومی و اخلاق حسنه جامعه است. برای شناسایی فرهنگ ازدواج می توان تمرین زیر را اجرا نمود:

### موضوع تمرین: دختر در منطقه محل زندگی شما

### در چه سنی با چه شرایطی و چگونه ازدواج می کند؟

هدف: شناسایی فرهنگ ازدواج و تطبیق آن با حقوق

مدت : ۳۰ دقیقه : ۱۵ دقیقه برای پاسخگویی به سئوالات و جمع بندی نظرات

۱۵ دقیقه برای تطبیق فرهنگ موجود با زمینه های حقوقی

نتیجه : شناسایی مغایرتها و ارائه پیشنهادات برای اصلاح ساختار اجتماعی

<sup>۳</sup> مختصر حقوق خانواده - صفایی - امامی صص ۱۳ و ۱۴

<sup>۴</sup> بند ۳ ماده ۱۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر و ماده ۲۳ میثاق حقوق مدنی - سیاسی و ماده ۱۵ اعلامیه حقوق بشر اسلامی

## سؤالات مطرح شده :

**الف:** سن ازدواج دختر و پسر؟

**ب :** چگونگی انتخاب همسر؟

۱- توسط خود طرفین و به صرف رضایت آنها

۲- توسط والدین و کسب رضایت طرفین

۳- توسط بزرگ فامیل و صرفاً در محدوده منطقه محل زندگی و با آشنایی قبلی

۴- و....

**ج :** چگونگی اجرای مراسم؟

**د :** شرایط ازدواج

۱. داشتن جهیزیه

۲. گرفتن شیربها

۳. تعیین مهر و ...

**نکات قابل طرح:**

۱. تطبیق هر مورد با موارد قانونی

۲. تطبیق هر مورد با موازین شرعی و مذهبی

۳. تطبیق هر مورد با مفاد کنوانسیونهای بین المللی

## ضمائم مربوط به تمرین:

### ۱- قانون مدنی

#### الف: سن ازدواج

ماده ۱۰۴۱- نکاح قبل از بلوغ ممنوع است.

تبصره: عقد نکاح قبل از بلوغ با اجازه ولی و به شرط رعایت مصلحت مولی علیه صحیح می باشد. (توضیح اینکه در آبان ماه ۱۳۷۹ مجلس شورای اسلامی ازدواج دختر زیر ۱۵ سال و پسر زیر ۱۸ سال را منوط به کسب اجازه از دادگاه کرد که شورای نگهبان آن را خلاف شرع شناخت).

ماده ۱۲۱۰ - هیچکس را نمی توان بعد از رسیدن به سن بلوغ به عنوان جنون یا عدم رشد محجور نمود مگر آن که عدم رشد یا جنون او ثابت شده باشد.

تبصره ۱- سن بلوغ: در پسر پانزده سال تمام قمری و در دختر نه سال تمام قمری است.

توضیح: طبق ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی حد اقل سن ازدواج در قانون، سن بلوغ است که در مورد دختر بسیار پایین است و با موازین شرعی و طبیعی منطبق نیست.

تبصره ۲- موازین شرعی: بین فقها، اختلاف نظر وجود دارد. فقهای معاصر ( آیت الله العظمی

صانعی - آیت الله موسوی بجنوردی - آیت الله جناتی و... ) نظر داده اند که باید سن طبیعی

بلوغ را در شرایط فعلی جامعه در نظر گرفت ( ۱۳ سال برای دختر و یا سنی که دختر در آن

عادت ماهیانه می شود. ) در مورد سن بلوغ مبنای قرآنی وجود ندارد پس می توان قانون را بر

مبنای نظر فقهای معاصر اصلاح نمود.

تبصره ۳- کنوانسیونهای بین المللی

- کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان

ماده ۱۶ - بند ۲: نامزدی و ازدواج یک کودک از نظر قانون دارای اعتبار قانونی نمی باشد و

کلیه تدابیر ضروری شامل وضع قانون برای تعیین حداقل سن به هنگام ازدواج و اجباری

نمودن ثبت ازدواج در دفاتر رسمی باید اتخاذ گردد.

- کنوانسیون حقوق کودک:

ماده ۱: کودک یعنی هر انسان زیر ۱۸ سال مگر این که بر طبق قانون مربوط به کودک سن

بلوغ کمتر باشد.

تذکر مهم: کودک مورد نظر کنوانسیون کسی است که به مرحله بلوغ و رشد نرسیده ( تعبیر

فقهی محجور)

- کنوانسیون رضایت در خصوص ازدواج ، حداقل سن برای ازدواج و ثبت آن ( مصوب ۱۹۶۲)

- ماده ۲: تعیین حداقل سن ازدواج

ب : چگونگی انتخاب همسر

۱. قانون

ماده ۱۰۶۲: نکاح واقع می شود به ایجاب و قبول به الفاظی که صریحاً دلالت بر قصد

ازدواج می کند.

ماده ۱۰۷۰: رضای زوجین شرط نفوذ عقد است و هرگاه مکره بعد از زوال کره عقد را

اجازه کند نافذ است مگر اینکه اکراه به درجه ای بوده که عاقد فاقد قصد باشد.

ماده ۱۰۴۳: نکاح دختر باکره اگرچه به سن بلوغ رسیده باشد موقوف به اجازه پدر یا جد پدری او است و هرگاه پدر یا جد پدری بدون علت موجه از دادن اجازه مضایقه کند، اجازه او ساقط و دختر در این صورت می تواند با معرفی کامل مردی که می خواهد با او ازدواج نماید و شرایط نکاح و مهری که بین آنها قرار داده شده، پس از اخذ اجازه از دادگاه مدنی خاص به دفتر ازدواج مراجعه و نسبت به ثبت ازدواج اقدام کند.

- تذکر مهم: بررسی جنبه حمایتی ماده ۱۰۴۳ از دختران

۲. رعایت موازین شرعی

- استقلال در انتخاب سرنوشت: در روایت آمده است: دختری نزد رسول خدا ( ص ) آمدوا ز پدرش شکایت کرد به این دلیل که قصد دارد او را به عقد برادرزاده خود در آورد حضرت فرمودند اگر او را دوست نداری اختیار با خودت است برو و هرکس را خودت دوست داری به شوهری انتخاب کن ( به نقل از مسالک و جواهر الکلام - باب نکاح)

استقلال حضرت زهرا ( س ) در انتخاب همسر - ممنوعیت نکاح شغار یعنی معاوضه کردن دختران (

۳. کنوانسیونهای بین المللی

کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان :

ماده ۱۶- بند الف: حق یکسان برای انعقاد عقد ازدواج

بند ب : حق یکسان در انتخاب همسر و انعقاد عقد ازدواج فقط با رضایت کامل و آزادانه

آنها کنوانسیون رضایت در خصوص ازدواج- حداقل سن ازدواج و ثبت آن

ج : شرایط ازدواج

داشتن جهیزیه و گرفتن شیربها در هیچ یک از مواد قانونی نیامده است و تنها در مورد تعیین مهریه بنای تراضی طرفین حکم شده است.

ماده ۱۰۸۱ : تعیین مقدار مهر منوط به تراضی طرفین است

ماده ۱۰۸۲: به مجرد عقد، زن مالک مهر می شود می تواند هر نوع تصرفی که بخواهد در آن بنماید.

### گفتار دوم: حقوق و تکالیف زوجین در دوران زندگی مشترک

ازدواج موجب می شود که طرفین رابطه ای اخلاقی - حقوقی با یکدیگر پیدا کنند. این رابطه طبیعتاً حقوق و تکالیفی برای هر یک از طرفین ایجاد می کند که بعضی مشترک است و بعضی مختص هر یک از زن و شوهر. هر چند بلافاصله باید یادآور شد که در مجموع حقوق و تکالیف زوجین در جهت تحکیم خانواده و جهت دهی روابط عاطفی - انسانی طرفین از یک سو و روابط مالی آنها از سوی دیگر است. حقوق و تکالیف یکسان مشترک و مختص را می توان به صورت زیر تقسیم بندی نمود:

#### حقوق و تکالیف یکسان و مشترک

۱. حسن معاشرت
۲. همکاری و تحکیم مبانی خانواده
۳. سکونت مشترک
۴. وفاداری
۵. استقلال مالی



## حقوق و تکالیف مختص

شوهر نسبت به زن: ریاست خانواده، انفاق

زن نسبت به شوهر: تمکین که شامل تمکین عام ( لزوم اطاعت از همسر در موارد انجام امور شخصی و اشتغال) و تمکین خاص می باشد.

در این رابطه می توان تمرین صفحه بعد را اجرا نمود:

### تمرین

هدف: تشخیص میزان دخالت زن و شوهر در امور مربوط به خانواده

مدت : ۳۰ دقیقه

### سئوالات مطرح شده :

#### الف امور به روابط مالی

- آیا حق مالکیت زن و شوهر هر دو به رسمیت شناخته می شود؟
- آیا زن و شوهر استقلال مالی دارند؟
- اداره اموال هر یک از ایشان و نیز اموال مشترک چگونه است؟
- تأمین مخارج زندگی مشترک به عهده کیست؟
- و.....

#### ب : امور مربوط به حقوق شخصی

- حق انتخاب نام خانوادگی ( هویت)
- حق اشتغال

- حق حفظ تابعیت و مذهب و...
- و....

### ج : امور مربوط به فرزندان مشترک

- حقوق فردی: هویت ( نام خانوادگی ) یا نسب - حضانت - ولایت
- قیمومت و سرپرستی و ...
- حق تعلیم و تربیت و...
- تعداد فرزندان

### نکات قابل طرح توسط مدرس:

۱. هدایت جمع به شناسایی زمینه های قانونی - مذهبی - عرفی - بین المللی
۲. ارائه راهکار برای زمینه های مشکل ساز و مغایر با نیاز خانواده در جهت رفع موانع و مشکلات
۳. ارائه راهکار در جهت شناسایی هرچه بیشتر حقوق خانواده توسط حاضرین و روشهای ارتقاء فرهنگ حقوقی

### ضمائم مربوط به تمرین این گفتار

#### ۱- قانون

مواد ۱۱۰۲ تا ۱۱۰۷ قانون مدنی

ماده ۱۱۰۲: همین که نکاح به طور صحیح واقع شد روابط زوجین بین طرفین موجود و حقوق

وت کالیف زوجین در مقابل یکدیگر برقرار می شود.

ماده ۱۱۰۳: زن و شوهر مکلف به حسن معاشرت با یکدیگرند.

ماده ۱۱۰۴ : زوجین باید در تشیید مبانی خانواده و تربیت اولاد خود به یکدیگر معاضدت نمایند.

ماده ۱۱۰۵: در روابط زوجین ریاست خانواده از خصایص شوهر است.

ماده ۱۱۰۶: در عقد دائم نفقه زن به عهده شوهر است.

ماده ۱۱۰۷: تأمین مخارج زندگی مشترک

ماده ۱۱۱۴ : سکونت مشترک

ماده ۱۱۱۸ : استقلال مالی زن

**توضیح:** تبعات ریاست مرد در زمینه تصمیم گیری در امور خانوادگی زن به شرح زیر است:

تمکین، محل سکونت ، اقامتگاه تابعیت، انتخاب شغل، انتخاب نام خانوادگی

ماده ۱۱۱۴- ماده ۱۱۰۵ - ماده ۹۶۳ - ماده ۱۱۱۷ ( قانون مدنی )

## ۲- در امور مربوط به فرزندان

ماده ۱۱۶۸ قانون مدنی: حضانت و مواد ۱۱۷۸- ۱۱۷۹

ماده ۱۰۰۶ قانون مدنی : اقامتگاه و ماده ۱۱۹۹: ولایت و....

## ۲- مذهب و موازین شرعی

قرآن کریم

- و من آیاته ان خلق لکم من انفسکم ازواجاً لتسکنوا الیهن و جعل بینکم موده و رحمه

( روم - ۲۱ )

- و عاشروهن بالمعروف ( نساء - ۱۹ )

- هن لباس لکم وانتم لباس لهن ( بقره - ۱۷۸ )

### روایات

- کسی بر ما اهل بیت مهربانتر است که بر همسر خودش مهربانتر باشد. ( پیامبر اکرم «ص» )

( وسایل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۱ )

- بهترین شما آنهایی هستند که برای زنان خود بهترند و من بهترین شما هستم بر اهل خودم (

پیامبر اکرم «ص» ( من لایحضرالفقیه )

- سخن مرد به همسرش که تو را دوست دارم هیچگاه از قبل او پاک نمیشود ( پیامبر اکرم

«ص» ) ( وسایل الشیعه، ج ۷، ص ۱۰ )

- تکریم نمی کند زن را مگر کریم و تحقیر نمی کند او را مگر لئیم و پست ( پیامبر اکرم «ص» )

( بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۲۹۶ )

### حق مالکیت

- للرجال نصیب مما اکتسبوا و للنساء نصیب مما اکتسبن ( نساء - ۳۱ )

- للرجال نصیب مما ترک الوالدان و الاقربون و للنساء نصیب مما ترک.....

### سرپرستی خانواده

- الرجال قوامون علی النساء ( نساء - ۳۴ )

- للرجال علیهن درجه ( بقره ۳۲۸ ) .

### حقوق مالی

- واتوالنساء صدقها تهن نحلہ ( نساء - ۴ )

- فعليكم كسوتهن و رزقهن بالمعروف ..... ( خطبه پیامبر « ص » )
  - صاحب النعمه يحب ان يوسع على عياله ( امام رضا ( ع )، تحف العقول ، ص ۳۳۰)
- مشارکت در امور خانه :** خدمت کردن به خانواده کفاره گناهان کبیره است و آتش غضب خداوند را خاموش می سازد ( پیامبر « ص » ) ( بحار الانوار، ج ۱۰۳، کتاب نکاح)

### ۳- اسناد بین المللی

ماده ۱۶ کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان:

دول عضو کلیه تدابیر مقتضی را به منظور رفع تبعیض علیه زنان در همه امور مربوط به ازدواج و روابط خانوادگی اتخاذ می نمایند و به خصوص براساس برابری مردان و زنان موارد ذیل را تضمین می نمایند:

الف: حق یکسان برای انعقاد عقد ازدواج

ب : حق یکسان در انتخاب آزادانه همسر و انعقاد عقد ازدواج فقط با رضایت کامل و آزادانه آنان

ج : حقوق و مسئولیت های یکسان در طی دوران ازدواج و به هنگام جدایی

د : حقوق و مسئولیت های یکسان والدین، صرفنظر از وضعیت تأهل آنها نسبت به اموری که به فرزندان آنها مربوط می شود.

ه : حقوق یکسان در مورد تصمیم گیری آزادانه و مسئولانه نسبت به تعداد فرزندان و فاصله

سنی آنها و دسترسی به اطلاعات و آموزش ابزاری که برخورداری از چنین حقوقی را میسر می سازد.

و : حقوق و مسئولیت های یکسان در مورد قیمومیت، حضانت ، سرپرستی و فرزند خواندگی کودکان .... یا نهادهای مشابه در جایی که این مفاهیم در قوانین ملی وجود دارند در کلیه موارد منافع کودکان در اولویت است.

ز : حقوق شخصی یکسان به عنوان زن و شوهر، از جمله حق انتخاب نام خانوادگی و حق انتخاب تخصص یا شغل

ح : حقوق مشابه برای زوجین در مورد مالکیت ، اکتساب، اداره سرپرستی ، بهره مندی و انتقال اموال اعم از این که رایگان باشد یا هزینه ای در بر داشته باشد»

### **گفتار سوم: نقش دولت در تأمین و حمایت از حقوق خانواده**

از مهمترین خصوصیات ازدواج و تشکیل خانواده دو وجهی ( دُئجنبتین ) بودن آن است به این معنی که هر چند ازدواج امری خصوصی و براساس حاکمیت اراده افراد ( زن و شوهر ) و به صرف رضایت آن است اما از آن جا که خانواده کوچکترین نهاد جامعه است و جامعه مجموعه ای از افراد خانواده، نقش خانواده از نظر اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی انکار ناپذیر است به همین دلیل باید مورد حمایت جامعه و دولت به نمایندگی از سوی جامعه قرار گیرد.

به طور کلی موارد دخالت و نظارت دولت در موضوعات حقوق خانواده را می توان به شکل زیر ترسیم نمود:

الف: تضمین حقوق طرفین در رابطه با ثبت ازدواج

ب : حمایت از حقوق طرفین در دوران زناشوئی :

۱. از نظر معنوی ( خشونت علیه همسر - عسر و حرج و.... )

۲. از نظر مادی و مالی ( تقسیم اموال مشترک - مهریه - نفقه و... )

ج : تأمین حقوق طرفین از نظر :

۱. تعلیم و تربیت

۲. کار

۳. بهداشت.

### تمرین

تمرین این قسمت را می توان به صورت پرسش و پاسخ میان شرکت کنندگان انجام داد:

هدف : شناسایی تأثیر و نقش دولت در حقوق خانواده

مدت : ۳۰ دقیقه

تقسیم زمانی : ۲۰ دقیقه برای مباحثه گروهها یا شرکت کنندگان

۱۰ دقیقه برای جمع بندی

سئالات :

۱. آیا ثبت ازدواج و نظارت در جامعه بر امر ازدواج لازم است ؟ چرا؟

۲. آیا نیروهای دلتی حق مداخله در امور خصوصی و خانوادگی ما را دارند.

۳. آیا مداخله دولت در کاهش و یا از بین رفتن خشونت علیه همسر موثر است؟

۴. نقش دولت در تضمین و حمایت مالی زنان چیست؟

۵. در تضمین و حمایت از حقوق خانواده دولت چه زمینه هایی را باید توجه نماید؟

نکات قابل طرح توسط مدرس

۱. بحث نقش دولت در تدوین قوانین - تأمین ضمانت اجرایی مناسب - عملکرد اجرایی و اداری

- و در نهایت فرهنگ سازی

۲. بیان ارتباط حقوق خانواده و حقوق بشر

نکته قابل تأمل: کلیه مقررات قانونی که از سوی قوه مقننه وضع شده قاعده امره بوده و در جهت تضمین ،

تأمین و حمایت حقوق خانواده است.

### **گفتار چهارم: نگرش به جایگاه و حقوق زن در خانواده**

حقوق زن از ابعاد مختلف آن ( سیاسی - اجتماعی - اقتصادی - فرهنگی و ...) در طول تاریخ تحولاتی

چشمگیر را شاهد بوده است، از آن هنگام که چون یک کالا مورد معامله قرار می گرفته تا دورانی که

داعیه تساوی وی با مردان اظهار شده است. اینکه اکنون جایگاه زن مورد شناسایی قرار گرفته و ایده

آلها ترسیم گردد، کمک شایانی است به زنان جامعه برای آگاهی از حقوق انسانی خود به ویژه در کانون

خانواده از یک سو و به دولت برای تأمین و حمایت از این حقوق در جهت سالم سازی روابط درون

خانواده در سطح وسیعتر اجتماع.



## حق انسانی زنان و کار

### اهداف

- ارزیابی اهمیت کار بی مزد و مواجب خانه داری در زندگی زنان،
- پی بردن به تفاوت میان بخش رسمی و غیر رسمی و کار زنان،
- شرح تمایز میان عدم تبعیض و برابری فرصت و مشخص کردن منظور از داشتن حقوق انسانی در محل کار،

### شروع به حرکت : اندیشیدن درباره زنان و کار

نخستین پرسش در این زمینه مربوط است به مفهوم کار، کار چیست؟ معمولاً تلقی از کار فعالیتی است که در برابر اجرت و مزد می باشد. از این رو بسیاری از فعالیت هایی که زنان انجام می دهند مانند پرورش فرزند، خانه داری ، فعالیت های زنان روستایی در بخش کشاورزی معیشتی مانند بریدن علف، رسیدگی به دام های معدود خانگی و غیره اساساً کار به حساب نمی آیند.

علاوه بر آن در کارگاه های خانوادگی که کار به وسیله اعضای خانواده به اتفاق هم صورت می گیرد مانند قالی بافی و غیره اصولاً چنین کارگاه هایی مشمول حمایت های قانونی نیست و مزدی هم به صورت مستقیم پرداخت نمی شود.

مهمتر آن که در بخش غیر رسمی اقتصاد هر چند کار همراه با مبادله پول است اما به دلیل ماهیت بی نظم و ضابطه کار در بخش غیر رسمی دفاع از حقوق انسانی کارگران بسیار دشوار است. برای توضیح

بیشتر یادآور می شود فعالیت ها به دو بخش رسمی ( سازمان یافته ) و غیر رسمی ( سازمان نیافته ) تقسیم می شود.

زنان و بخش غیر رسمی : بخش غیر رسمی شامل کارهای گوناگون است.

## کارهای خانگی

بسیاری از زنان در خانه خود برای موسسه تولیدی معینی کار می کنند مثلاً لباس می دوزند و یا تریکو می بافند اینگونه فعالیتها در کشورما مشمول قوانین کار نیستند. دیگر فعالیت های بخش غیر رسمی مانند دست فروشی در خیابان ها، خدمتکاری در خانه ها، انجام کارهای فردی ، کار در بخش کشاورزی و مشاغل بسیار دیگر جزو بخش غیر رسمی به حساب می آیند.

بخش غیر رسمی اگر چه جزیی از فعالیتهای اقتصادی کشورها به شمار می رود اما تحت نظم و ضابطه قرار ندارد و معمولاً از حمایت های قانونی بهره مند نیست ، معنی این گفته آن است که زنان مزدهای ثابتی نمی گیرند و در شرایطی کار می کنند که زیر نظارت مقام های رسمی نیستند.

در افریقا بیشتر از یک سوم زنانی که بیرون از بخش کشاورزی فعالیت اقتصادی دارند در بخش غیر رسمی کار می کنند . در آسیا ، اندونزی و کره ، بالاترین نسبت ها را دارند ( به ترتیب ۶۵ درصد و ۴۱ درصد )

به دلیل ماهیت بی نظم و ضابطه کار در بخش غیر رسمی دفاع از حقوق انسانی زنان کار دشواری است. خدمات اقتصادی زمانی که در بخش غیر رسمی به کار اشتغال دارند معمولاً در تولید ناخالص ملی کشور نیز محاسبه نمی شود. با این وصف در برخی کشورها برای دفاع از حقوق افراد در بخش غیر رسمی فعالیت هایی صورت گرفته است که در پاره ای موارد به نتیجه هم رسیده است. به عنوان مثال

در کشور کلمبیا قانونی به تصویب رسید که شخصاً از کارگران خانگی حمایت می کند. در ایران به هنگام تهیه پیش نویس قانون کار پیشنهادهای مشخصی در این زمینه ارائه شد که متأسفانه به نتیجه نرسید.

## زنان ، اعتبار و در آمد زایی

زنان غالباً برای توسعه فعالیت هایشان در بخش غیر رسمی یا راه انداختن کسب و کار تازه نیاز دارند که به اعتبارات و وام های بانکی دسترسی داشته باشند اما در این راه با دشواریهایی روبرو می شوند و معمولاً کمتر می توانند از این تسهیلات استفاده کنند.

در برخی کشورها سازمانهای غیر دولتی و موسسه های عمرانی کوشیده اند که به مسئله دسترسی زنان به اعتبارات بپردازند . برخی از آنها صندوق های وام در گردش مختص زنان تأسیس کرده اند و پاره ای دیگر به طریق راه اندازی کسب و کارهای کوچک به ایجاد فعالیت های در آمدزا کمک رسانده اند.

## زنان و بخش رسمی

منظور از بخش رسمی اقتصاد، صنعت ، خدماتو آن بخش از کشاورزی است که دارای نیروی کار مزدبگیر باشد. یکی از بزرگترین تغییرات اقتصادی دهه های گذشته هجوم زنان به صورت نیروی کار مزدبگیر و به عبارت دیگر کاربرد بخش رسمی اقتصاد است. برابر گزارش و برخی برآوردهای سازمان ملل بیش از نیمی از نیروی کار مزدبگیر را زنان تشکیل خواهند داد. هرچند کارگران شاغل در بخش رسمی اصولاً باید مشمول حمایت های قانونی باشند و تحت پوشش قوانین کار و تأمین اجتماعی قرار داشته باشند اما همواره چنین نیست.

علاوه بر آن در بیشتر موارد بین مردان و زنان از حیث فرصت اشتغال، مزد و امنیت شغلی تفاوت‌هایی به چشم می‌خورد برخی شغل‌ها که به عنوان کار زنانه تعریف شده اهمیت کمتری داشته و امنیت شغلی در مورد آنها ضعیف است. در کشورهای پیشرفته صنعتی فقط ۱۵ تا ۲۰ درصد کارگران بخش صنعت را زنان تشکیل می‌دهند یعنی به کارهایی که شباهت محسوسی به نقش‌های سنتی زنانه دارند. در پست‌های مدیریت چه در بخش دولتی و چه در بخش خصوصی نسبت زنان به مردان بسیار کم است.

### بی عدالتی در کار زنان

برابر گزارش سازمان ملل در بیشتر کشورها تعداد ساعاتی که زنان بدون کارمزد کار می‌کنند دست کم دوبرابر ساعاتی است که مردان بدون مزد کار می‌کنند. در ژاپن این رقم ۹ برابر است. بر طبق برآوردهای سازمان ملل، کارهای خانگی بدون مزد بین ۱۰ درصد و ۳۵ درصد محصول ناخالص ملی را در سراسر جهان تشکیل می‌دهند.

زنان در سطح جهان ۵۰ تا ۸۰ درصد مزد مردان را دریافت می‌کنند. در برخی مناطق نسبت از این هم کمتر است. در استرالیا و بریتانیا زنان صد برابر بیشتر از مردان به مراقبت از کودکان می‌پردازند. این رقم در اسپانیا و ژاپن ۶ برابر است.

### تبعیض علیه زنان در محل کار

علاوه بر تفاوت‌های مربوط به مزد و آنچه در بالا بدان اشاره شد تبعیض‌ها و تفاوت‌های دیگر نیز وجود دارد از آن جمله :

- مرداندر انتخاب کارشان آزادتر از زنانند.

- برای دسترسی به برنامه های آموزشی و افزایش مهارت شغلی به مردان امکان بیشتری داده می شود.
- ساعات کار برای نقشهای مردانه در خانواده ها مناسب ترند تا برای نقشهای زنانه که شامل رسیدگی به امور خانه و مراقبت از فرزندان می شود. مثلاً زنی که مسئولیت تربیت فرزندان خود را به عهده دارد ممکن است به ساعات انعطاف پذیر و یا به مهد کودکی که توانایی پرداخت هزینه های آن را داشته باشد نیاز داشته باشد و مشاغل اندکی چنین امکانی را فراهم کنند. زنی که برای پرورش فرزندش مدتی مرخصی می گیرد پس از بازگشت به کار در موقعیت ضعیف تری نسبت به مردان قرار می گیرد، ممکن است امکان ارتقای مقام و یا حتی پست قبلی خود را از دست بدهد .
- در ساختار شرکتهای بزرگ دولتی و یا خصوصی و حتی در اتحادیه های کارگری زنان نمایندگانی در سطح مناسب ندارند و تصمیم گیریهایی برعهده آنان نیست.

### قوانین حمایتی کار

این بحث را از دو جنبه بررسی می کنیم نخست اشاره ای داریم به استناد بین المللی و سپس حقوق ایران را به اختصار خواهیم دید.

### اسناد بین المللی و کار زنان

از زمان تأسیس سازمان بین المللی کار در سال ۱۹۱۹ اسناد بسیاری در زمینه حمایت های ویژه از زنان ( مرخصی بارداری و زایمان، ممنوعیت کار شب، ممنوعیت کار های سخت و زیان آور) و یا در جهت رفع تبعیض ( مقاوله نامه شماره ۱۱۱ مربوط به منع تبعیض در استخدام و اشتغال که از جمله

هر نوع تبعیض براساس جنسیت را منع می کند) و یا به منظور ایجاد شرایط مساوی کار (مقاله نامه شماره ۱۰۰ درباره برابری مزد زن و مرد) تصویب شده است که مورد قبول بسیاری از کشورها قرار گرفته است. هرچند متأسفانه دولت ایران به شمار اندکی از این مقاله نامه ها پیوسته است. (البته به مقاله نامه های شماره های ۱۰۰ و ۱۱۱ ملحق شده است) اما تأثیر آنها در حقوق داخلی ایران کم نبوده است.

در اسناد سازمان ملل متحد چه در اعلامیه جهانی حقوق بشر و چه در میثاقهای دوگانه مصوب ۱۹۶۶ (یعنی میثاق حقوق مدنی و سیاسی و میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی که دولت ایران هم آنها را پذیرفته است) و چه در پیمان نامه مربوط به رفع تبعیض از زنان، به حقوق متعددی در زمینه کار اشاره شده است.

### مهمترین این حقوق عبارتند از :

حق کار، حق بهره مند شدن از مزد منصفانه، حق بهره مند شدن از مزد مساوی در برابر کار مساوی، حق بهره مند شدن از شرایط سالم و بهداشتی کار، حق برخورداری از وقت استراحت و فراغت ، حق بهره مند بودن از تأمین اجتماعی، حق استفاده از مرخصی بارداری و زایمان، حق کودکان برای محفوظ بودن از استثمار، حق برخورداری از سطح مناسب زندگی. برخی از این حقوق رادر قوانین داخلی کشورمان مطالعه می کنیم :

## حقوق ایران

۱. حق کار، یعنی حق داشتن کار و امکان اشتغال، این حق در اصول مختلف قانون اساسی جمهوری اسلامی به ویژه اصل ۲۸ و بند ۲ اصل ۴۳ مورد تأکید قرار گرفته است.

۲. حق بهره مند شدن از مزد منصفانه، این نکته به صراحت در قانون نیامده است اما موضوع

حداقل مزد ( ماده ۴۱ قانون کار) مورد توجه قانونگذار بوده است.

۳. حق بهره مند شدن از مزد مساوی، این حق در ماده ۳۸ قانون کار به صورت زیر بیان شده

است:

۴. حق بره مند شدن از شرایط سالم و بهداشتی کار، در این زمینه فصل چهارم قانون کار

رهنمودهای کلی ارائه می کند و مقرر می دارد که مقررات جزئی و دقیق به موجب آئین نامه

یی تدوین شود. این مقررات به صورت یکسان شامل زن و مرد می شود با این تفاوت که

کارهای سخت و زیان آور نباید به زنان ارجاع شود ( ماده ۷۵) همچنین حمل بار با دستو بدون

استفاده از وسایل مکانیکی بیش از ۲۰ کیلو برای زنان و بیش از ۱۰ کیلو برای دختران نوجوان

( زیر ۱۸ سال ) ممنوع است ( همان ماده و آئین نامه مربوطه )

۵. حق برخورداری از اوقات استراحت و فراغت، محدود بودن ساعات کار در قانون پیش بینی شده

است.

۶. حق بهره مند شدن از تأمین اجتماعی، زنان به عنوان همسر بیمه شده مرد و نیز به عنوان

کارگر می توانند از مزایای تأمین اجتماعی برخوردار شوند اما در برخی موارد تفاوتی وجود

دارد ( مثلاً در صورت فوت بیمه شده زن، فرزندان وی با شرایط خاصی می توانند از مستمری

ناشی از فوت سرپرست خانواده استفاده کنند، بند ۲ ماده ۸۲ قانون تأمین اجتماعی)

۷. حق استفاده از مرخصی بارداری ، این حق در ماده ۷۶ قانون کار پیش بینی شده است و در

مدت مرخصی اگر کارگر سابقه لازم برای پرداخت حق بیمه داشته باشد می تواند از کمک

بارداری استفاده کند. همچنین درباره امکانات مربوط به نگهداری از کودک کارگر زن و فرجه

شیردادن به او ضوابطی مقرر شده است ( ماده ۷۸)

۸. حق کودکان برای محفوظ بودن از استثمار، هرچند برابر ماده ۷۹ قانون کار « به کارگماردن

افراد کمتر از ۱۵ سال تمام ممنوع است » و برای کارگران نوجوان (بین ۱۵ و ۱۸ سال )

مقررات حمایتی در نظر گرفته شده است اما این مقررات برای رویارویی با واقعیت های تلخ

اجتماعی و سوء استفاده از نیروی کار کودکان کافی نیست.<sup>۵</sup>

## اطلاعات آماری در ایران

• طبق اطلاعات آماری فقط ۱۲ درصد از زنان در بخش رسمی اقتصاد شاغل هستند که

تمرکز آنان در مشاغل معلمی، پرستاری و کارمندی است. به طور کلی زنان سرپرست

خانوار به خبش رسمی راهی ندارند . طبق اطلاعات آماری فقط ۱۵/۵ درصد این زنان کار

می کنند. از آنجا که اکثر این زنان تحصیلات بالایی ندارند، بیشتر در بخش غیر رسمی

فعال هستند. ایندسته از زنان در شهرها به مشاغلی چون کارهای منزل، کارگری ، کوره

آجر پزی، دست فروشی یا تکدی گری روی می آورند .

بیشتر این گونه زنان در بازار کار ثانویه با دستمزد و امنیت پایین اشتغال دارند. شرایط کار

نامساعد ، ساعات کار طولانی و نوع کار برای اکثر آنها شاق است.

• سهم زنان به عنوان نیروی کار کشاورزی ۴۰ درصد عنوان شده است.

---

<sup>۵</sup>منابع برای مطالعه درباره موازین بین المللی: حقوق بین المللی کار تألیف دکتر عزت الله عراقی، انتشارات دانشگاه تهران ، برای مطالعه درباره حقوق داخلی ( به زبان ساده ) : روابط کار و کارفرما تألیف دکتر عزت الله عراقی، نشر راهنما  
برای آشنایی با قانون جدید کار، نگرشی بر قانون جدید کار تألیف دکتر سید محمد هاشمی انتشارات دانشگاه شهید بهشتی



دربخش خدمات زنان در ۳ گروه صنفی معلمان، ماماها و بهیاران و حسابداران متمرکز شده اند. این ۳ گروه ۹۵ درصد اشتغال زنان را در گروه مشاغل علمی، فنی و تخصصی به خود اختصاص داده اند. ( به دلیل محدودیتهای نانوشته )

- تعداد زنان مدیر در دستگاههای دولتی ( بدون احتساب آموزش و پرورش و نهادهای انقلابی ) از ۹۰۸ نفر در سال ۷۶ به ۲۸۵۵ نفر در سال ۷۸ رسیده که این رقم رشدی بالغ بر ۳۰۰ درصد ( ۳ برابر ) را نشان میدهد.
- تعداد مدیران زن دستگاههای دولتی بالغ بر ۳۰۲۹ نفر می باشد.
- زنان ۵/۵ درصد از پستهای مدیریت و سرپرستی دستگاههای دولتی را برعهده دارند.

## سیاستهای اشتغال زنان در جمهوری اسلامی ایران

این سیاستها توسط شورای عالی انقلاب فرهنگی در سال ۱۳۷۱ به تصویب رسیده است که شامل دستورالعملهای زیر است:

- توجه به نقش زن در خانواده
  - اشتغال زنان در مناصب فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و مدیریتی
  - همکاری اعضای خانواده با زنان جهت انجام مسئولیت های اجتماعی شان
  - ایجاد شرایط وجو شایسته در محیط کار
  - پیش بینی تسهیلات توسط سازمان اجرایی جهت اشتغال سودمند زنان در:
- الف: مشاغلی که فقه برای زنان مقدم داشته است، مانند مامایی و برخی رشته های پزشکی

و تدریس

ب : مشاغلی که مناسب با وضعیت جسمانی و روحی زنان است، مانند کار در رشته های

علوم آزمایشگاهی ، مهندسی الکترونیک، داروسازی ، مددکار اجتماعی و مترجمی

پ : مشاغلی که در آن هیچگونه برتری خاصی نسبت به داوطلبان زن یا مرد در نظر گرفته

نشده یا انتخاب شاغلان به نحوی طبیعی و طبق درجه تخصص و توان مهارتی داوطلبان

انجام گیرد نه به ملاحظه جنسیت آنان ( همانند کارگر ساده و سایر بخش های فنی یا

خدماتی ).

ت : مشاغلی که به لحاظ منع مذهبی یا شرایط سخت کاری یا به خاطر نظام ارزشی حاکم

( فرهنگی و اجتماعی ) زنان به آن راهی نداشته باشند، همانند منصب قضاوت یا آتش

نشانی.

• تشویق متخصصان تحصیل کرده و زنان با تجربه در حیطة مدیریت و دیگر شغل های

اجرایی و اداری، با :

الف : فراهم کردن ملزومات گزینش مناسب رشته تحصیلی برای استخدام زنان در آینده.

ب : فراهم کردن تسهیلات لازم در جهت استفاده از توانایی های زنان متخصص ، باتجربه و

تحصیل کرده . به طوری که فعالیت اجتماعی آنان تحت الشعاع تلاش آنها در راه ایفای

نقش مهم خانوادگیشان قرار نگیرد.

• اشاعه مفهوم اشتغال زنان از طریق نظام اطلاعاتی کشور و رسانه های گروهی

• اطمینان از ارزیابی کار و حق الزحمه برابر با مردان

- اجرای مقرراتو کاربرد تسهیلات لازمدر مورد « وظیفه مادری » شامل مرخصی با حقوق، کاهش ساعت کار، مزایای بازنشستگی در سن جوانی، امنیت شغلی و مزایای بیکاری
- تقدم آموزش حرفه ای برای زنانی که از لحاظ اقتصادی و اجتماعی وضع نامساعدی دارند.
- ایجاد فرصتهای شغلی با ساعات کاری انعطاف پذیر برای زنان خانه دار
- دخالت دادن شورای فرهنگی واجتماعی بانوان در اجرای سیاست ها
- شورای فرهنگی و اجتماعی زنان تحت نظارت شورای عالی قرار داردو هدایت گر سیاست های فرهنگ ملی در رابطه با زنان است این شورا در فرآیند سیاستگذاری مشارکت فعال دارد.

شورای فوق بر تفاوت بین زن و مرد و تقسیم نیروی کار مبتنی بر طبیعت بین این دو جنس جهت همسویی آنان با سیاست های فرهنگی جمهوری اسلامی ایران تأکید دارد. در عین حال از مسئولیت خود در زمینه مطالعه و حل مشکلات قابل ملاحظه زنان شاغل به خوبی مطلع است. این شورا به عنوان یک سازمان پیشرو که مسئولیت آن تحقق بخشیدن به خود کفایی اقتصادی همچنین توسعه اجتماعی و فرهنگی زنان است جهت نیل به اهداف زیر اهتمام می ورزد:

الف: مطالعه و تعریف مشکلات فرهنگی و اجتماعی زنان شاغل در محیط کاری و در اجتماعات بزرگتر

ب: چاره جویی برای مشکلات حقوقی، حرفه ای، بهداشتی و رفاه زنان شاغل

پ: تعریف و حل مشکلات زنان شاغل در رابطه با خانواده و تربیت و کودکان

## حق انسانی زنان جوان و دختران

مقدمه

اسلام از همان سال های اول بعثت با وجود درگیری با دشمنان لجوج و غیر منطقی به مبارزه با عادات و رسوم و عقاید جاهلیت درمورد زنان پرداخت و ضمن شخصیت دادن به زنان به عنوان اعضای اصلی جامعه انسانی چالش بی امان خود را جهت کسب حقوق انسانی زنان ادامه داد. از همین روی در سال اول بعثت با لحنی تند و عتاب آمیز می فرماید « کسانی که دختران را زنده به گور می کنند مورد بازخواست واقع می شوند که آنان به کدامین گناه کشته شدند.»

خداوند زنان را نعمت بزرگ خداوند دانسته و به تدریج شروع به اصلاح باورها و افکار غلط نسبت به زن نموده و در کنار ابلاغ پیامهای انسانی وحی، پیامبر اکرم به طور عملی در زندگی شخصی و اجتماعی خویش شأن و کرامت ذاتی زنان و دختران را به نمایش می گذارد. به ویژه رفتار حضرت محمد (ص) با دختر بزرگوارشان فاطمه زهرا (س) مملو از احترام، محبت و عزت زائد اوصفی بود که عملاً به اصلاح الگوهای اجتماعی می پرداختند. کتاب آسمانی مسلمانان با تأکید بر آن که زن و مرد از نفس واحده ای خلق شده اند. هرگونه شبهه بوجود تفاوت ذاتی بین زن و مرد را مردود دانسته هردورا از حقوق انسانی یکسان بهره مند می داند. و همچنین درکنار تلاش در جهت تغییر باورهای مردم در خصوص مسئله دختران بر برخورد جدی با ساختار پدرسالارانه دوران جاهلیت از قبلی زنده به گور کردن دختران و شرم از تولد دختر پرداخته و مرتکبین را مشمول مجازات الهی می داند و مردان را دعوت به حسن معاشرت و برخورد نیکو با زنان می کند.

قرآن کریم با صحنه گذاشتن بر ارزش و اهمیت عمل و اعتقاد انسانها نقش جنسیت را در سنجش اعمال مردود می داند و می فرماید « خداوند عمل هیچ عاملی از شما را از زن و مرد ضایع نمی کند» یا « به پاس عمل صالحتان چه مرد و چه زن در حالی که مومن باشید وارد بهشت می شوید» و در جای دیگر اعلام می نماید که هرکس در گرو کسب و کار خویش است و این هرکس می تواند مرد یا زن باشد.

همچنین قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران عمدتاً بر اصل تساوی حقوق زن و مرد متکی است و هدف قوانین داخلی کشور نیز ارتقای حقوق زنان مردان است. اصل بیستم قانون اساسی صراحتاً اعلام می دارد: « همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند» و در اصل بیست و یکم تأکید می کند: « دولت موظف است حقوق زن را در تمام جهات با رعایت موازین اسلامی تضمین نماید.» و در ضمن « بر ایجاد زمینه های مساعد برای رشد شخصیت زن و احیای حقوق مادی و معنوی او» تأکید دارد.

جمهوری اسلامی ایران نیز به پیروی از احکام اسلام تلاشهای زیادی در جهت رفع تبعیضها و بی عدالتیها در مسائل زنان نموده است و به توفیقات زیادی در این زمینه نائل آمده است اما هم به جهت حاکمیت برخی فرهنگی تبعیض آمیز و کلیشه ای که در بعضی قومیتها ریشه دیرینه ای دارد و محتاج صرف وقت طولانی جهت اصلاح فرهنگی است و هم به جهت رسوخ برخی باورها و برداشتهای خاص از معتقدات دینی که فقط به اسلام منتسب شده و پایه و اساس شرعی ندارد، نه تنها همچنان شاهد وجود فاصله های جنسیتی ناروا بین دختران و پسران هستیم بلکه بعضی قوانین داخلی نیز بوجود این

تبعیضها صحه می گذارد که البته قدمهایی در جهت اصلاح و ایجاد تغییر مثبت برداشته شده است که نیازمند حمایت و تلاشهای جدی تر است.

اهداف:

- متمایز کردن تفاتیهای زیستی و اجتماعی میان پسران و دختران
- شناخت تأثیر « ترجیح پسر» بر دختران و بحث درباره آن
- بازشناختن رسوم سنتی که ممکن است تأثیر زیان آوری بر زنان جوان و دختران داشته باشد.
- شناخت انواع خشونت علیه زنان جوان و دختران و پی بردن به تأثیر آنها بر قربانیان
- کسب اطلاعات در باره امور جنسی نوجوانان و راههای ارتقای حقوق انسانی زنان جوان و دختران در مورد مراقبتهای بهداشتی، زندگی خصوصی و مساوات
- پی بردن به نحوه های سوء استفاده از کار دختران، درخانه و درکارهای مربوط به بخش رسمی و غیر رسمی
- بحث درباره نقش اولیای امور، هم در تداوم بخشیدن به موارد سوء استفاده از حقوق انسانی زنان جوان و دختران و هم در مبارزه با آن موارد
- اندیشیدن تدبیرهایی که از طریق آن ها افراد، سازمانها ، و اولیای امور بتوانند حقوق انسانی زنان جوان و دختران را بهبود بخشند.
- شناخت قوانین داخلی و بین المللی در خصوص حقوق انسانی زنان جوان و دختران

## شروع به حرکت: اندیشیدن درباره دوران کودکی

در بسیاری از فرهنگها، به دختران از خردسالی آموخته می شود که ساکت، منفعل و سخن پذیر باشند. در « طرح دانشگاه هاروارد در زمینه روان شناسی زنان » مراحل رشد و نمو دختران در نموداری ترسیم شده است. دختران تا ۱۰ سالگی، شروع می کنند به این که خود را به قالب « دختر کامل » درآورند، یعنی تصویری کامل از صفاتی باشند که والدین و معلمان بر آن ها ارج می نهند: مثل خانمها بودن، ساکت و فرمانبردار و خوب در مدرسه بودن، و همواره قشنگ و دلپذیر جلوه کردن .

والدین و معلمان مایلند که این تصویر ذهنی « دختر کامل » را تقویت کنند، تصویری که از یک فرهنگ تا فرهنگ دیگر متفاوت است اما تقریباً در همه جا به نوعی وجود دارد. جامعه پذیری تأثیر ماندگاری در توانایی دختران برای فعلیت بخشیدن به استعدادهای بالقوه خود و متحقق ساختن حقوق انسانیشان دارد. در برنامه عمل پکن چنین اشاره شده است: « دختران غالباً حقیر انگاشته می شوند و در تربیت اجتماعی این طور بار می آیند که خود را در مرحله آخر قرار می دهند، و به این ترتیب پایه های عزت نفس آنان سست می شود. تبعیض و بی توجهی در دوران کودکی می تواند نقطه شروعی باشد برای یک حرکت مارپیچی قهقراپی مادام العمر در جهت محرومیت و برکنار ماندن از سیر شتابان اجتماعی» (بند ۲۶۰).

از این رو، تفاوت پایگاه پسران و دختران در خانواده ها و اجتماعات را عموماً می توان به تفاوت های نگرشی نسبت داد نه به تفاوت های بیولوژیک. این تفاوتها غالباً از طریق نظامهای آموزشی رسمی و غیر رسمی که پسران را بر دختران ترجیح می دهند، استمرار و استحکام بیشتری می یابند . یک پژوهشگر که درباره « بارسنگین دختر بودن » در بسیاری از کشورها تحقیق کرده است، این طور اظهار عقیده می

کند: « تفاوت جنسیتی واقعی بیشتر به نحوه نگرش وابسته است و زیانش، همچون نژاد پرستی، به قدری عظیم و گسترده است که قابل سنجیدن نیست. جنس مثل رنگ، حادثه ای است مادرزاد، اما استحقاقها ساخته آدمیانند. مجموعه ای از ارزشها و انتظارات متفاوت و تبعیض آمیز در خورد دختران، و در نحوه نگهداری و پرورش آنان اعمال می شود. پسران، مثل مردان، از فضا و ارزش بیشتری برخوردارند:» این تفاوت از طریق فرایند بی توجهی نهان و آشکار به دختران پایدار و برقرار می ماند»

## رجحان پسر و حق بقا

یکی از بنیادی ترین حقوق انسانی حق بقا است. بسیاری از دختران درست از همان لحظه ای که متولد می شوند با عرصه تنازع بقا مواجهند، و این مبارزه در سراسر چرخه زیست آنان ادامه دارد. جای بیش از ۶۰ میلیون کودک دختر خالی است، (یونیسف، پیشرفت ملل، نیویورک، ۱۹۹۷). در جمعیت‌هایی که با مساوات بیشتری با زنان رفتار می شود، در برابر هر ۱۰۰ مرد ۱۰۶ زن وجود دارد. تبعیض جنسی در جاهای آشکار می شود که نسبت جنس مذکر به جنس مونث معکوس باشد، مثلاً در چین و آسیای جنوبی و غربی، که در آنها در برابر هر ۱۰۰ مرد ۹۴ زن وجود دارد.

## سوء استفاده از روش تعیین جنسیت جنین و سقط جنین گزینشی

همه آن زنان و دختران گمشده کجا هستند؟ برخی از جنین‌هایی که معلوم شد جنسیت دختر دارند سقط شدند هم در کشورهای گیشرفته و هم در کشورهای رو به پیشرفت، والدین با استفاده از روش تعیین جنسیت جنین و شیوه های دیگر به گزینش جنسیت اقدام می کنند. روش تعیین جنسیت جنین به پزشکان امکان می دهد که مایع آمینوتاک را که جنین در آن محصور است تجزیه و تحلیل کنند.



این شیوه کار به منظور کشف نابهنجاریهای جنینی یا سایر مسائل مربوط به آبستنی ابداع شد، اما از آن در تعیین جنسیت کودک نیز می توان استفاده کرد. پژوهشها نشان میدهند که زنان جنینهای مذکر را به ندرت سقط می کنند. حتی اگر نابهنجاری جنینی نیز در آن تشخیص داده شود، مثلاً، در تحقیقی راجع به استفاده از روش تعیین جنسیت جنین در هند، که بر پایه کاربرد بیمارستان مبتنی بود، از طریق والدینی که از جنسیت جنین خبر داشتند معلوم شد که از هر هشت هزار جنین سقط شده فقط یک جنین متعلق به پسر بوده است.

رجحان پسر هنگامی آشکار می شود که زوجی قبلاً چنددختر داشته باشد. زوجی که قبلاً صاحب دختری شده باشد کمتر احتمال می رود که دختر دیگر را بپذیرد مثلاً در کره، در ازای هر ۱۰۰ نوزاد دختر، ۱۱۴ نوزاد پسر متولد می شوند. با چهارمین زایمان زن، این تعداد به ازای هر ۱۰۰ دختر به ۲۰۰ پسر افزایش می یابد.

### کشتن نوزاد دختر

گمان می رود که در برخی از کشورهای روبه توسعه، نوزادکشی گریبان تعداد اندکی از نوزادان دختر را می گیرد، همانطور که رایکا کوماراسوامی (Radhika Coomaraswamy)، گزارشگر ویژه سازمان ملل در زمینه خشونت علیه زنان، اظهار نظر کرده است: «در فرهنگهایی که به پسران رجحان زیاده از حد داده می شود، کشتن نوزاد دختر راه حل نگران کننده ای است برای زنانی که به روش تعیین جنس جنین، سونوگرام، و سقط جنین دسترسی ندارند.»

مثلاً در یکی از تحقیقات در ناحیه دوردستی از بخش جنوبی هند، معلوم شد که ۸۵ درصد تمامی مرگ و میرهای نوزادان دختر در اثر نوزادکشی و معمولاً در فاصله هفت روز اول تولد صورت گرفته است.

در چین، نوزادان دختر در مقیاسی چنان وسیع غرق یا سر راه گذاشته می شوند که، بنابر پیش بینی دانشمندان علوم اجتماعی، مردان چینی ممکن است در ۲۰ سال آینده برای یافتن همسر گرفتار مشکل شوند.

## مرگ و میر

در بسیاری از بخشهای جهان، نوزادان دختر در هنگام تولد و دختران به میزان بسیار جان خود را از دست می دهند. مثلاً در کولومبیا، در برابر ۱۰۰ مورد مرگ و میر دختران، فقط ۷۵ مورد مرگ و میر برای پسران اتفاق می افتد، در هائیتی، بین ۱۰۰۰ کودک ۲ تا ۵ ساله، ۶۱ دختر و ۴۸ پسر می میرند. این میزانهای مرگ و میر بالا در میان دختران را می توان ناشی از بی توجهی به دختران خردسال دانست. به احتمال زیاد، پسران از مراقبتهای بیشتر در زمینه ایمنی، تغذیه بهتر، و مراقبتهای بهداشتی مناسب تر برخوردارند، در حالی که والدین برای رساندن دختران به پزشک بیشتر این دست و آن دست می کنند تا در مورد پسران. بنابر تحقیق یونیسف، هر سال بیش از یک میلیون در اثر سوء تغذیه و بی بهره بودن از مواد پروتئینی نیروزا در دوران کودکی به کندی رشد دچارند. تحقیقات در بسیاری از کشورها نشان می دهند که دختران بیش از پسران به فشارهای روحی گرفتارند و میزان اقدام به خودکشی در مورد دختران به جهت آزارهای جسمی و روحی بیشتر است.

## تحقیق درباره ترجیح فرزند پسر

ملاحظات اقتصادی و نقش نان آوری پسران در خانواده و وجود باور اینکه دختر در نهایت از آن خانواده پسر می شود. منجر به ترجیح فرزند پسر بردختر می شود و خانواده ها نقش پسران را در تأمین معاش خانواده بسیار مهمتر از کار بدون دستمزد دختران در کشاورزی و دامداری و یا خانه داری می دانند.

در ایران براساس تحقیقی که در استان سیستان و بلوچستان و کردستان صورت گرفته است اکثریت خانواده هایی که رجحانی برای پسران قائلند و معتقد به سرمایه گذاری روی پسرانشان هستند معتقدند که سواد و اشتغال و سرمایه گذاری بر ای دختران ضروری نیست و فایده چندانی ندارد چون دختران نهایتاً ازدواج کرده از چرخه خانواده خارج می شوند و همین موضوع موجب رجحان فرزند پسر بر دختر است. (تحقیقی با عنوان جایگاه زنان و دختران در جامعه سیستان و بلوچستان، دکتر سروستانی ۱۳۷۴)

### پیمان نامه حقوق کودک

در ۱۹۵۹ سازمان ملل متحد اعلامیه حقوق کودک را صادر کرد، و استحقاق نوجوانان و جوانان را در برخورداری از تغذیه کافی، تحصیلات رایگان و مراقبتهای بهداشتی و نیز حقوق مربوط به منع بهره کشی و اعمال تبعیض آمیز، اعلام کرد. حمایت از حقوق کودکان در دهه ۱۹۸۰ افزایش یافت و در سال ۱۹۸۹ به امضای معاهده قانونی الزام آوری انجامید به نام **پیمان نامه حقوق کودک (CRC)** این معاهده درمقایسه با هر معاهده دیگری به تصویب بیشترین دولتهای عضو سازمان ملل رسیده است و همگی موافقت کرده اند که در مورد پیشرفت خود در زمینه اجرای پیمان نامه گزارشهای ادواری ارائه کنند. فقط دو کشور از تصویب پیمان نامه خودداری کرده اند: سومالی و ایالات متحده آمریکا. ایران نیز جزو کشورهای است که به این پیمان نامه پیوسته و در سال ۱۳۷۳ رسماً سند الحاق مشروط خود را به دبیر کل سازمان ملل تسلیم کرد.

همه حقوق شامل حال همه کودکان می شود. « بی آن که تبعیضی درمیان باشد و نژاد، رنگ، جنسیت، زبان، دین و عقاید سیاسی و سایر عقاید، منشأ ملی، قومی یا اجتماعی، دارایی، معلولیت یا موقعیت دیگر، والدین یا قیم قانونی او در نظر گرفته شود». (ماده ۲ پیمان نامه حقوق کودک)

برعهده دولت است که کودکان را از گزند هر گونه « تبعیض یا تنبیه براساس موقعیت، فعالیتها، عقاید، ابراز شده یا معتقدات، والدین، قیمهای قانونی، یا سایر اعضای خانواده» محافظ نماید ( ماده ۲ پیمان نامه حقوق کودک )

پیمان نامه حقوق کودک چیزی را جایگزین می کند که به معیار « منافع عالیه کودک» شهرت دارد.  
« در همه اقدامهای مرتبط با کودکان، که توسط موسسه های رفاه اجتماعی خصوصی، دادگاهها، مقامهای اداری یا نهادهای قانونگذاری صورت می پذیرند، منافع عالیه کودک باید در اولویت قرار گیرند.» {ماده ۳ (۱)}

این گفته به معنی آن است که در هنگام گرفتن تصمیمهایی که بر کودکان اثر می گذارند، منافع آنان را باید در درجه اول اهمیت تلقی کرد، علاوه براین، به عقاید کودک باید احترام گذاشت. کودک در چه زمانی می تواند عقایدش را شکل و سامان بخشد؟ اکثر جوامع تقسیم چرخه زندگی به دوره کودکی و دوره بزرگسالی را پذیرفته اند. لیکن سنی که یک دوره پایان می یابد و دوره دیگر آغاز می شود، کشور به کشور متفاوت است.

کودکان در واقع، همیشه به بزرگسالان وابسته نیستند. گاهی اوقات بزرگسالان به آنان وابسته اند. مثلاً کودکان و به ویژه کودکان خردسال ممکن است از یک عضو معلول، بیمار یا سالمند خانواده مراقبت کنند و یا سهم بسزایی در درآمد خانواده داشته باشند.

## منزلت دختران: رویارویی با حقایق

- دختران یک اقلیت عددی در جهانند و نسبت دختران به پسران همچنان رو به کاهش

دارد.

- چهل درصد، یا بیشتر ، از کودکان در فقر زاده می شوند و با پیامدهای مربوط به دریافت مواد غذایی مواجهند. در بسیاری از کشورها، توزیع خوراک در خانواده در جهت مراعات نفع مردان و پسران صورت می گیرد، و زنان و دختران سهمی کمتر- هم از حیث کیفیت و هم از لحاظ کمیت - می برند.
- اگرچه سن ازدواج در سراسر جهان بالا رفته است، با این حال تخمین زده می شود که ازدواج زیر ۱۵ سال در آسیا ۱۸ درصد، در افریقا ۱۶ درصد، و در امریکای لاتین ۸ درصد تمامی ازدواجها را تشکیل می دهد. از سوی دیگر، پسران هنگامی ازدواج می کنند که کاملاً بزرگ شده باشند. درصد دختران ۱۵ تا ۱۹ ساله ای که ازدواج می کنند حتی در میان منطقه ها نیز به شدت متفاوت است: از ۱۰۰ درصد در اروپای شرقی، ۳۰ درصد در اروپای غربی و امریکای شمالی، ۳۰ درصد در آسیای شرقی، ۴۰ درصد در آسیای جنوبی، ۱۰ درصد در افریقای شمالی تا ۲۹ درصد در بخش جنوبی صحرای افریقا
- ازدواج زود هنگام به فرزند زایی کودکان می انجامد . درمورد زنان جوانی که فرزند می زانند احتمال بیشتری می رود که لطمه های وارد بر سلامتی را تجربه کنند. به علاوه ممکن است امیدهایشان برای تعلیم و تربیت و اشتغال نیز ضعیف تر شود.
- اگرچه امروزه تعداد تحصیل کردگان بیشتر است، در ۱۹۹۳ نزدیک به ۶۰ درصد از ۱۳۰ میلیون کودک بین ۶ تا ۱۱ ساله ای را که به مدرسه راه نداشتند دختران تشکیل می دادند . با این حال ، هنوز هم اختلاف سطوح درمناطق وجود دارد، چنان که در افریقا و آسیای جنوبی توجه کمتری به نیازهای دختران نسبت به تعلیم و تربیت می شود.

- در امریکای لاتین و ناحیه کارائیب، ۵۶ درصد دختران به دبیرستان راه دارند. این نسبت در مورد پسران فقط ۵۲ درصد است.
- تقریباً در تمام کشورها، دختران باری سنگین تر از بار کار پسران را بر دوش دارند و احتمالاً مزدی هم بابت کارشان دریافت نمی کنند.

## آداب سنتی زیان بخش

والدین و فرهنگ حاکم بر جوامع ممکن است تا حدی بر آداب سنتی غلط خود تأکید ورزند که گاهی بر سلامت دختران آسیب برساند و در این مواقع، متأسفانه دختران نیز به جهت عدم وقوف بر حقوق خود و یا ناتوانی در برخورد صحیح و همچنین نداشتن حمایت کافی، مورد صدمات جدی واقع شده و حتی ممکن است به راههای انحرافی کشانده بشوند.

آداب سنتی بسیار محدود کننده، ازدواجهای تحمیلی و زودرس، فشارهای غیر منطقی خانواده ها، دیده و شنیده نشدن خواسته های دختران، مخارج بالای ازدواج و جهیزیه و ختنه دختران، از جمله این موارد است.

مقتضیات فرهنگی برای زیبا و «خواستنی» جلوه کردن زنان به پیدایش انواع رفتارهای گوناگونی انجامیده اند که تندرستی زنان را تهدید می کنند، رفتارهایی چون محکم بستن پا (برای کوچک ماندن) و مصرف مواد ناسالم برای سایه زدن بر چشم یا روشن کردن رنگ پوست که شاید موجب سرطان شوند. در جاهایی که زیبایی و جذابیت زنانه با شهوت انگیز بودن تمام عیار جسم سنجیده می شوند، ممکن است پرخوری و تغذیه اجباری برای دختران جوان لازم گردد. در کشورهای صنعتی، که معیار برای زیبایی زنان در آنها لاغر و قلمی بودن است. پرهیزهای خطرناک از خوردن غذا، و حتی بی اشتهاهایی ناشی از

عوامل روانی، و بیماری لاغری مفرط در بین زنان جوامع رواج دارد. از میان ۱۰۰ تا ۲۰۰ زن جوان در این جوامع، یک تن به بیماری بی اشتها و اختلال روانی مبتلا است که مشخصه اش میل به گرسنگی دادن به خویشتن است، که گاهی به مرگ می انجامد.

ازدواج‌های زود هنگام بر تندرستی و استقلال میلیون‌ها دختر جوان لطمه وارد می آورد ارچه قوانین ملی ممکن است ازدواج زود هنگام را منع کنند. با این حال شاید هنوز سنتهایی وجود داشته باشند که مقامهای رسمی بر اجرای آنها چشم فرو بندند. ازدواج زود هنگام تقریباً همیشه به تحصیل کردن خاتمه می دهد و به حاملگی و زایمان می انجامد بر طبق تحقیقات « سازمان جهانی بهداشت » (WHO) مرگ و میرهای ناشی از عوارض بارداری و زایمان بین دختران ۱۰ تا ۱۴ ساله پنج برابر بیشتر از این گونه مرگو میرها در میان زنان ۲۰ تا ۲۴ ساله است.

این گونه آداب سنتی موجب پایمال شدن حقوق انسانی متعددی می گردند. از جمله حقوق بهره مند بودن از زندگی، حریم خلوت، آزادی تشکیل اجتماعات، آزادی بیان و عدم تبعیض، و نیز رهایی از خشونت و شکنجه. درعین حال ممکن است سنتهای زیان آور بر طبق قوانین ملی، منطقه ای و بین المللی، ممنوع شده باشند.

## خشونت علیه دختران

« برخی از سنتها و رسوم- از قبیل ختنه دختران، ازدواج زود هنگام، و ازدواج اجباری- ممکن است صورتی از خشونت بر ضد دختران باشند. به علاوه، دختران در اثر عواملی چون جوان بودن، وجود فشارهای اجتماعی، فقدان قوانین حمایتی، یا ناتوانی برای اجرای قوانین، در برابر همه انواع خشونت- به ویژه خشونت جنسی، تجاوز به عنف، سوء استفاده جنسی، استثمار جنسی، خرید و فروش

غیر قانونی و احتمالاً فروش اعضاء و اندامهایشان، و کار اجباری- آسیب پذیرترند» (برنامه عمل پکن، بند

۲۶۹)

## خشونت جنسی

دختران سراسر جهان با آزار و خشونت جنسی در خانه، در مدرسه، و در خیابان مواجهند، و بخش اعظم تشکیلات دادگستری فاقد اختیار یا اراده سیاسی برای جلوگیری از چنین بدرفتاریهایی است. دامنه آزار دیدن دختران توسط پسران در مدارس مختلط از بگومگوهای بی ادبانه و توهین آمیز شروع می شود تا قرار گرفتن در معرض حمله های بدنی و تجاوز جنسی ادامه می یابد. مثلاً در یکی از پژوهشهای اخیر «انجمن امریکایی زنان دانشگاهی» (AAUM) معلوم شد که ۸۵ درصد دختران در امریکا از موارد وقوع مزاحمت های جنسی در مدارس گله دارند.

## خشونت خانگی و آمیزش با محارم

دختران در خانه های خود نیز با خشونت مواجهند، « گزارشگر ویژه سازمان ملل در زمینه خشونت علیه زنان» میان شاهد بودن و چشیدن مستقیم طعم خشونت در کودکی و رفتار خشونت آمیز در بزرگسالی به وجود پیوندهایی پی برده است.

اگرچه از قوانین کیفری عام و خاص می توان در مورد خشونت های خانگی استفاده کرد، اما این قوانین به ندرت به اجرا در می آیند، آمیزش با محارم، یعنی سوء استفاده جنسی از کودکان در درون خانواده، نوع خاصی از خشونت خانگی علیه کودکان به شمار می رود. قربانیان این نوع آمیزش هم از ضربه های شدید روانی رنج می برند و هم از دردها و ناراحتی های جسمانی، از قبیل پارگی های مقعدی و مهبل، عدم کنترل مثانه، بیماری های مقاربتی، و بارداری زودهنگام در خردسالی، عارضه های روانی این امر در



دراز مدت به صورت مشکلات رفتاری و افسردگی شدید بروز می کنند. تعداد مراکز خدمات اجتماعی برای رسیدگی به قربانیان آمیزش با محارم، البته اگر وجود داشته باشند. بسیار ناچیز و انگشت شمار است.

**درپیمان نامه حقوق کودک (ماده ۱۹)** از دولتهایی که پیمان نامه را به تصویب رسانده اند، خواسته شده است که « همه اقدامات قانونی، اداری، اجتماعی، و آموزشی لازم و مقتضی را به عمل آورند تا از کودک در برابر همه شکل‌های خشونت جسمی یا ذهنی، صدمه یا سوء استفاده، بی توجهی یا سهل انگاری، بد رفتاری یا بهره کشی، از جمله بهره کشی جنسی، محافظت کنند.» تقریباً در قوانین همه کشورها آمیزش با محارم جرم کیفری شناخته شده است، اما فقط موارد معدودی از این جرم تحت پیگرد قانونی قرار می یگرد. خانواده هایی که این گونه آمیزشها در آنها رخ می دهند معمولاً تلاش می کنند که بر این راز سرپوش بگذارند. بزرگسالی که مرتکب این سوء استفاده جنسی می شود کودک را به ساکت ماندن تهدید می کند، و سخن کودکانی را که از این بابت حرفی می زنند کمتر کسی باور می کند. پلیس و دادیاران غالباً چندان مایل نیستند که بر اتهامات پافشاری کنند، و مدعیند که نمی توانند در زندگی خصوصی خانواده به « مداخله » پردازند. اگر هم اتهامات مطرح شوند در دستگاه قضایی بندرت از حقوق کودکان حمایت می شود. کودک با وادار شدن به دادن گواهی در طول محاکمه بی آن که قبل و بعد از دادن گواهی از کمک های مشاوره ای و حمایتی برخوردار باشد، ممکن است از نو به ضربه های روحی گرفتار آید. به سبب نارساییهای دستگاه قضایی و خدمات اجتماعی، آمیزش با محارم به صورتی یکی از نامرئی ترین انواع خشونت خانوادگی باقی مانده است که به دشواری می توان آن را با اسناد و مدارک به اثبات رساند.

## تعریف بدرفتاری با کودکان

بدرفتاری با کودکان در چهارسته کلی جای می گیرد:

**بی توجهی:** کوتاهی دربرآوردن نیازهای اساسی کودک. بی توجهی ممکن است بدنی، تحصیلی، یا عاطفی باشد. بی توجهی بدنی عبارت است از کوتاهی در فراهم ساختن خوراک و پوشاک کافی، مراقبتهای پزشکی مناسب، سرپرستی، یا اقدامات مقتضی برای حفظ کودک از گزند آسیبهای طبیعی - که ممکن است شامل رها کردن کودک نیز باشد. بی توجهی تحصیلی عبارت است از کوتاهی در فراهم آوردن امکانات تحصیل مقتضی در مدرسه یا برآوردن نیازهای خاص آموزشی و ایجاد زمینه برای مدرسه گریزیهای بیش از حد. بی توجهی روانی عبارت است از فقدان عشق و علاقه و عدم حمایت عاطفی و کوتاهی در محافظت کودک از رفتارهای نادرست. از جمله ایجاد زمینه برای مشارکت کودک در مصرف مواد مخدر و الکل.

**آزار جسمی:** وارد آوردن آسیب جسمی بر کودک. این بد رفتاری ممکن است شامل سوزاندن، ضربه زدن، مشت کوبیدن، تکان دادن، لگد پراندن، کتک زدن، یا اعمال دیگری شود که بر کودک آسیبی وارد می آورند. چنین لطمه هایی را آزار نامند، خواه بزرگسال قصد آسیب رساندن داشته باشد و خواه نداشته باشد. مثلاً آسیب ممکن است ناشی از تأدیب بیش از حد یا تنبیه بدنی باشد که مقتضی سن و سال کودک نباشد.

**آزار جنسی:** رفتار نامناسب جنسی با کودک عبارت است از نوازش کردن غیر متعارف کودک و واداشتن کودک به رفتار متقابل با بزرگسال، مجامعت، آمیزش با محارم، تجاوز به عنف، لواط، عورت نمایی، و استثمار جنسی، این نوع رفتار متضمن مجبور ساختن، گول زدن، رشوه دادن، تهدید کردن یا

وارد آوردن فشار بر کودک برای متوجه کردن یا واداشتن وی به فعالیت جنسی است. آزار جنسی هنگامی روی می دهد که کودکی بزرگ تر یا آگاه تر یا فردی بزرگسال از یک کودک برای لذت جنسی استفاده کند. آزار جنسی نوعی سوء استفاده از قدرت در مورد کودکان و پایمال کردن حق کودک برای داشتن روابط به هنجار ، سالم و ساده دلانه است.

## کودکان خیابانی

کودکان بی خانمان شهری یا « کودکان خیابانی» یا انبوهی از مشکلات گوناگون مواجهند . کودکان خیابانی که با تخمین محتاطانه رقم آنها در سطح جهان تا ۸۰ میلیون برآورد می گردد. تقریباً در همه کشورها یافت می شوند. در امریکا، تعداد کودکان بی خانمان بیش از یک میلیون برآورده شده است. (۵۰ درصد زنان و کودکان که در خیابانها بسر می برند کسانی هستند که از خشونت در خانه گریخته اند).

همه کودکان خیابانی فوق العاده در معرض خطر استثمار جنسی و مصرف مواد مخدر قرار دارند. آنان، برای امرار معاش، ناگزیرند بدترین کارها را انجام دهند: فرختن مواد مخدر، پخش هرزه نگاریهای روسپیگری ، گدایی، دزدی، کهنه فروشی و خرید و فروشهای جزئی.

برای وقوع اکثر جرمهای خیابانی غالباً کودکان خیابانی را سرزنش می کنند در حالی که شواهد آماری خلاف این امر را نشان می دهند. چنان که یکی از پژوهشگران اشاره کرده است، « وظیفه ای که دولت در قبال کودکان خیابانی برعهده گرفته است، جز در چند مورد استثنایی، کمتر در جهت منافع کودکان و بیشتر در جهت پاک کردن خیابانها از وجود آنان است.»

## کار کودک

از کار دختران، هم در خانه و هم در محل کار، غالباً سوء استفاده می شود. بنابراین اظهار نظر (صندوق کودکان سازمان ملل) UNICEF، « کار کودک در کشورهای صنعتی غالباً از نظر پوشیده می ماند زیرا کار در این کشورها، مثل هر جای دیگر، جزئی از فرهنگ اصلی بشمار می رود، مثلاً، در جایی که مادران در بیرون از خانه به کار مشغولند تا زندگی خانواده را تأمین کنند یادر تلاش برای بهبود قدرت یادگیری خود به کلاسهای می روند، دختران خانواده به عنوان مراقبان تقریباً تمام وقت خواهران یا برادران کوچکترشان گماشته می شوند.»

در سراسر جهان، خانواده ها و جوامع دختران را از حق تفریح و فراغت محروم می کنند: پسران، در هر سنی و در هر فرهنگی، برای بازی، تحصیل علم، ورزش، تفکر، و پروراندن شخصیت خویش وقت بیشتری دارند.

فقر و عرف در برخی از کشورها طبقه ای از خانه داران خردسال را بوجود آورده است، اینان دخترانی هستند که برای خانواده های شهری فرستاده می شوند تا به صورت خدمتکار مشغول کار گردند. یونیسف تخمین یم زند که -/۴۰۰/۰۰۰/۰۰۰ کودک که اکثرشان دخترند، بخشی از نیروی کار خانگی را فقط در دهلی نو تشکیل می دهند.

### حقایق چنددر باره کار کودک

- در کشورهای رو به توسعه، ۲۵۰ میلیون کودک ۵ تا ۱۴ ساله در ازای دریافت مزد کار می کنند. از این عده، ۱۲۰ میلیون نفر به کار تمام وقت مشغولند.

- درمیان کودکانی که به مدرسه می روند ۳۳ درصد از پسران و ۴۲ درصد از دختران به کار نیمه وقت در فعالیتهای اقتصادی مشغولند.
- به طور متوسط، دختران ساعتهای طولانی تری کار می کنند و مزدی کمتر از پسران، در ازای کار یکسان، دریافت می دارند.
- دختران نخستین کسانی هستند که دست از مدرسه می کشند تا به سرکار روند و معاش خانواده هایشان را تأمین کنند. هرگاه تعلیم و تربیت به بخش خصوصی واگذار شود و قرار باشد میان تحصیل پسر و تحصیل دختر انتخاب صورت گیرد، معمولاً پسر در مدرسه می ماند.
- بالاترین نسبتهای مربوط به مشارکت دختران در نیروی کار عبارتند از ۲۰ درصد در بخش جنوبی صحرای افریقا، آسیای شرقی، و اقیانوسیه، و سپس ۱۲ درصد در آسیای جنوبی. لیکن فعالیت اقتصادی زنانه، به سبب ماهیت و نوع کاری که دختران انجام می دهند. احتمالاً کمتر در محاسبه منظور می شود: مراقبت از کودک، گردآوری مواد سوختنی و آوردن آب و تهیه خوراک « کار» به شمار نمی آیند بلکه وظیفه اختصاصی زنانه محسوب می شوند. دختران در بخشهایی چون کشاورزی، ماهیگیری، و جنگلداری، تولید صنعتی (از قبیل قالی بافی) و خدمات اجتماعی و شخصی (از قبیل کارهای خانگی) متمرکزند.
- براساس تحقیقی که در جمهوری اسلامی ایران صورت گرفته است ۲۶٪ والدین دلیل نفرستادن دختران خود را به مدرسه نیاز به اودر کار خانه از جمله کمک به خانه داری و نگهداری بچه های کوچکتر یا آوردن هیزم آب دانسته اند و ۲۵٪ نیز اعلام داشته اند چون

به او در مزرعه خانوادگی نیاز دارند یا او مواظب گله است یا به کارهای دستی اشغال دارد (تحقیقی در موانع دسترسی دختران برآموزش ابتدایی در استانهای کردستان، هرمزگان و کهگیلویه و بویر احمد، معاونت آموزشی وزرات آموزش و پرورش ، ۱۳۷۵).

## نقش اولیای امور

از آنجا که همه دولتهای عضو سازمان ملل، جز دو دولت، CRC را به تصویب رسانده اند، نخستین وظیفه حکومتها باید پای بندی به تعهدشان در اجرای مفاد این پیمان نامه باشد. مسئولان حکومت و جامعه و رسانه های گروهی می توانند در حمایت از حقوق انسانی دختران یا ایجاد مانع و مزاحم در راه آنها نقشی هم مستقیم و هم غیر مستقیم ایفا کنند. حکومتها، بسته به عمل یا بی عملی خود، در این موارد مسئولند.

هرجا که دسته ها و گروههای خصوصی ( نقش آفرینان غیر دولتی) در حقوق انسانی دختران مداخله یا ایجاد مزاحمت کنند، دولتها باید « جدو جهد مقتضی» در پرداختن به این مسئله از خود نشان دهند به عبارت دیگر، دولت باید بر طبق قوانین محلی گامهای فعالی بردارد تا دست اندرکاران بخش خصوصی را که احياناً مرتکب سوء استفاده می شوند بر سر جای خود نشاند، تحت تعقیب قرار دهد، و به مجازات رساند. به منظور حمایت از حقوق دختران، دولتها باید اقداماتی به عمل آورند تا رسومی چون ختنه دختران (FGM) ، ازدواج اجباری، و آداب سنتی دیگری را که به دختران آسیب می رسانند ریشه کن سازند. دولتها همچنین می توانند محتوای نظام آموزشی خود را ارزیابی کنند، فعالیتهایی در زمینه آموزشهایی که موجود نیست آغاز کنند، و فرصتهایی برای دختران بوجود آورند تا به ورزش پردازند و در کلاسهای فنی مورد علاقه خود شرکت جویند.

## برنامه های مثبت برای حقوق انسانی دختران

- تا آوریل ۱۹۸۹، ۱۹۱ کشور پیمان نامه حقوق کودک را تصویب کرده بودند. فقط دوکشور - سومالی و امریکا- از تصویب آن خودداری کرده اند.
- آزمون ژنتیک برای انتخاب جنس فرزند در هند، برطبق مقررات سال ۱۹۹۴ و « لایحه جلوگیری از سوء استفاده» در چین از ۱۹۹۵ رسماً ممنوع شده است.
- مجمع هفت نفره موسوم به « انجمن آسیای جنوبی برای همکاری منطقه ای» سال ۱۹۹۱ تا ۲۰۰۰ را دهه « دختر بچه » اعلام کرده و برنامه هایی برای بالابردن سن ازدواج تدارک دیده و مراقبتهای بهداشتی و خدمات دیگری را برای دختران در نظر گرفته است.
- کشورهای افریقایی، از طریق « سازمان وحدت آفریقا» در سال ۱۹۹۰ منشور افریقایی مربوط به حقوق و رفاه کودک را - با تأکید بر دختران - به تصویب رساندند.
- در ۱۹۹۶، ANA یک گروه زنان رومانیایی، فعالیت تبلیغی را در زمینه مطالب آموزشی غیر جنسیتی در کتابهای درسی دولتی آغاز کرد.
- انتشار « ماه نو» مجله ای بین المللی به قلم و درباره دختران، در ۱۹۹۲ آغاز شد و به نهضتی به نام « ماه نو» انجامید که تصویر های مثبتی از دختران را ترویج می کند.
- سه نهاد وابسته به سازمان ملل - (صندوق کودکان سازمان ملل متحد ) UNICEF ، (سازمان جهانی بهداشت)، WHO ، و (سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی ملل متحد) UNESCO - با همکاری بیش از ۳۰۰ سازمان غیر دولتی، فعالیت آموزش همگانی

عمده ای را در مورد بهداشت و تندرستی کودکان به نام « حقایق برای زندگی » آغاز کرده اند.

## رویارویی با حقایق درج ۱.۱

- با وجود رشد آمار داخلی در خصوص آموزش دختران و پیشرفت قابل توجه آنان در زمینه های تحصیلی همچنان شاهد محرومیت دختران در مناطق روستایی و محروم کشورمان می باشیم. براساس تحقیقی در استان سیستان و بلوچستان فقط ۴/۸۱ زنان در سطح استان با سواد هستند و برطبق سرشماری سال ۷۵ تنها ۱۵/۴ دختران به سطح راهنمایی و ۶/۱ به دبیرستان راه می یابند. ( دکتر رحمت اله صدیق سروستانی ۱۳۷۵ دانشکده علوم

اجتماعی دانشگاه تهران

- با وجود بالا رفتن سطح تغذیه عمومی همچنان ۱۶/۳٪ از دختران و ۱۵٪ از پسران دچار سوء تغذیه هستند.

- دختران نسبت به پسران هم سن خود تسهیلات ورزشی و هنری و آموزشی کمتری برخوردارند.

- تعدد دخترانی که در خانه یا برای کسب درآمد مشغول به کار هستند دوبرابر پسران است.

- اصل ۳۰ قانون اساسی تصریح دارد که ، دولت موظف است وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد و وسایل تحصیلات عالی را تا سرحد خودکفایی کشور به طور رایگان گسترش دهد.



- ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی: ازدواج قبل از بلوغ ممنوع است و در ادامه اضافه می شود که ازدواج شخص صغیر با اجازه ولی وی در صورتی که مصالح کودک در نظر گرفته شده باشد بلامانع است.
- قانون مدنی، نفقه کودک شامل مسکن، لباس، غذا و اثاث خانه را به عهده فردی که حضانت کودک برعهده اوست می داند.
- ماده ۱۱۶۸ قانون مدنی: نگهداری فرزند هم حق و هم مسئولیت والدین است.
- طبق ماده ۴۹ قانون مجازات اسلامی، مسئولیت جزایی دختران، شش سال زودتر از پسران شروع می شود. چرا که حد بلوغ شرعی ملاک مکلف بودن است).
- امروزه درمورد سن تکلیف و بلوغ شرعی دختران نظرات متفاوتی از سوی علمای دینی مطرح شده است و احتمال انطباق آن با شرایط کنونی و همچنین جغرافیایی می رود.
- تبصره ماده ۱۸ قانون مبارزه با مواد مخدر به مقامات قضایی اجازه می دهد تا سوء استفاده کنندگان از کودکان در این زمینه را به شدید ترین وجه مجازات کنند و درمورد ممنوعیت تجارت کودکان یا بهره کشی غیر قانونی از آنان صراحت دارد و مجازاتهای شدیدی رای متخلفین در نظر گرفته است.

## برنامه های مثبت برای حقوق انسانی دختران در

### جمهوری اسلامی ایران

- افزایش بهره مندی کودکان سنین ۱۰-۶ از آموزشهای رسمی ۹۸/۷ درصد برای پسران و ۹۵/۸ درصد برای دختران در سال ۷۸
- در سال ۱۳۷۹، ۶۲ درصد پذیرفته شدگان دانشگاه کشور را دختران تشکیل می دهند.
- اقدام به عمل در خصوص بهسازی سیمای زن در کتابهای درسی
- گسترش و توسعه باشگاهها و آموزشگاههای ویژه دختران روستایی
- ارتقای مدارس فنی و حرفه ای و کار و دانش خاص دختران به ۶۲۷ عدد در سال ۷۸
- تشکیل اداره خاص جهت توجه و گسترش هرچه بیشتر ورزش دختران در آموزش و پرورش
- اجرای طرح بهداشت بلوغ در مدارس کشور و توسعه این طرح برای سالهای آتی
- ارتقای آگاهیهای عمومی در خصوص مسائل دختران از جمله :  
برگزاری دوکارگاه آموزشی برای سلامت دختران نوجوان و جوان در سال ۷۶  
برگزاری دوکارگاه برای سلامت بلوغ دختران در سالهای ۷۶ و ۷۷  
برگزاری سمینار در مورد پیشگیری از کودک آزاری توسط سازمان بهزیستی و یونیسف در سال ۷۷  
برگزاری سمینار کودکان خیابانی به منظور دستیابی به راهکارهای مبارزه با این پدیده و حمایت از کودکان خیابانی سال ۷۷

برگزاری همایش تواناسازی دختران روستایی در مشارکتهای اجتماعی با هدف جلب نظر

مسئولین به نیازها و خواسته های این قشر در سال ۷۶

- انجام تحقیقات گسترده در ۱۸ استان کشور پیرامون مسایل دخترچپه ها جهت شناسایی و

رفع معضلات موجود توسط واحد توسعه فعالیتهای زنان روستایی وزارت کشاورزی

- پایین آمدن نرخ رشد جمعیت به کمتر از ۱/۵ درصد در سال ۷۵ که خود بر رشد شرایط

مثبت برای دختران تأثیرگذار است

- بالارفتن سطح بهداشت عمومی باروری که بر سلامت مادران جوان تأثیر به سزایی داشته

است.

## حق انسانی زنان در مورد رهایی از خشونت

### مقدمه

زنان قطع نظر از این که در کجا زندگی می کنند و چه موقع و مقامی داشته باشند در معرض خشونتند. مثلاً زنان با هر پیشینه و موقعیتی ممکن است از جانب خویشاوندان مذکر در خانه طعم خشونت را بچشند و در مواقع جنگ و نزاع، زنان غالباً از همه سو مورد تجاوز، ضرب و شتم و یا سایر حمله های جنسی مردان قرار گیرند. زنان همچنین ممکن است قربانی خشونت در جاهایی شوند که در آنها حکومت یا حزب حاکم اعضای گروههای مخالف یا اقلیت را آزار دهد. بازداشت کند، کتک بزند، یا شکنجه دهد.

در زندان یا در بازداشتگاه یادر سایر محیطهای سازمانی از قبیل بیمارستانها، زنان با صورتهای خاصی از بدرفتاری مواجهند که دست کم تا حدی با جنسیت آنان ارتباط دارد. چنانکه در برنامه عمل پکن (بند ۱۲) اذعان شده است « خشونت علیه زنان موجب می شود که برخورداری از حقوق انسانی و آزادیهای اساسیشان هم پایمال شود و هم ضعیف یا منتفی گردد.»

همه این صورتهای خشونت سبب می شوند که بر سر راه مشارکت کامل زنان در جامعه، در اشتغال یا در فعالیتهای درآمدزای دیگر، در فعالیتهای سیاسی و انتخاباتی و در نتیجه بر سر راه برخورداری از حقوق شهروندی، استفاده از برنامه های تنظیم خانواده و بهره مندی از حقوق مربوط به باروری، و بر سر راه تعلیم و تربیت و شکوفایی کامل استعدادها و شخصیت ایشان موانعی پدید آید.

## اهداف

- تعریف و تعیین شکلهای گوناگون خشونت علیه زنان
- ادعان به اینکه همه شکلهای خشونت علیه زنان مواردی از پایمال کردن حقوق بشر به شمار می رود. خواه در کشمکشهای مسلحانه روی دهندو خواه در خیابان، خانه، محل کار یادر بازداشتگاه ، زندان یا سایر محیطهای سازمانی
- تعیین نقش حکومتها، هیأتهای حقوق بشر سازمان ملل متحد، رهبران اجتماع، رسانه های گروهی و خود زنان در عنوان کردن موضوع خشونت علیه زنان و ریشه کن ساختن آن
- کندوکاو در باره تأثیر کشمکشهای مسلحانه بر زنان و تشخیص راههای مقابله با خشونت علیه زنان در موقعیت های کشمکش و تعارض
- ابداع راههایی برای پیشگیری از خشونت علیه زنان در جامعه خودتان

## شروع به حرکت: شناختن خشونت علیه زنان

زنان انواع گوناگون خشونت را در سرتاسر چرخه زندگی خود تجربه می کنند. در دوره نوزادی به دلیل متولد شدن در جامعه ای که به دختران به اندازه پسران ارج نمی نهند ، ممکن است کشته یا دچار سوء تغذیه شوند، به عنوان دختر ممکن است مورد سوء استفاده جنسی قرار گیرند. در بسیاری از جوامع دختران پیش از آنکه جسمشان کاملاً پرورده شود مجبور به ازدواج و زایمان می شوندو در نتیجه ممکن است به آسیبهای شدید جسمی گرفتار آیند. به عنوان زن و دختر ممکن است در معرض تجاوز به عنف، خشونت های خانگی و مزاحمتهای جنسی قرار گیرند. معلوم شده است که خشونت در دوره بارداری یکی از علل عمده سقط جنین یا به دنیا آمدن کودکانی است که کمبود وزن دارند.

زنان نه تنها در مراحل مختلف زندگی طعم خشونت را می چشند بلکه خشونت را بنا بر طبقه، شغل، نژاد، یا سایر موقعیتهایشان به نحوه های گوناگون تجربه می کنند. زنان مهاجر به دلیل موقعیت حاشیه نشینی خود آسی پذیرترند و از همسران یا کارفرمایان خشونت می بینند. زنان فقیر و زنان بومی خشونت رادر دستهای پلیس، مقامهای رسمی حکومت یا مردانی از جوامع مسلط تر احساسا می کنند. زنان معلول و مسن نیز ممکن است آماجهای خاص برای خشونت باشند.

رسوم سنتی نیز ممکن است موجب خشونت هایی بر ضد زنان شوند. حقوق انسانی زنان در مورد بهره مندی از تندرستی و بهداشت در اثر آداب و رسومی که در برخی از جوامع وجود دارند پایمال می گردد. از جمله رسم سنتی ختنه کردن (FGM) که شاید لطمه شدیدی بر سلامت زنان و دختران وارد آورد. بد رفتاریهای مرتبط با جهیزیه نیز در برخی جوامع معمول است ( زنی که خانواده اش نتواند از عهده برآوردن تقاضاهای شوهرش در مورد پول و کالا بر آید ممکن است آزار ببیند یا حتی کشته شود).

فقر صورتی از خشونت ساختاری است که به عبارت دیگر شرایط فقر از جمله فقدان مراقبتهای بهداشتی و خوراک کافی و تغذیه مناسب - نظامی ظالمانه را تداوم می بخشد. زنان و کودکان از آنجا که احتمال فقیر بودنشان بیشتر است بیشتر نیز احتمال می رود که قربانیان این گونه فقر ساختاری می باشند.

## شکلهای خشونت در سرتاسر جهان

- کتک خوردن شدید بزرگترین علت آسیب دیدگی درمیان زنان آمریکا است، و دفعات استفاده از بخش فوریتهای پزشکی در این مورد (متجاوز از یک میلیون بار در هر سال)

بیش از دفعات استفاده از این بخش در موارد سوانح اتومبیل، کیف زنی، و تجاوز جنسی بر روی هم است.

- درپاپوئا، گینه جدید، ۶۷ درصد زنان روستایی و ۵۶ درصد زنان شهری قربانیان خشونت خانگی بوده اند.

- یک بررسی سیستم مراقبت سه ماهه در اسکندریه مصر نشان داد که خشونت خانگی علت عمده آسیب دیدگی زنان است، و ۲۷/۹ درصد همه مراجعات زنان به واحدهای مربوط به ضرب دیدگیها را تشکیل می دهد.

- با مشاهده یک نمونه تصادفی متشکل از ۱۵۰ زن در ترونهیم نروژ، معلوم شد که ۲۵ درصد آنان مورد بد رفتاری جسمی یا جنسی مردان قرار گرفته اند.

- در زایشگاهی در لیما، پایتخت پرو، ۹۰ درصد مادران ۱۲ تا ۱۶ ساله مورد تجاوز پدران، ناپدریها، یا خویشاوندان نزدیک خود قرار گرفته بودند.

- پژوهشی در باربادوس نشان داد که از هر سه زن یک نفر در دوره کودکی یا نوجوانی در معرض سوء استفاده جنسی واقع شده است.

- اسید پاشی برای خراب کردن چهره زنان در بنگلادش چنان متداول است که در قانون جزا بخش ویژه ای به آن تخصیص داده شده است.

- در هند، ۶۲۰۰ مورد مرگ و میر در ارتباط با جهیزیه در سال ۱۹۹۴ گزارش داده شد، یعنی به طور متوسط روزانه ۱۷ زن ازدواج کرده ای که خانواده هایشان از عهده پرداخت جهیزیه به خانواده شوهر بر نیامده بودند کشته شدند.

- در کاستاریکا، گزارش داده شد که ۴۹ درصد از یک گروه ۸۰ نفری زنان کتک خورده در دوره بارداری کتک خورده اند، ۷/۹ درصد از این عده جنین خود را سقط کرده اند.
- احتمال بیشتری می رود که زنان بیش از مردان قربانی بد رفتاری بزرگتران شوند. بیش از یک میلیون زن ۶۵ ساله و بالاتر در امریکا هر ساله قربانی بد رفتاری و خشونت می شوند.

## اعلامیه سازمان ملل متحد درباره رفع خشونت علیه زنان

در ۱۹۹۳ مجمع عمومی سازمان ملل متحد اعلامیه رفع خشونت علیه زنان را تصویب کرد ( قطعنامه ۴۸/۱۰۴ مجمع عمومی به تاریخ ۲۰ دسامبر ۱۹۹۳) در این سند خشونت علیه زنان در معنایی گسترده این گونه تعریف شده است:

«ماده ۱: اصطلاح خشونت علیه زنان به معنی خشونت آمیزی است که بر اختلاف جنسیت مبتنی باشد و به آسیب یا رنج بدنی، جنسی یا روانی برای زنان بی انجامد یا احتمال منجر شدن آن به این نوع آسیبه‌ها و رنجه‌ها وجود داشته باشد، از جمله تهدید به این گونه اعمال، زورگویی، یا محروم سازی خودسرانه از آزادی، خواه در زندگی عمومی و خواه در زندگی خصوصی».

ماده ۲: خشونت علیه زنان را باید طوری استنباط کرد که موارد زیر رادر بر می گیرد، اما محدود به این موارد هم نیست:

(الف): خشونت های جسمی، جنسی، و روانی که در خانواده روی می دهند، از جمله کتک زدن، سوء استفاده جنسی از فرزندان اناث خانواده، خشونتهای مرتبط با جهیزیه، ختنه دختران و سایر رسمهای زیان آور برای زنان، خشونتهایی توسط غیر همسر در ارتباط با سوء استفاده با بهره کشی و...



(ب) : خشونت‌های جسمی ، جنسی، و روانی که در اجتماع روی می دهند از جمله تجاوز به عنف ، سوء استفاده جنسی، مزاحمت جنسی و ایجاد ارعاب در محیط کار و موسسه های آموزشی و در هر جای دیگر. خرید و فروش زنان به صورت قاچاق ، و روسپیگری اجباری .

(پ) : خشونت‌های جسمی، جنسی، و روانی که دولت مرتکب می شود یا از آنها اغماض می کند، هر جا که روی دهند، به بیان دیگر دولت باید مسئول خشونت‌هایی باشد که هم از اقداماتش و هم از خودداریش در اقدام ( فعل و ترک فعل) ناشی می شوند.

#### الف: در اعلامیه این نکته ها طرح شده اند:

- تعریفی روشن و جامع درباره خشونت علیه زنان
- اصول حقوق انسانی که در آنها رفع همه انواع خشونت علیه زنان مطرح شده است.
- تعهد دولت‌ها در ارتباط با مسئولیت‌هایشان
- تعهد جامعه بین المللی در جهت رفع خشونت علیه زنان

ب : اعلامیه مشخصاً دولت‌ها را مسئول استفاده از همه وسایل ممکن و کافی برای رفع همه اعمال خشونت آمیز علیه زنان می داند، و دونوع مسئولیت برای دولت ذکر می کند:

- (۱) مسئولیت خشونتی که مأموران دولتی مرتکب می شوند و
- (۲) مسئولیت خشونتی که کسان دیگری مرتکب می شوند و مأموران دولت واکنش مناسب در برابر آن نشان نمی دهند.

ت : به دولت‌ها هشدار داده شده است که به دلیل برخی ملاحظات در اقدام کردن سستی به خرج ندهند.

ج : اعلامیه همچنین توصیه می کند که دولتهای عضو در فکر پدید آوردن طرحهای اقدام ملی برای محافظت زنان از خشونت باشند یا این مفاد و شروط را در طرحهای خود بگنجانند. در اجرای این کار دولتها باید به تجربه های سازمانهای غیر دولتی بخصوص آنهایی که در زمینه خشونت علیه زنان فعال بوده اند، نظر داشته باشند. در پرداختن به اقدامهای پیشگیرانه به دولتها هشدار داده شده که مواظب باشند که با تصویب قوانین و پذیرفتن آداب و رسومی که با نگاه حساس به مسئله جنسیت نمی نگرند موجب قربانی شدن هرچه بیشتر زنان نشوند.

چ : اولیای امور دولت تشویق شده اند که برای همه مأموران رسمی مسئول پیشگیری، پژوهش، دادرسیهای کیفری و مجازات خشونت علیه زنان، دوره هایی آموزشی در زمینه رفع خشونت علیه زنان برگزار کنند و زنان مجربی که نظر حساسی به مسئله جنسیت دارند عهده دار این دوره های آموزشی شوند. ۱

ج : در اعلامیه از دولتها دعوت شده است که به منظور اعتراض به الگوهای مربوط به رفتار مردان و زنان و خشونت در خانه و خیابانها، برنامه هایی در مدارس دولتی در همه سطوح ترتیب دهند.

## زنان در موقعیتهای درگیری و کشمکش

موانع حقوق بشر و موارد نقض آشکار آنها در جنگ عبارتند از: «شکنجه و رفتار یا مجازات بی رحمانه، غیر انسانی، و توهین آمیز، اعدامهای شتابزده یا خودسرانه، بازداشتهای خودسرانه، همه صورتهای

---

<sup>۱</sup> از جمله دوره های آموزشی مشابه می توان به همکاری قوه قضائیه و یونیسف در زمینه آموزش دادرسی اطفال و نوجوانان به قضات سراسر

کشور، اشاره کرد.

نژادپرستی و تبعیض نژادی، اشغال سرزمینها توسط قوای بیگانه و سلطه اجنبی، بیگانه ستیزی، فقر، گرسنگی، محرومیت‌های دیگر از حقوق اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی، نابردباری یا عدم مدارای مذهبی، هراس افکنی، تبعیض علیه زنان، و عدم حاکمیت قانون» (برنامه عمل پکن، ۱۱۳). غیر نظامیان، به ویژه زنان و کودکان، سالخورده‌گان، و معلولان غالباً در مواقع جنگ و نزاع قربانیان خشونت‌هایی هستند که دامنه شان از جنگ‌های جهانی یا داخلی تا موارد نقض حقوق بشر (همراه با حمایت دولت یا اغماض دولت) علیه اقلیت‌های سیاسی، نژادی، قومی، ملی، یا مذهبی گسترده است.

حکومت، شبه نظامیان و سایر مخالفان، معمولاً زنان را به سبب وابستگی‌های قومی، ملی، مذهبی، نژادی و یا سیاسی مختلفی که دارند هدف خشونت قرار می‌دهند. اما در این میان عالمی هم وجود دارد که با جنسیت مرتبط است. زنان غالباً در مواقع کشمکش گرفتار بد رفتاریها و عواقبی می‌شوند که با آنچه بر سر همتایان مذکرشان می‌آید فرق دارد. مثلاً در طول تاریخ همواره سربازان زنان رادر جنگ مود تجاوز جنسی قرار داده اند. تجاوزهای دسته جمعی به زنان در سالهای اخیر در کشورهای مختلفی از قبیل بوسنی، کامبوج، هائیتی، پرو، سومالی، و اوگاندا با اسنادو مدارک به اثبات رسیده اند. اگرچه گاهی اوقات مردان نیز طعم تجاوز و خشونت جنسی را می‌چشند، اما به خصوص زنان آماج این نوع خشونتند، و غالباً این راهی برای تحقیر کردن و به شکست کشاندن مردان آن‌ج-امعه است. علاوه بر رفتار یکایک سربازان، که لزوماً برنامه ریزی شده نیست اما معمولاً بادیده اغماض نگریسته می‌شود، تجاوز به عنف و خشونت جنسی ممکن است بخشی از راهبرد برنامه ریزی شده برای به هراس افکندن جمعیت نیز باشد. به علاوه، هنگامی که زنان در ضمن بازجویی و حبس هم در زمان جنگ و هم در زمان صلح شکنجه می‌شوند، ممکن است شکنجه از نوع جنسی هم باشد.

زنان ، علاوه بر مقابله با خشونت مستقیمی که بر خودشان وارد می آید، باید به خشونت هایی که با عزیزان، شوهران، والدین، و فرزندانشان می شود نیز رسیدگی کنند. هنگامی که مردان مورد حمله قرار می گیرند یا زندانی می شوند، زنان همواره تنها می مانند و ناگزیرند که مراقبت از خانواده هایشان را برعهده گیرند و برای رهایی اعضای ذکور خانواده اقدام کنند. ترس از خشونت تأثیر مستقیم و خاصی نیز بر زنان دارد مثلاً ترس از تجاوز جنسی و ترس از گرفتار آمدن در مهلکه ممکن است زنان را وادارد که در خانه بمانند یا به مخفی گاه روند. ترس از خشونت توانایی زنان را برای رفتن به محل کار، پرداختن به کار در مزارع، خرید کردن از فروشگاهها، یا ایستادن در صف کمکهای انسان دوستانه محدود می سازد. در مورد زنان بچه دار، ترس از خشونت موجب می شود که آنان به سبب مراقبت از رفت و آمد فرزندان گرفتار فشار روحی مداوم شوند. و گاه ناگزیرند که بچه ها را در خانه محبوس کنند یا حتی به مخفی گاه ببرند.

موقعیتهای کشمکش و درگیری ممکن است سطح خشونت خانگی علیه زنان را نیز افزایش دهند. رژیمهایی که از طریق سست کردن ریشه های عزت نفس و ابراز وجود مردم اعمال قدرت می کنند معمولاً بر سلطه مبتنی بر اختلاف جنسیتی و نیز اختلاف طبقاتی و قومی دامن می زنند.

برای زنان همیشه دشوار است که خشونتهای خانگی را گزارش دهند، اما درموقعیتهای جنگو کشمکش، زنان ، به دلیل وجود برخی از محرمت اجتماعی (Taboo) شاید از گزارش دادن خشونت فوق العاده اکراه داشته باشند. جامعه های درگیر جنگ و نزاع زمانی ممکن است به چشم پوشیدن از خشونت های خانگی راغب تر باشند که مرد مرتکب خود یکی از قربانیان خشونت قومی باشد.

حقوق زنان درگیر کشمکش، از جمله حق رها بودن از خشونت جنسی، را باید با قوانین ملی، منطقه ای و بین المللی تحکیم و تقویت کرد از جمله با:

- عهدنامه ای ژنومربوط به سال ۱۹۴۹ (حمایت از افراد غیر نظامی در زمان جنگ) و پروتکل‌های الحاقی آن
- پیمان نامه بین المللی مربوط به لغو شکنجه و مجازات‌های بی رحمانه و غیر انسانی
- قانون عرفی بین المللی و احکام قضایی دیوان بین المللی جنایات جنگی در مورد یوگسلاوی سابق و رواتندا، که به « جنایت علیه بشریت » اذعان می کنند.
- کمیساریای عالی سازمان ملل در امور پناهندگان (UNHCR) رهنمودهایی در زمینه رفتار با زنان پناهنده و، به خصوص، درباره خشونت علیه زنان صادر کرده است.

### زنان در آرامش بخش

در دوره جنگ جهانی دوم، از -/۱۰۰/۰ تا -/۲۰۰/۰ زن به نحوی منظم از همه جا استخدام یا ربوده می شدند و با رفتار سبعانه ای که در موردشان صورت می گرفت مجبور می گردیدند که به عنوان «زنان آرامش بخش» از لحاظ جنسی در خدمت سربازان ژاپنی قرار گیرند. «زنان آرامش بخش»، اگرچه ۸۰ درصد اهل کره بودند ( کره در آن زمان یکی از مستعمرات ژاپن بود)، اما شامل زنان ژاپنی، فیلیپینی، چینی، اندونزیایی، و اروپایی نیز می شدند. قرار بر این بود که هر زن در هر روز تقریباً به ۳۰ سرباز خدمت کند، و در عوض مزد ناچیزی می گرفت یا اصلاً مزدی دریافت نمی کرد.

گواهیه‌های قوی و قدرت سازماندهی «زنان آرامش بخش» سابق و حامیان آنان موجب شدند که جوامع زنان و حکومت‌های کره، فیلیپین، چین، و اندونزی، ژاپن را مجبور سازند که عذرخواهی کنند و به آن زنان غرامت بپردازند.

در ۱۹۹۳، ژاپن، پس از ۵۰ سال انکار، سرانجام پوزشنامه ای صادر کرد و، همراه با آن، غرامتها را به صورت تسهیلات تحقیقاتی و ارزی به کشورهای پرداخت که «زنان آرامش بخش» سابق از آنها گرفته شده بودند، و تأمین هزینه کمک‌های پزشکی و اجتماعی را نیز برعهده گرفت. اگرچه تقاضای بین‌المللی برای جبران خسارات فردی ادامه دارد، پاسخ ژاپن در واقع ستایشی است از قدرت و صلابت بازماندگان «زنان آرامش بخش» سابق و توان همکاری بین‌المللی در میان زنان و گروه‌های حقوق بشر.

یکی از رویدادهایی که به وضوح ثابت کرد که زنان توجه عموم را به این موضوع جلب کرده بودند، دیدار «گزارشگر ویژه در زمینه خشونت علیه زنان» در ۱۹۹۵ از کشور ژاپن بود، که سپس گزارشی به «کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل» تقدیم و تراژدی «زنان آرامش بخش» را محکوم کرد.

## زنان و صلح

از سال ۱۹۴۵ به این سو، بیش از ۲۵ میلیون انسان جان خود را به علل مرتبط با جنگ از دست داده‌اند، غیر نظامیان ۹۰ درصد تلفات را در جنگ‌های امروزی تشکیل می‌دهند. متجاوز از ۷۰ درصد این عده زنان و کودکانند.

اگرچه ممکن است مردان بیشتر درگیر جنگ باشند، اکثریت پناهندگان را زنان و کودکان تشکیل می‌دهند، و در نتیجه احتمال بیشتری می‌رود که اینان آواره یا کشته شوند.

زنان، به رغم آن که در دوره های جنگ و درگیری بیشتر در معرض قتل، تجاوز به عنف، شکنجه، سوء استفاده جنسی، محرومیت، آواردگی، و آسیب های روانی قرار می گیرند، معمولاً در مواضع تصمیم گیری در هیأت های ملی، منطقه ای، و بین المللی که جنگ به راه می اندازند یا برای صلح مذاکره می کنند جایی ندارند. به ندرت زنانی را می توان یافت که در مقام های بالای ارتش یا نیروهای حافظ صلح باشند، در شورای امنیت سازمان ملل، یادر سازمان های دفاع منطقه ای، از قبیل NATO زنانی انگشت شمار خدمت می کنند. باین حال، «در دوره های کشمکش های مسلحانه و فروپاشی جوامع، نقش زنان بسیار قاطع و تعیین کننده است... زنان به عنوان مربیان صلح، هم در خانواده و هم در اجتماعاتشان، سهمی مهم دارند، اما غالباً قدرشان از این بابت، چنان که باید و شاید، شناخته نمی شود»... (برنامه عمل پکن، بند ۱۴۰)

## زنان در زندان

در قانون بین المللی حقوق بشر از دیرباز توجه زیادی به رفتار با زندانیان معطوف بوده است. همدر نظر گروه های حقوق بشر و هم در نظر مقام های مسئول زندانها، زندانی خصلتاً مرد است. تقریباً در همه جا مردان به میزانی بالاتر از زنان رشد یابنده ترین تعداد جمعیت زندانی را تشکیل می دهند. توجه ناچیز به مردان زندانی موجب شده است که مسائل عمده مربوط به زنان زندانی نادیده گرفته شوند و مورد غفلت قرار گیرند.

اکثر زنان زندانی از طبقه فقیر یا کراگر یا از اعضای یک کاست یا گروه قومی یا نژادی هستند که از قدرت کمتری در جامعه برخوردارند. تحقیق نشان داده است که درصد فوق العاده زیادی از زنان زندانی قربانیان سوء استفاده جنسی و یا انواع دیگری از خشونت در خانواده بوده اند.

زنان زندانی، مثل مردان زندانی، صرفنظر از علت زندانی بودنشان، دارای حقوق انسانی هستند که باید آنها را رعایت کرد. برطبق ضوابط بین المللی دولتها موظفند که با زندانیان به نحوی انسانی رفتار کنند، تضمین نمایند که آنان را در معرض شکنجه یا هرگونه رفتار یا تنبیه بی رحمانه، غیر انسانی، و توهین آمیز قرار ندهند، شرایط زیست مناسب برایشان فراهم سازند، و براساس جنسیت یا هرزمینه دیگری تبعیضی برای زندانیان قائل نشوند.

### خشونت خانگی

زنان به انواع گوناگون خشونت دربیرون از خانه دچارند، از جمله آزار و اذیت جنسی درمحلهای کار، سوء استفاده نگهبانان زندان، حمله درمکانهای عمومی، خیابانها، و اتوبوسها، سخنان زشت در خیابان، که دیدار از برخی مکانها را برای زنان تنها، یا بدون مرد، ناخوشایند یا ناممکن می سازند، حمله به زنان مسافر، تجاوزبه عنف، حمله به زنان معلول و سالمند، هم در خانه و هم درمکانهای عمومی. اما بیشترین حمله به زنان در خانه از جانب مرتکبان آشناسورت می گیرد: شوهران، یا شوهران سابق، پدران، ناپدریها، پدرخوانده ها، برادران، یا پسران، یا خویشاوندان دیگر.

خشونت میان اعضای خانواده یا اعضای یک خانوار را **خشونت خانگی** می نامند. دراین موارد، یکی از اشخاص، از طریق اعمال فشار جسمی یا عاطفی، قدرتی فراچنگ می آورد. هریک از اعضای خانوار ممکن است آماج خشونت خانگی شود، اما بیشتر مواقع زنان طعم این خشونتها را می چشند. در قانون کیفری برخی از کشورها خشونت خانگی صریحاً ممنوع شده است، اما در قانون بسیاری از کشورهای دیگر حتی ذکری از آن به میان نیامده است.



خشونت خانگی متضمن خشونت جسمی و جنسی و نیز زیر پا گذاشتن حقوق باروری است. خشونت خانگی همچنین مشتمل است بر بدرفتاری روانی، از قبیل منزوی کردن اجباری، تحقیر، محروم ساختن از حمایت، و تهدید به خشونت یا آسیب رسانی. کسانی که با بازماندگان بدرفتاریهای خانگی کار می کنند غالباً گزارش می دهند که زنان بدرفتاری روانی را به مراتب کوبنده تر از حمله و هجوم جسمی می دانند.

بررسیهای مربوط به خشونت علیه زنان، اگرچه روی میزان قابل توجی از بدرفتاریهای گزارش شده انگشت می گذارند، چنانند که گویی تعداد مورد وقوع را کمتر از میزان واقعی برآورد می کنند و سطح بدرفتاری را در حداقل می دانند. این امر در هیچ جا به اندازه حوزه خشونت خانگی صادق نیست. « زنان غالباً، به دلیل داشتن احساساتی چون گناهکار انگاشتن خویش، شرم، وفاداری به شخص بد رفتاری یا ترس، از افشای بدرفتاریها اکراه دارند. به علاوه، زنان در بسیاری از فرهنگها چنان پرورش یافته اند که تنبیه بدنی و عاطفی را به عنوان جزئی از مزیت شوهرانه همسرشان می پذیرند، و کمتر احتمال می رود که خود را مورد بد رفتاری تصور کنند».

### جلوگیری از خشونتهای خانگی

خشونت علیه زنان و دختران « جلوه ای است از روابط نابرابر قدرت میان مردان و زنان در طول تاریخ، که به سلطه مردان بر زنان و تبعیض بر ضد آنان انجامیده و مانع پیشرفت کامل زنان گردیده است.» (برنامه عمل پکن، بند ۱۱۸). پس در هر تدبیری که برای پرداختن به موضوع خشونت علیه زنان و ارتقای حقوق انسانی زنان اندیشیده شود باید نابرابریهای اساسی قدرت، معتقدات فرهنگی، و ساختارهای اجتماعی ای که ضامن دوام و بقای خشونتند مقابله کرد.

چهارعامل موجب خشونت علیه زنان در خانه می شود:

- (۱) نابرابری اقتصادی میان مردان و زنان
- (۲) وجود الگویی برای استفاده از خشونت بدنی در حل و فصل اختلافات
- (۳) آمریت و ریاست مستبدانه بر تصمیم گیریهای داخلی خانه و
- (۴) تصویر مطلوبی که جامعه از سلطه گری و خشن بودن مردانه پذیرفته است.

از سوی دیگر، چهار عامل موجب کاهش خشونت علیه زنان می شود:

- (۱) قدرت و اختیار زنان در بیرون از خانه، از جمله قدرت اقتصادی و سیاسی
- (۲) مداخله فعال جامعه در موضوع خشونت
- (۳) وجود شبکه های یکپارچه زنان یا گروه های همبستگی
- (۴) دردسترس بودن محلهای حفاظت شده ای برای رهایی یافتن از خشونت، از قبیل پناهگاهها و

خانه های دوستان یا خانواده

بسیاری از زنان خانه و زندگی را ترک می کنند اما بازهم سالهادر موقعیتهای خشونت آمیز باقی می مانند . این امر دلایل پیچیده ای دارد، اولاً، مردم غالباً در برابر کسانی که قربانی هر نوع خشونتی شده باشند واکنشهای نامطلوب نشان می دهند. زن خشونت دیده ممکن است مردم را دچار احساس ناراحتی، گناه، ترس، آشفتگی، و عدم اطمینان سازد. ثانیاً، اکثر زنان از حیث اقتصادی یا اجتماعی پشتوانه ای برای تأمین زندگی خود و فرزندانشان ندارند. در جاهایی هم که پناهگاههایی موجودند، محل غالباً پریاناکافی و مناسب است. معمولاً خانواده ها و اولیای امور نیز ترجیح می دهند که پای خود را از چنین مسائلی کنار بکشند.

عواملی که خشونت‌های مبتنی بر جنسیت را دوام می بخشد.

**فرهنگی:** پرورش اجتماعی مبتنی بر جنسیت- تعریفهای فرهنگی درباره نقشهای جنسی مناسب-  
انتظارات نقشها در روابط - اعتقاد به برتری ذاتی افراد ذکور- ارزشهایی که موجب می شوند مردان  
حقوق تملک جویانه ای بر زنان و دختران کسب کنند- مفهوم خانواده به عنوان حوزه خصوصی وزیر  
نظارت مردان- آداب و رسوم ازدواج (شیربها/جهیزیه)- پذیرش خشونت به عنوان وسیله ای برای حل و  
فصل اختلافات

**اقتصادی:** مقام و پایگاه نازل زنان و مردان -درسترسی محدود به نقدینگی و اعتبار- حقوق مالکیت،  
استفاده از زمینهای اشتراکی، و امرار معاش پس از طلاق گرفتن یا بیوه شدن.

**قانونی:** مقام و پایگاه نازل زنان همدر قوانین مکتوب و هم درعرف- قوانین مربوط به طلاق- حضانت  
فرزند، نفقه، پایین بودن سطح سواد حقوقی، رفتار غیر دلسوزانه پلیس و دستگاه قضایی با زنان  
**سیاسی:** کم بودن تعداد نمایندگان زن در مواضع قدرت و سیاست، رسانه های گروهی و حرفه های  
پزشکی، تصورات در این مورد که خانواده نهادی است خصوصی و خارج از حوزه نظارت دولت قرار دارد،  
خطر اعتراض به قوانینی که بر وضع موجود تکیه می کنند، سازمان یافتگی محدود زنان به عنوان نیروی  
سیاسی و مشارکت محدود زنان در نظام سیاسی سازمان یافته .

### حمله جنسی

حمله جنسی شامل تجاوز به عنف و صورتهای دیگر حمله بدنی از نوع جنسی است. مرتکبان حمله  
جنسی ، مثل سایر انواع خشونت علیه زنان، به احتمال زیاد اکثراً برای قربانی آشنا و شناخته شده اند.  
مثلاً، باپژوهشی که بانک جهانی درچندکشور انجام داد، از طریق استخراج آمارهاو داده های دستگاه

قضایی و مراکز بحران تجاوز جنسی، معلوم شده که در ۶۰ تا ۷۰ درصد موارد تجاوز به عنف، قربانی مرتکب را می شناسد.

## نقش اولیای امور: حکومت

در برابر این عقیده که مسئله خشونت علیه زنان را باید به عنوان یکی از موضوعهای مربوط به حقوق بشر تلقی کرد، هنوز مقاومتی به خرج داده می شود. مخالفان این نظر استدلال می کنند که حقوق بشر مرتبط است با روابط میان دولت و فرد و بنابراین آنچه را که مردم در زندگی خصوصی خود می کنند شامل نمی شود. بنابراین استدلال آنان، حمایت شدن در برابر خشونت در کشمکشهای مسلحانه یادر حوزه نظارت دولت را می توان یکی از حقوق بشر دانست، حال آن که در مورد خشونت خانگی چنین نیست، و هر زن کتک خورده باید بر ضد کتک زننده اقامه دعوی کند نه بر ضد دولت.

کسانی که خشونت خانگی را نوعی نقض حقوق بشر می انگارند خاطر نشان یم سازند که دولت و سایر اولیای امور مسئولیت دارند که در خشونتهای نوع خصوصی نیز دخالت کنند. دولت، با مهیا ساختن شرایطی که به مردان کتک زننده امکان رهایی یافتن از مجازات را می دهند، با نشان ندادن واکنش جدی در برابر شکایتهای زنان در زمینه حمله جنسی، و با حمایت کردن از موسسه هایی که به نیازهای زنان توجهی نمی کنند، در واقع، هم با اعمال خود هم با خودداری از عمل، بی چون و چرامسبب بروز خشونت است.

برخی از حکومتها، مسئولیت جلوگیری از خشونتهای مبتنی بر جنسیت و اقدام برای پیشگیری از خشونتهای آینده را پذیرفته اند. چنین اعمالی ایجاب می کنند که در آموزش مأموران پلیس، دادیاران، و قضات تغییراتی پدید آید تا این افراد به درک درست تری درباره خشونت علیه زنان نایل شوند و شوق

و رغبت بیشتری برای جدی گرفتن مسئله خشونت علیه زنان پیدا کنند. پیشگیری شامل آموزش در مدارس برای مبارزه با این عقیده که مردان حق دارند از زنان سوء استفاده کنند نیز می شود. اقدامهای پیشگیرانه همچنین مشتملند بر دایر کردن پناهگاههایی برای زنان آسیب دیده و خدمات مشاوره ای تحت سرپرستی دولت، و نیز برقرار ساختن همکاری میان مقامهای مجری قانون، کارگزاران خدمات اجتماعی، رابطین بهداشت، و گروههای که بازماندگان خشونت را از مشاوره ها و راهنماییهای خود بهره مند می سازند.

تعدادی از دولتها به تازگی قوانینی درمورد انواع گوناگون علیه زنان به تصویب رسانده اند. اگرچه قانونگذاری گام مهمی درمبارزه با خشونت به شمار می رود، باید آن را چیزی بیش از یک موضوع صرفاً حقوقی دانست. درقوانین بسیاری از کشورها مشخصاً نامی از خشونت خانگی یا صورتهای دیگری از خشونت علیه زنان به میان نیامده است، جز این که شاید از سوء استفاده جنسی ذکری شده باشند. این بدان معنی است که زنان ناگزیرند به مفاد عمومی قانون که هرگز قصد تأمین موقعیت زنان در آنها نبوده است توسل جویند. قانون، هنگامی که به بررسی جلوه های گوناگون خشونت علیه زنان می پردازد، غالباً این کار را به نحوی مجزا انجام میدهند. بی آن که این فکر را القا کند که آن جلوه ها از لحاظ ساختاری با یکدیگر ارتباط دارند. به عبارت دیگر، در قوانین معمولاً رابطه میان خشونت علیه زنان و تبعیض و انقیاد زنان به طور کلی مطرح نمی شود، و در نتیجه، قانونهای مربوط به خشونت علیه زنان به صورتی پاره پاره در آمده اند.

قوانین مختص بدرفتاریهای خانگی، در جاهایی هم که موجودند، معمولاً به نحوی جنبه حمایتی دارند. روال کار در این موارد چنان است که زن می تواند به دادگاه مراجعه کند و دلیل متقاعد کننده ای بیاورد

که دادگاه به مرتکب آزار دستور دهد که دست از رفتار خود بردارد و دور از آن زن به سر برد. آنگاه پلیس در صورتی می تواند مرتکب آزار را دستگیر کند که وی نظم حمایتی را مراعات نکرده باشد. لیکن، حتی در جاهایی هم که این گونه راه حل‌های قانونی وجود دارند، باز پلیس و دادیاران و قضات می توانند در جدی گرفتن شکایتهای زنان قصور ورزند و زنان را از رسیدن به نتیجه باز دارند یا بهراسانند.

### نقش اولیای امور: رسانه های گروهی و رهبران اجتماع

تلاش برای جرم شمردن خشونت‌های خانگی و اصلاح دستگاه قضایی، اگرچه مهم و لازم است، برای ایجاد تغییرات منظم و اساسی کافی نیست. برای تغییر دادن اعتقادات و نگرش‌های بنیادینی که تقویت کننده خشونت‌های مردانه بوده اند تدبیرهایی نیز باید اندیشید. تکیه کردن به حبس برای مرتکبان آزار به موقعیتهایی مربوط نمی شود که در آنها زنان نخواهند شوهرانشان را به زندان اندازند یا نتوانند از عهده این کار بر آیند.

رهبران دینی و اجتماعی، معلمان، و رسانه های گروهی، نه تنها ممکن است در تداوم بخشیدن به خشونت علیه زنان نقشی منفی ایفا کنند، می توانند در پرداختن به این مسئله و فرونشاندن آن نیز منبع گرانبهایی باشند. مهمتر از همه زنان مایلند که در هنگام بروز بحران پیش از هرکار به اعضای خانواده ، رهبران جامعه ، متخصصان مراقبتهای بهداشتی، و مددکاران اجتماعی مراجعه کنند. متوسل شدن به دستگاه قضایی غالباً آخرین راه چاره است.

زنان در بسیاری از نقاط جهان دست به کار فعالیتهای آموزشی، تأسیس کارگاهها، تنظیم دادخواستها، برگزاری مجالس سخنرانی، و اقدامات دیگری شده اند تا بتوانند در راه کمک به تغییر آن نوع نگرش‌های اجتماعی که به خشونت می انجامد قدمی بردارند. به علاوه ، زنان مبارز در خط مقدم قرار گرفته اند و

برای زنانی که از خشونت جان به در برده اند خدمات مشاوره ای ، پناهگاه، و خدمات دیگری تدارک می بینند.

« پایبندی به مذهب عامل موثری در پیشگیری از خشونت علیه زنان است »

تحقیقی که بر روی یکصد زن قربانی خشونت از سوی همسرانشان در ایران انجام شده است نشان می دهد که عامل بی قیدی به مذهب و اعتقادات دینی عاملی قوی برای آوردن مردان به خشونت های مختلف علیه زنان است.

هرچند خشونت علیه زنان ریشه در تاریخ دارد و معضل تمامی جوامع بشری است، بااین حال در جوامع اسلامی به دلیل فرهنگ و اعتقادات مذهبی، تمامی اشکال خشونت در مقایسه با جوامع غربی کمتر است.

تحقیق فوق نشان می دهد مردانی که پدیده خشونت علیه زنان را در کودکی مشاهده کرده اند در زندگی خانوادگی خود بیشتر به زن آزاری دست می زنند. اعتیاد، بیکاری، اختلالات روانی و تربیت غلط دوران کودکی از دیگر عوامل فرهنگی و محیطی تأثیر گذار بر پدیده زن آزاری از سوی مردان شمرده می شود.

مراجعات مختلف به پزشکی قانونی نشان می دهد که خشونت علیه زنان در هر قشر و طبقه ای وجود دارد. اینگونه خشونتها عوارض جسمی و روانی شدید در پی دارد. آسیبهای مغزی و روحی بر روی زنان عموماً منجر به تمایل و یا انجام خودکشی از سوی آنان می شود. آمار نشان می دهد خشونت علیه زنان در میان زنان با سواد و شهر نشین شایع تر است. به این دلیل که زنان با سواد و شهر نشین نسبت

به حقوق خویش آگاه ترند و زودتر به مراجع قانونی مراجعه می کنند و زنان دیگر به دلیل عدم آگاهی

حقوق خویش، اشکال مختلف خشونت را تحمل می کنند.<sup>۱</sup>

---

<sup>۱</sup> منبع: اخبار تلکس خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۹/۰۸/۱۸



## حق انسانی زنان در امور باروری و امور جنسی

### اهداف

- اهمیت حقوق جنسی و باروری برای زنان و رابطه متقابل آنها را با سایر حقوق انسانی تشخیص دهند.
- راههایی را که حقوق زنان در زمینه باروری و امور جنسی از آن طریق تهدید می شوند بشناسند.
- نقش دولت، رهبران جامعه، رسانه های گروهی و خود زنان را در حمایت و دفاع از حقوق زنان در مورد باروری و امور جنسی تعریف می کنند.
- رابطه میان سیاستهای تنظیم جمعیت و حقوق مربوط به امور جنسی و باروری را نقدانه تحلیل کنند.
- موضوع آموزش بهداشت جنسی و باروری را از چشم انداز حقوق انسانی زنان مورد بحث و بررسی قرار دهند.

### شروع به حرکت: اندیشیدن درباره حقوق مربوط به باروری و امور جنسی

در حدود نیمی از جمعیت مونث جهان در سن باروری (۱۵ تا ۴۹ سالگی) قرار دارند. در ۲۰ سال آینده این گروه تا ۳۰ درصد افزایش خواهد یافت. زندگی و سلامت زنانی که در سن باروری هستند تا حد زیادی از نقش بالقوه ای که در تولید مثل دارند تأثیر می پذیرد. در دو دهه گذشته، پیشرفتهای بزرگی در سراسر جهان در زمینه کاهش مرگ و میر در ارتباط با بهداشت باروری حاصل شده است. به رغم چنین پیشرفتی، در برنامه عمل پکن اشاره شده است:

بهداشت باروری برای بسیاری از مردم جهان تأمین نبوده است. برخی از عوامل این امر بدین قرارند: کافی نبودن سطح معلومات درباره مسائل جنسی انسان و وجود اطلاعات و خدمات نامناسب یا نامطلوب در زمینه بهداشت باروری، شیوع رفتارهای بسیار خطرناک جنسی، رسوم تبعیض آمیز اجتماعی، نگرشهای منفی در مورد زنان و دختران، و قدرت و اختیار محدودی که زنان و دختران در مورد زندگی جنسی و باروری خود دارند. نوجوانان، به دلیل نداشتن اطلاعات و عدم دسترسی به خدمات مناسب در اکثر کشورها، عملاً آسیب پذیرند. زنان و مردان سالمند مسائل باروری و جنسی جداگانه ای دارند که غالباً به نحو کافی و مناسب به آنها پرداخته نشده است. (بند ۹۵)

### رویارویی با واقعیت‌های مربوط به بهداشت باروری زنان

- تقریباً  $500/000/-$  زن در هر سال - یعنی  $1/500/-$  تن در هر روز - در اثر عارضه های مربوط به بارداری جان می سپارند.
- خطر مرگ برای هر زن افریقایی در طول عمر در نتیجه عوارض مربوط به بارداری و زایمان ۱ در ۲۳ است، این رقم در مورد زنان امریکای شمالی ۱ در  $4/000/-$  است.
- در کشورهای رو به توسعه، ۵۵ درصد زایمانها توسط کارکنان تحصیل کرده بهداشت صورت می گیرد، و در کشورهای صنعتی این نسبت به ۹۹ درصد می رسد.
- دست کم ۱۰۰ میلیون زن - یعنی یک زن از هر شش زن ازدواج کرده در کشورهای رو به توسعه غیر از چین - مایلند که از برنامه تنظیم خانواده استفاده کنند اما از وسایل جلوگیری بی بهره اند. در آن کشورها، از هر چهار زایمان یک زایمان ناخواسته است.

## تعریف حقوق باروری و جنسی

در « کنفرانس بین المللی جمعیت و توسعه » (ICPD) که در سال ۱۹۹۴ از طرف سازمان ملل در قاهره مصر برگزار شد، بحث درباره حقوق باروری به اوج رسید. برای نخستین بار، ۱۸۰ کشور توافق کردند که رشد جمعیت را باید تثبیت کرد و کوشش های عمرانی را باید از طریق پیشبرد زنان افزایش داد. روشن شد که بهداشت باروری و جنسی زنان مستقیماً با مسایل مربوط به رشد پایدار جمعیت و پیشرفت اقتصادی پیوند دارد. در برنامه عمل ICPD، یعنی سند عمده ای که در نتیجه این کنفرانس صادر شد، نیاز مردان و زنان به آگاه شدن درباره وسایل سالم، موثر و آسان جلوگیری از بارداری و سایر خدمات و مراقبتهای بهداشتی، و داشتن دسترسی به همه آنها، به رسمیت شناخته شد.

ECPD حقوق فرزند دختر را نیز ارتقاء بخشید. برنامه عمل، امور زیان آور- از قبیل گزینش جنسیت قبل از زایمان دختر کشی، ختنه دختران و زنان، خرید و فروش دختر بچه ها، و استفاده از دختران در روسپیگری، و هرزه نگاری- را مورد سرزنش قرار داده است. در موفقیتی اساسی، ICPD مردان را نیز مخاطب فرار داده و از آنان خواست که مسئولیت رفتار جنسی خود را برعهده گیرند.

وکلائی مدافعی که در ۱۹۹۵ در « کنفرانس جهانی » پکن حضور داشتند به رهبران جهان اصرار کردند که با تعریفهای مربوط به حقوق جنسی و باروری زنان موافقت کنند. در برنامه عمل پکن، که نتیجه این توافق است، تعریف های زیر عرضه شده اند:

- **بهداشت باروری** «عبارت از بهره مند بودن از نوعی حلالیت سلامت کامل جسمی، ذهنی، و اجتماعی- و نه صرفاً فقدان بیماری یا ضعف - در همه امور مربوط به نظام تولید مثل و کارکردها و فرآیندهای آن از این رو، بهداشت باروری ایجاب می کند که مردم بتوانند

زندگی جنسی سالم و رضایت بخشی داشته باشند و از قابلیت تولید مثل و آزادی در این

که چه موقع و چندبار به تولید مثل بپردازند برخوردار باشند». (بند ۹۴)

- **مراقبت های بهداشت باروری:** « عبارتند از روشها، فنون و خدمات که، با پیشگیری از مشکلات مربوط به بهداشت باروری، سهم به سزایی در بهداشت و سلامت باروری دارند. همچنین مشتمل است بر بهداشت جنسی، که منظور از آن تقویت زندگی و روابط شخصی است، و نه صرفاً استفاده از مشاوره و مراقبتهای مربوط به تولید مثل و بیماریهای مقاربتی» (بند ۹۴).

#### مبانی قانونی حقوق انسانی مربوط به باروری

- حق آزادی و امنیت شخصی : اعلامیه جهانی حقوق بشر (UDHR) ماده ۳، میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی (ICCPR) ، ماده ۹ (۱)
- حق بهره مندی از تندرستی و بهداشت: میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (ICESCR) ، ماده ۱۲.
- حق عدم تبعیض در ارائه مراقبتهای بهداشتی و در خانواده: پیمان نامه رفع هرگونه تبعیض علیه زنان (CEDAW)، ماده ۱۲ (۱) ، ۱۶ (۱).
- حق ازدواج و تشکیل خانواده: UDHR، ماده ۱۶ (۱)، CEDAW، ماده ۱۶(۱)، ECCPR ، ماده ۲۳ (۲).
- حق رهایی از مداخله خودسرانه و غیر قانونی در زندگی خصوصی و خانه : ICCPR ، ماده ۱۷ (۱).

• حق بهره مندی از پیشرفتهای علمی و رضایت برای انجام آزمایشهای علمی: ICCPR

ماده ۲ (۱)، ICESCR، ماده ۲ (۲)

• حق زنان و مردان برای دسترسی داشتن به برنامه تنظیم خانواده بر پایه مساوات:

CECAW ماده ۱۲ (۱)

• حق زنان روستایی برای برنامه ریزی خانوادگی: CEDAW ماده ۱۴، (۲) (ب)

### نقش اولیای امور

همچنان که در مورد سایر حقوق انسانی صادق است، دولت هم ایجاباً وظیفه دارد که به بهبود وضع حقوق جنسی و باروری یاری رساند و هم سلباً موظف است که در این حقوق مداخله نکند: مثلاً، برای این که زنان از حقوق کاملی در زمینه باروری برخوردار باشند، دولت‌ها باید گستره وسیعی از اطلاعات و خدمات را برای همه زنان و دختران فراهم آورند و در هنگام لزوم، برای تضمین این که بتوانند تصمیم‌هایشان را خود بگیرند، دسترسی به تشکیلات قانونی را برایشان امکان پذیر سازند. به همین دلیل، مدافعان حقوق زنان باید به پافشاری به اصولی که در مورد بهداشت جنسی در برنامه عمل قاهره و برنامه عمل پکن درج شده اند ادامه دهند.

برای آن که حقوق انسانی، از جمله حق آزادی و بهداشت جنسی، عملاً به صورت عام و کلی در آیند، لازم است که دولت‌ها طوری وسایل اولیه را فراهم آورند که بتوان در زندگی روزمره شاهد شکوفایی آن حقوق بود.

برای تأمین کامل بهداشت باروری، همه مردم به آنچه در زیر ذکر می شوند نیاز دارند:

- اطلاعات، آموزش ، و ارتباطات در زمینه بهداشت باروری و آزادی مربوط به تولید مثل، بیماریهای مقاربتی، مسائل جنسی انسان، والدین مسئول، روابط قدرت براساس جنسیت، سوء استفاده جنسی و آمیزش با محارم، تفاوت‌های جنسی، و تأثیرات مواد سمی بر بهداشت باروری.

- وسایل مطمئن، مناسب ، و قابل دسترس برای جلوگیری از بارداری، از جمله طیف وسیعی از روشها.

- ترویج رفتارهای جنسی مسئولانه

- دسترسی به مراقبت‌های کافی پزشکی، از جمله - امانه محدود به - مراقبت‌های مرتبط به بیماریهای زنان، و مراقبت‌های پیش از زایمان، ضمن زایمان، و پس از زایمان

- پیشگیری و درمان بیماریهای مقاربتی، از جمله ایدز، اما نه محدود به آن

- پیشگیری از نازایی و درمان مقتضی

- شناخت همه مقررات مربوط به تربیت فرزند و حمایت از آن مقررات

- از بین بردن عوامل خطر آفرین برای تولید مثل در زندگی، از جمله خطر های مربوط به محیط زیست و محل کار

- گنجاندن دیدگاه‌های زنان و سازمان‌های زنان در برنامه ریزی ، اجرا، پژوهش ، و ایجاد روشهای جدید در زمینه باروری و در برنامه ها و خط مشی های مربوط به تدارک مراقبت‌های بهداشت باروری و آموزش جنسی.

- دسترسی به شغل، مسکن، مراقبت‌های بهداشتی ، تحصیلات کافی و مناسب

• و....

آخرین فقره از فهرست بالا به ندرت تأمین می شود. با این حال بسیاری از اوقات بهداشت باروری مشروط به وضع اقتصادی و اجتماعی زنان است زنان و دختران، بدون برخورداری از تعلیم و تربیت، داشتن دسترسی به اطلاعات، مراقبتهای بهداشتی، و منابع اقتصادی، نمی توانند به طور کامل در مورد تولید و فعالیت جنسی تصمیم های خاص خود را بگیرند. به ویژه زنانی از حقوق باروری و جنسی بی بهره اند که در روابط جنسی خشونت بار در جوامع بی رحمی به سر می برند که آنان را از گرفتن تصمیم یا جست و جوی مراقبتهای بهداشتی مانع می شوند.

### سقط جنین

کوششهای بسیاری از زنان برای بیان خواستههایشان در مورد حقوق جنسی و باروری بر موضوع دسترسی به سقط جنین بی خطر و سالم متمرکز بوده اند. در سراسر جهان، اهمیت سقط جنین برای تندرستی زنان عمدتاً وابسته به این امر است که آیا سایر روشهای جلوگیری از بارداری در دسترسند یا نه؟ با این حال، یکی از آمارها به صورتی تقریباً ثابت باقی مانده است: در جاهایی که زنان از دسترسی به سقط جنین محرومند، میزان مرگ و میر در اثر سقط جنین های غیر قانونی و خود انگیزه سر به فلک می زند. زنان فقیر و « اقلیتی» که از منابع مالی برای پرداخت مخارج مراقبتهای مطلوب و مساعد بی بهره اند، در نتیجه سقط جنین های غیر قانونی در مقیاسی به مراتب بالاتر از زنان دیگر جانیشان را از دست می دهند.

بنابر اظهار « سازمان جهانی بهداشت» (WHO)، سقط جنین غیر قانونی و ناسالم علت عمده مرگ و میر زنان باردار است. در همه نقاط جهان، هر روز تقریباً ۵۰۰ زن در اثر عوارض ناشی از سقط جنین

های ناسالم و غیر قانونی جان می سپارند. در نواحی پیشرفته که سقط جنین در آنها عمدتاً قانونی است و خدمات بهداشتی احتمالاً بیشتر قابل دسترسند احتمال خطر مرگ از سقط جنین ۱ در -/۳۷۰۰ نفر است در نواحی رو به توسعه این نسبت به طور متوسط ۱ در ۲۵۰ نفر است.

### کنفرانس قاهره و بحث سقط جنین

سقط جنین یکی از موضوعهای اصلی مناظره ای پرشور بود که در ۱۹۹۴ در « کنفرانس بین المللی جمعیت و توسعه » (ECPD) در قاهره صورت گرفت. بحث در نهایت بر موضوعهای اختیار و نظارت متمرکز شد. برخی از جوامع دولتی و مذهبی قبول نداشتند که زنان می توانند برای خاتمه دادن به بارداریهای ناخواسته تصمیم بگیرند. بعضی دیگر معتقد بودند که همه کس، از جمله دولت، پزشک، شوهر، مأمور مذهبی - جز خود زنان - حق گرفتن این تصمیم را دارند. دولتها معمولاً سعی می کنند که از طریق اقدامهای تنبیهی بر سقط جنین نظارت داشته باشند، عده ای از حکومتها پزشک مجری سقط جنین را مجازات می کنند و عده ای دیگر هم پزشک و هم زنی را که سقط جنین می کند به کیفر می رسانند. با این که در کنفرانس قاهره بر تعهدکشورها در برابر بهداشت و تندرستی زنان بار دیگر تأکید شد، اما موضوع حق استقلال و اختیار زنان بر تن خویش زنگ خطر را برای بسیاری از تشکیلات مذهبی و سیاسی، از جمله گروههایی که در دفاع از کنترل جمعیت رایزنی می کنند، به صدا در آورد. در نتیجه، هرچند حق بهره مندی از مراقبتهای بهداشتی در برنامه عمل کلاً به رسمیت شناخته شده و بهداشت باروری به عنوان یکی از اجزای ضروری مساوات زنان تأکید گردیده است، اما از گنجاندن حق خاصی در مورد سقط جنین یا اختیار زنان بر بدن خویش در آن برنامه خودداری شده است.



اختلاف نظر در کنفرانس قاهره تا حدی بر محور این نکته پدید آمده که آیا سقط جنین را باید از دیدگاه تندرستی و بهداشت زنان نگریست یا نه. در پیش نویس سندی که قبل از برگزاری جلسه تنظیم شد، حمایت محدودی از تسهیلات مربوط به سقط جنین بی خطر و قانونی، به عمل آمد و بر تندرستی و بهزیستی زنان بیشتر تأکید شد تا بر ضوابط کیفری و اقدامهای جزایی. اما در سند نهایی، که توسط نمایندگان شرکت کننده در کنفرانس تهیه شد، فقط قید گردید که در شرایطی که سقط جنین مخالف قانون نباشد، باید سالم و بی خطر باشد. در این سند، تأکید معطوف بود بر موضوع کاهش « توسل به سقط جنین از طریق خدمات گسترده و پیشرفته مربوط به تنظیم خانواده، »

در هیچ جای سند، سقط جنین به عنوان حق زنان در نظر گرفته نشده است.

### کنترل جمعیت

موضوع باروری زنان نخستین بار در صحنه جهانی به صورت جزئی از موضوعی که « مسئله کنترل جمعیت » نامیده می شود مطرح گردید. رشد جمعیت به منزله یک بمب ساعتی که آماده انفجار است توصیف شده است. همان گونه که آمار تپاسن خاطر نشان می سازد. « این تصورات اسفبار موجب گردیده اند که تمایلی به جست و جو برای یافتن راه حلهایی که در آنها مردم نه به عنوان موجوداتی عاقل و منطقی، یا هم پیمانانی که با مسئله ای مشترک مواجه باشند، بلکه به عنوان سرچشمه های برانگیخته و مهار نشده آسیبه های بزرگ اجتماعی تلقی می شوند که به نظم و انضباط شدید نیازمندند.»

دلایل موجهی برای نگران بودن از مسئله رشد جمعیت و پرداختن به آن وجود دارد. میزان باروری زیاد برای مساوات در زندگی، به ویژه مساوات زنان، زیان آور است. وانگهی، میزان باروری زیاد معمولاً نشانه آن است که کار از جای دیگری خراب است.

تفاوت دیگر میان حقوق باروری و کنترل جمعیت به کانون برنامه های دولت مربوط می شود. در خط مشی های مرتبط با موضوع جمعیت ، زنان معمولاً در چارچوب ازدواج در نقش محدود زاینده فرزند همسر فداکار، و مادر انگاشته شده اند. همه زنان دیگر- از جمله طلاق گرفتگان، بیوگان ، یا زنان رها شده، و نیز زنان مجرد و زنانی که جدا از مردان بسر می برند- از نظر دور مانده اند. اما همه زنان در ارتباط با بهداشت جنسی و باروری خویش نیازهایی دارند، و مفهومی حقوق جنسی و باروری در مورد همه زنان، صرف نظر از موقع و مقامشان، به کار بردنی است.

خط مشی های مبتنی بر حقوق جنسی و باروری وجود قوانین سرکوبگرانه دولتی، سیاست جمعیتی، و آداب رسوم اجتماعی را منع می کنند. درعین حال، خط مشی های مرتبط با حقوق جنسی و باروری موجب می شوند که دولتها و جامعه بین المللی کوششهای مثبتی کنند و موقعیتهای اجتاعی، اقتصادی، و فرهنگی فراهم آورند که حامی استقلال، تندرستی و وضع معیشتی زنان باشند. « با ایجاد فرصتهای بیشتر برای آموزش ( بخصوص آموزش زنان و دختران)، کاستن از مرگ و میر ( بخصوص در بین کودکان)، بهبود در امنیت اقتصادی ( بخصوص در سالخوردگی) و امکان بیشتر برای مشارکت زنان در زمینه اشغال و اقدام سیاسی، می توان انتظار داشت که کاهش سریع در میزان زاد و ولد از طریق تصمیم ها و اقدامات کسانی به نتیجه رسد که زندگیشان به آن امور وابسته است.»

## وضعیت بهداشت، تغذیه، سلامت، در تنظیم خانواده، درج ۱.۱.۱. ایران

### اول - دستاوردها

۱. ایجاد گسترش شبکه خدمات بهداشتی در سطح کشور ۸۵٪ جمعیت روستایی و ۱۰۰٪ جمعیت شهری را به ویژه در زمینه ارائه خدمات بهداشت باروری تحت پوشش قرار می دهد.
۲. تمرکز زدایی از خدمات بهداشتی و گسترش آنها به نواحی دورافتاده و روستاها از طریق خانه های بهداشت روستایی
۳. ایجاد بانک اطلاعاتی تحقیقاتی بهداشت باروری از دیدگاه جنسیتی
۴. در اختیار قراردادن اطلاعاتی راجع به تنظیم خانواده و بهداشت باروری از طریق دوره های ویژه مشاور برای زوجهای جوان
۵. ارائه مشاوره های ژنتیک برای افرادی که قصد ازدواج دارند.
۶. ارتقای سطح آگاهیهای عموم به ویژه زنان از طریق رسانه ها در مورد تشخیص زودرس ، پیشگیری از سرطان پستان ودانه رحم و اقدام سریع جهت درمان مناسب
۷. اجرای موفق برنامه تنظیم خانواده و کاهش نرخ رشد جمعیت از جمعیت از ۲۷٪ در سال ۱۹۷۹ به ۱/۴٪ در سال ۱۹۹۶ و گسترش روشهای پیشگیری از بارداری
۸. کاهش مرگ و میرمادران از ۹۱ درصد هزار تولد زنده در سال ۱۹۹۸ به ۳۷/۴ در سال ۱۹۹۶ و ۳۷ در سال ۱۹۹۹ و تشکیل کمیته کاهش مرگ میر مادران و نوزادان در وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی

۹. گسترش فعالیتهای سازمانهای غیر دلتی که با هدف ارتقای بهداشت باروری زنان و دختران فعالیت می کنند.

۱۰. اکنون بیش از ۴۲ واحد درمان نازایی IVF در سراسر کشور فعالیت دارند که بخش خصوصی در این زمینه از فعالیت زیادی برخوردار است.

۱۱. دسترسی زنان به ید بطوری که اکنون ۹۴/۵٪ خانواده ها از نمک ید دار استفاده می کنند.

۱۲. اتخاذ تدابیر حمایتی برای زنان ( کارگر و کارمند ) در حین بارداری و پس از زایمان از طریق اعطای امتیازاتی چون مرخصی ایام زایمان ( افزایش مدت مرخصی از ۳ ماه به ۴ ماه با حفظ حقوق)، مرخصی برای شیر دهی اطفال ( تصویب و اجرای قانون ترویج تغذیه با شیر مادر در دوران شیردهی اطفال ( تصویب و اجرای قانون ترویج تغذیه با شیر مادر در دوران شیر دهی مصوب ۱۳۷۴) و اجرای تصویب نامه راجع به ایجاد شیرخوارگاه و مهد کودک در کارگاههای دولتی و وابسته به دولت

۱۳. ارائه برنامه ملی امنیت غذایی با تأکید بر گروههای آسیب پذیر از جمله زنان و کودکان، دستیابی به امنیت غذایی پایدار یکی از سیاستهای کلی در برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور بود و تقویت نقش زنان در سلامت تغذیه ای خانوار یکی از اقدامات عملی برای دستیابی به امنیت غذایی پیش بینی شده در برنامه توسعه سوم بود.

۱۴. واکسیناسیون دختران در دبیرستانها علیه بیماری کزاز

۱۵. برگزاری کارگاههای آموزشی پیرامون سلامت دختران نوجوان و جوان با توجه به سه محور بهداشت بلوغ و باروری بهداشت روان و تغذیه

۱۶. بررسی طرح شاخصهای چندگانه وضعیت زنان و کودکان در سال ۱۳۷۶ حاکی از آن است که حدود ۷۸ درصد از مادران باردار در مقابل کزاز واکسینه شده اند.

۱۷. تنظیم پرونده خانوار در کلیه خانه های بهداشت و پایگاههای بهداشت برای تمام خانوارهای تحت پوشش یکی از اجزای ثابت هر پرونده مراقبت از مادران باردار است که در طی دوره بارداری خود حداقل باید ۱۱ بار مراقبت شوند.

۱۸. به منظور گسترش دسترسی جمعیت روستایی به خدمات زایمان ایمن و انجام زایمان توسط کارکنان دوره دیده تعداد ۳۹۴ واحد ارائه تسهیلات زایمانی راه اندازی شده و تعداد ۶۳۰۰ نفر مامایی روستایی تربیت و مشغول ارائه خدمات زایمان و تنظیم خانواده و مراقبتهای دوران بارداری شده اند.

۱۹. امید به زندگی زنان در ایران نسبت به مردان  $\frac{1}{2}$  سال بیشتر است. این شاخص برای زنان ۷۰/۳۰ سال و برای مردان ۶۸/۲ سال می باشد.

۲۰. ایجاد تسهیلات ورزشی برای زنان تا حد امکان

## دوم - چالشها، محدودیتها و موانع

۱. جوان بودن جمعیت کشور باعث افزایش رشد جمعیت در دهه های آتی خواهد شد.
۲. مشارکت کم مردان در برنامه های بهداشت باروری و تنظیم خانواده به دلیل باورهای غلط سنتی و عدم توجه به آموزش فرهنگ مشارکت در برقراری روابط جنسی، زندگی خصوصی و...
۳. مشارکت اندک بخش خصوصی و NGOs در برنامه های بهداشتی

۴. کم سوادی جمعیت در برخی از مناطق محروم روستایی و وجود مشکلات فرهنگی به ویژه در برخی مناطق مرزی و محروم که اکثر زنان ترجیح می دهند به پزشک یا کارمند بهداشتی درمانی مونث مراجعه کنند که این امر به تعداد کمتر پزشکان و کارمندان بهداشتی درمانی زن نسبت به مردان منجر به نوعی تبعیض می شود در نتیجه این قشر عظیم را از دریافت خدمات بهداشتی محروم می کند. ( نبود دسترسی برابر زنان و مردان به خدمات بهداشتی به دلیل عدم تعادل جنسیتی بین متخصصان)

۵. سوء تغذیه مادران به ویژه در زمینه جذب آهن، کلسیم و...

۶. گسترش برخی بیماریهای عفونی همچون ایدز و عدم برنامه ریزی در زمینه پیشگیری و مبارزه با آن بیماریها

۷. کمبود امکانات برای درمان نازایی و باروری

۸. کمبود امکانات برای مراقبت از سالمندان به خصوص مقابله با عوارض یائسگی در زنان

۹. عدم توجه کافی به برنامه های بهداشت باروری زنان جوان و اطلاع رسانی از این برنامه ها

۱۰. عدم کفایت هماهنگیهای بین بخشی در فعالیتهای اجرایی، تحقیقاتی و آموزشی

۱۱. تناقض و عدم هماهنگی بین سن بلوغ شرعی، سن ازدواج باروری و ... که این امر به ویژه در خصوص دختران بیشتر خد را نشان می دهد.

۱۲. پایین بودن نسبی کیفیت خدمات بهداشت باروری (۲۷/۳٪ قرصهای خوراکی پیشگیری از حاملگی OCP را غلط مصرف می کنند).

۱۳. رشد سریع شهرنشینی

### سوم اقدامات آتی

۱. سیاستگذاری جهت جلب مشارکت مرداندر کلیه امور خانواده از جمله بهداشت باروری و تنظیم

خانواده

۲. ایجاد زمینه مناسب برای جلب مشارکت سازمانهای غیر دولتی در زمینه فعالیتهای بهداشتی و

در مورد لزوم تقویت بنیه مالی تشکیلات دولتی زنان و حمایت از آنان برای ارائه خدمات و

آموزشهای بهداشتی

۳. توجه ویژه به تأمین اجتماعی گروههای مختلف جامعه و به خصوص زنان ( تصویب و اجرای

نظام جامعه تأمین اجتماعی )

۴. پیشنهاد وارد کردن برنامه بهداشت سالمندان با توجه خاص به زنان سالمنددر سیستم شبکه

های بهداشتی درمانی کشور

۵. توجه به آموزش بهداشت باروری جوانان و نوجوانان و مشخص شدن محدوده های مجاز

پرداختی جدی به ابعادی از برنامه های بهداشت باروری

۶. توجه به سرطانهای شایع زنان

۷. تهیه طرح ملی امحای خشونت علیه زنان و اقدام برای تدوین برنامه عملیاتی

۸. توجه ویژه به گسترش امکانات ورزشی کشور به عنوان یکی از مصادیق بارز تحقق عدالت

اجتماعی

۹. ایجاد شرایط دسترسی همه زنان به زایمان ایمن

۱۰. گسترش نقش شوراهای محلی در تخصیص هزینه های اجتماعی به اولویتهای بهداشتی
۱۱. ایجاد هماهنگی بیشتر بین فعالیتهای بهداشتی سازمانهای دولتی، بخش خصوصی، سازمانهای غیر دولتی و نهادهای عام المنفعه
۱۲. افزایش تعداد پرسنل زن در مراکز بهداشتی درمانی شهری و تربیت بیشتر ربهورزان زن و همچنین اختصاص بیشتر برخی رشته های تخصصی پزشکی به زنان از طریق ایجاد امکانات برای پرورش و بهره گیری مناسب از نیروی کار زنان در رشته های مختلف و مبارزه با موانع و محدودیتهای حقوقی و فرهنگی برای مشارکت زنان در برنامه های مختلف بهداشتی، جمعیتی و زیست محیطی
۱۳. برنامه ریزی جهت آگاه سازی مردمدر مورد ایدز و دیگر بیماریهای آمیزشی در سراسر کشور به ویژه در مناطق دور افتاده و تدوین برنامه استراتژیک مبارزه ملی با ایدز
۱۴. تداوم نقش دولت در ارائه خدمات و مراقبتهای بهداشتی پایه برای همه اقشار جامعه و پرداخت یارانه ها در این زمینه و گسترش زمین های ارائه خدمات بهداشتی تخصصی از سوی بخش خصوصی و نیز گسترش نقش آن در سیاستگذاری و تنظیم و برنامه های بهداشتی کشور
۱۵. گسترش برنامه های آهن یاری و برنامه های افزایش کلسیم و ویتامین ها برای کلیه زنان
۱۶. تلاش در جهت تصویب قانون مربوط به تعیین حداقل سن ازدواج و بررسی ممنوعیت مطلق نکاح صغیره ( قبل از بلوغ ) و نیز مقابله با ازدواجهای اجباری



جدول (۱) - خانه های بهداشت فعال روستاها و جمعیت تحت پوشش آنها

سال	خانه های بهداشت فعال	جمعیت تحت پوشش	زن	مرد
۱۳۵۷	۱۴۱۴۶	۱۹/۴	۶۰	۴۰
۱۳۷۶	۱۴۹۲۴	۲۰/۳	۶۱	۳۹

مأخذ: مرکز آمار ایران، سالنامه آماری کشور، ۱۳۷۶

جدول (۲) امید به زندگی در بدو تولد: ۱۳۷۵

شاخص	مرد	زن
۱۳۷۵	۶۷	۶۹/۸

مأخذ: مرکز آمار ایران، ۱۳۷۶